



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



رهیافت / ۳۱



# احکام دین و قرص

ویژه استادان پاسخ‌گویی  
به سؤالات شرعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام شرعي دين و قرض و ٲٲٲه استادان ٲاسخ گويي به سؤالات شرعي

نويسنده:

اداره توليدات فرهنگي آستان قدس رضوي معاونت تبليغات و  
ارتباطات اسلامي

ناشر چاپي:

معاونت فرهنگي آستان قدس رضوي

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۶	احکام شرعی دین و قرض ویژه استادان پاسخ گویی به سؤالات شرعی
۱۶	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۲۱	فهرست
۳۳	پیشگفتار
۳۵	درآمد
۳۷	فصل اول: لغات و اصطلاحات
۴۳	فصل دوم: دین (بدهکاری)
۴۳	اشاره
۴۵	تعریف دین و اسباب ایجاد آن
۴۵	بررسی برخی از مصادیق دین
۴۵	اقسام دین: حال و مؤجل
۴۵	اشاره
۴۶	الف. دین حال و احکام آن
۴۶	اشاره
۴۶	حق مطالبه طلبکار در دین حال
۴۶	وظیفه بدهکار در پرداخت دین
۴۷	وظیفه طلبکار در قبول دین حال
۴۷	ممکن نبودن پرداخت دین حال
۴۷	اشاره
۴۷	۱. خودداری طلبکار از پذیرش دین حال
۴۸	۲. غایب بودن طلبکار و ناممکن بودن رساندن بدهی به او
۴۹	۳. دسترسی نداشتن به طلبکار و ناامیدی از پیدا کردن او

- ۵۰ ..... برائت ذمه بدهکار با پرداخت بدهی طلبکار به دیگری
- ۵۱ ..... تکلیف ورثه در پرداخت بدهی های میت
- ۵۲ ..... ب. دین مؤجل -
- ۵۲ ..... اشاره
- ۵۲ ..... نحوه تعیین سررسید در دین مؤجل
- ۵۲ ..... مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن
- ۵۴ ..... ادای دین مؤجل تبرعاً قبل از سررسید
- ۵۵ ..... بررسی صورت های حال شدن دیون مؤجل
- ۵۵ ..... اشاره
- ۵۵ ..... ۱. مرگ بدهکار
- ۵۵ ..... اشاره
- ۵۶ ..... استفتایی از امام خامنه ای (مدظله العالی)
- ۵۷ ..... ۲. مرگ طلبکار
- ۵۷ ..... ۳. طلاق دادن زنی که مهریه اش مدت دار است
- ۵۸ ..... ۴. محجوریت
- ۵۸ ..... ۵. ارتداد
- ۵۹ ..... جلوگیری از تمدد بدهی یا افزایش مدت آن
- ۵۹ ..... جلوگیری از تمدد بدهی مدت دار در مقابل کاهش مبلغ آن
- ۵۹ ..... مدت دار کردن دین یا افزایش دادن مدت آن با افزایش بدهی
- ۶۰ ..... بررسی راهکار مدت دار کردن دین حال در مقابل افزودن بر بدهی
- ۶۰ ..... ۱. فسخ معامله قبلی و انجام معامله نسبه جدید
- ۶۱ ..... ۲. گرفتن زیادی مدنظر در ضمن عقد جدید
- ۶۲ ..... ۳. تأخیر انداختن دوستانه مدت بدهی
- ۶۲ ..... ۴. مدت دار کردن بدون افزایش مبلغ با شرط کردن مدت در ضمن عقد
- ۶۳ ..... تعیین بدهی در آنچه بدهکار معین می کند
- ۶۳ ..... تلف شدن بدهی تعیین شده قبل از قبض طلبکار

۶۴	تقسیم طلب چند طلبکار از چند بدهکار (تقسیم دین)
۶۴	طلب دو طلبکار از یک بدهکار و استیفای یکی از آن دو، به صورت مجزا
۶۵	پرداخت دین و دریافت آن
۶۵	ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع
۶۵	الف. جواز این کار با رضایت یا منع بدهکار
۶۶	ب. لزوم قبول کردن طلبکار
۶۶	مطالبه عوض توسط کسی که تبرعاً بدهی را پرداخته است
۶۷	پرداخت بدهی تحت عنوان هدیه و...
۶۸	احکام تراحم بین بدهکاری‌ها؛ تعدد بدهی و ناتوانی از ادای همه
۶۸	الف. تراحم دیون فرد زنده
۶۹	ب. تراحم دیون میت
۷۲	ج. اولویت راهن به مال رهنی از سایر طلبکاران
۷۳	بخشیدن دین و طلب؛ ابراء ذمه بدهکار یا هبه دین
۷۳	تعریف ابراء
۷۳	بررسی قیدهای مطرح شده در صحت ابراء
۷۳	۱. رضایت بدهکار
۷۳	۲. لزوم انشای ابراء
۷۴	۳. حاضر بودن مستمع
۷۴	۴. زنده بودن بدهکار
۷۴	۵. دین بودن بدهی
۷۵	۶. قبض یا قبول بدهکار
۷۵	۷. انصراف از ابراء
۷۵	۸. تعبیر ابراء با لفظ بخشش
۷۶	تعریف هبه مافی الذمه
۷۶	ماهیت و تفاوت هبه دین و ابراء ذمه مدیون
۷۷	فایده بحث

۷۸	دریافت بدهی از ذمی از پول فروش محرمان
۷۸	نحوه پرداخت بدهکاری به بخش های دولتی
۷۹	ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی
۷۹	داشتن قصد ادای دین در صورت ناتوانی از پرداخت آن
۷۹	مستثنیات دین و حکم فروش آن ها برای پرداخت بدهی
۸۱	ودیعه مسکن (رهن خانه)
۸۱	سرمایه ضروری
۸۲	حکم مستثنیات دین قبل و بعد از حکم به افلاس
۸۲	بیشتر بودن مستثنیات دین از نیاز یا شأن بدهکار
۸۳	بی نیازی از مستثنیات دین با مال وقفی
۸۴	مردن بدهکار و فروش مستثنیات دین
۸۴	رضایت بدهکار به فروش مستثنیات دین
۸۶	فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن ها
۸۷	فروش غیرمستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آن ها
۸۷	اشاره
۸۷	الف. فروش آن ها اتلاف مال حساب نشود
۸۷	ب. فروش آن ها اتلاف مال حساب شود
۸۸	کسب و کار و تلاش برای پرداخت بدهی
۸۸	۱. پرداخت بدهی به غیرتکسب ممکن باشد
۸۹	۲. تنها راه ادای دین تکسب باشد
۹۰	حکم مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی
۹۱	گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، بدون شرط کردنش در ضمن عقد
۹۱	اشاره
۹۲	استفتایی از امام خامنه ای (مدظله العالی)
۹۳	گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، با شرط کردنش در ضمن عقد
۹۳	جریمه بدهکار توسط دادگاه و ضمانت طلبکار



- ۹۳ ..... بیع دین (فروش بدهی)
- ۹۳ ..... اشاره
- ۹۴ ..... فروش نقدی دین: فروش نقدی چک و ...
- ۹۴ ..... الف. فروش دین صوری: اسکونت، چک دوستانه و ...
- ۹۴ ..... ب. فروش دین حقیقی به کمتر، به فرد ثالث، به صورت نقد
- ۹۶ ..... بیع دین به دین
- ۱۰۰ ..... فصل سوم: قرض (وام)
- ۱۰۰ ..... اشاره
- ۱۰۲ ..... تعریف قرض
- ۱۰۲ ..... حکم قرض دادن و قرض گرفتن
- ۱۰۲ ..... حکم قرض دادن
- ۱۰۲ ..... حکم قرض گرفتن
- ۱۰۲ ..... قرض گرفتن بدون نیاز یا با احتیاج اندک
- ۱۰۳ ..... قرض کردن در صورت نیاز برای کاری ضروری
- ۱۰۴ ..... قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد
- ۱۰۴ ..... شروط لازم در قرض
- ۱۰۴ ..... شروط لازم در قرض دهنده و قرض گیرنده
- ۱۰۴ ..... اشاره
- ۱۰۶ ..... قرض گرفتن از برخی غیرمسلمانان
- ۱۰۶ ..... قرض گرفتن از شخصی که با منت قرض می دهد
- ۱۰۷ ..... خصوصیات مالی که قرض داده می شود
- ۱۰۷ ..... ۱. عین بودن (قرض دادن منفعت و دین)
- ۱۰۷ ..... ۲. مملوک بودن؛ قابلیت مالک شدن مال توسط مسلمان
- ۱۰۷ ..... ۳. مشخص بودن (قرض دادن چیز کلی)
- ۱۰۸ ..... ۴. امکان ضبط اوصاف و خصوصیات آن
- ۱۰۹ ..... ۵. معلوم بودن مقدار مال

- ۱۱۰ ..... ۶. مبهم نبودن مال
- ۱۱۰ ..... قرض گرفتن از کسی که حساب خمسی ندارد
- ۱۱۰ ..... اشاره
- ۱۱۰ ..... ۱. مالی که در تعلق خمس به آن شک داریم
- ۱۱۰ ..... ۲. مالی که یقین داریم خمس به آن تعلق گرفته و خمسش پرداخت نشده است
- ۱۱۱ ..... ۳. مالی که یقین به تعلق خمس بر آن و شک در پرداخت آن داریم
- ۱۱۱ ..... خواندن صیغه؛ حکم معاطات در قرض
- ۱۱۲ ..... شرط بودن قبض و اقباض در صحت قرض
- ۱۱۲ ..... شرط بودن تصرف در صحت قرض
- ۱۱۳ ..... باقی بودن عین مال قرضی و مطالبه قرض دهنده
- ۱۱۴ ..... فسخ عقد قرض؛ لازم بودن عقد قرض
- ۱۱۵ ..... نحوه مطالبه و پرداخت نوع کالا در قرض مثلی و قیمی
- ۱۱۵ ..... اشاره
- ۱۱۵ ..... الف. در مثلی ها
- ۱۱۵ ..... ۱. پرداخت مثل
- ۱۱۶ ..... ۲. پرداخت قیمت یا جنس دیگری در مثلیات
- ۱۱۶ ..... ۳. نایاب شدن یا تعذر مثل در مثلیات
- ۱۱۷ ..... ۴. نامعتبر شدن پول قرضی از سوی دولت
- ۱۱۸ ..... ب. در قیمی ها
- ۱۱۸ ..... ۱. کفایت پرداخت قیمت در قیمی ها
- ۱۱۸ ..... ۲. معیار در قیمت
- ۱۱۹ ..... نهایتر قهری در پرداخت دیون
- ۱۲۰ ..... پرداخت مال حرام برای ادای دین
- ۱۲۰ ..... مکان پرداخت قرض
- ۱۲۰ ..... اشاره
- ۱۲۰ ..... الف. مکان خاصی در ضمن قرض شرط شده باشد

- ب. مکان خاصی در ضمن قرض شرط نشده باشد - - - - - ۱۲۱
- ربا در قرض - - - - - ۱۲۲
- حکم ربادادن و رباگرفتن - - - - - ۱۲۲
- حکم ربا درباره اشخاص و عناوین - - - - - ۱۲۲
- بیان شرط زیاده از سوی قرض گیرنده - - - - - ۱۲۳
- معیار در شروط جایز و حرام در قرض - - - - - ۱۲۳
- شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض - - - - - ۱۲۴
- شروط غیرجایز و ربوی در قرض - - - - - ۱۲۴
- اقسام زیاده ربوی در قرض؛ شروط غیرمجاز در قرض - - - - - ۱۲۴
- اشاره - - - - - ۱۲۴
- الف. زیادی عینی - - - - - ۱۲۵
- ب. زیادی عملی - - - - - ۱۲۵
- ج. زیادی صفتی؛ تحویل جنس نوتر یا مرغوب تر و... - - - - - ۱۲۶
- د. زیادی انتفاع یا منفعت - - - - - ۱۲۶
- ه. زیادی حکمی - - - - - ۱۲۷
- اشاره - - - - - ۱۲۷
۱. قرض به شرط قرض - - - - - ۱۲۷
- اشاره - - - - - ۱۲۷
- تکلیف کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است - - - - - ۱۲۷
۲. قرض به شرط انسداد حساب - - - - - ۱۲۹
- بررسی جواز یا عدم جواز برخی از شروط در قرض - - - - - ۱۳۰
۱. شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته - - - - - ۱۳۰
۲. شرط زمانی - - - - - ۱۳۰
۳. شرط مکانی - - - - - ۱۳۱
۴. شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی ها - - - - - ۱۳۱
۵. شرط تخصیص قرض به افراد خاص - - - - - ۱۳۲

۶. شرط مصرف قرض در کاری معتین ----- ۱۳۲
- اشاره ----- ۱۳۲
- مصرف نکردن قرض در کار شرط شده ----- ۱۳۲
۷. شرط هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد ----- ۱۳۳
۸. شرط انجام واجبات یا ترک محرمات بر قرض گیرنده ----- ۱۳۳
۹. قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت ----- ۱۳۴
۱۰. مستثنیات ربا ----- ۱۳۵
۱۰. ۱. ربا بین پدر و فرزند ----- ۱۳۵
۱۰. ۲. ربا بین پدر بزرگ و نوه ----- ۱۳۵
۱۰. ۳. ربا بین زن و شوهر ----- ۱۳۶
۱۰. ۴. ربا بین زن و شوهر در ازدواج موقت ----- ۱۳۶
- اشاره ----- ۱۳۶
- باقی ماندن ربای قرضی بین زن و شوهر بعد از طلاق ----- ۱۳۸
۱۰. ۵. رباگرفتن مسلمان از کافر و نه عکس آن ----- ۱۳۸
۱۰. ۵. ۱. کفاری که در پناه اسلام نیستند؛ کفار غیرذمی ----- ۱۳۸
۱۰. ۵. ۲. کفاری که در پناه اسلام هستند؛ کفار ذمی ----- ۱۳۸
۱۰. ۵. ۳. رباگرفتن از بانک های غیراسلامی ----- ۱۳۹
۱۰. ۵. ۴. ربا دادن مسلمان به کافر یا بانک های کشورهای غیراسلامی ----- ۱۳۹
۱۰. ۶. یکسان بودن مستثنیات ربای معاملی و قرضی ----- ۱۴۰
۱۰. ۷. تکلیفی یا وضعی بودن مستثنیات ربا ----- ۱۴۰
۱۱. شرط کردن تخفیف یا زیادی به نفع قرض گیرنده ----- ۱۴۱
۱۲. شرط کردن زیادی به نفع شخص ثالث ----- ۱۴۱
۱۳. جوایز بانک ها و مؤسسه های مالی اعتباری و صندوق ها ----- ۱۴۲
- ربای قرضی در غیرمکمل و موزون ----- ۱۴۴
- اشاره ----- ۱۴۴
- پرداخت زیادی در قرض بدون شرط ----- ۱۴۵

- قرض دادن بدون شرط زیادی، ولی با انگیزه استفاده و منفعت ..... ۱۴۵
- تهاتر قهری در قرض ربوی ..... ۱۴۶
- حکم گرفتن قرض ربوی در صورت اضطرار ..... ۱۴۶
- ارث بردن مالی که در آن ربا باشد ..... ۱۴۶
- حکم اصل قرضی که در آن شرط زیادی ربوی شده است ..... ۱۴۸
- مطالبه زیادی پرداخت شده ..... ۱۴۹
- حکم زیادی که در قرض ربوی گرفته شده است ..... ۱۴۹
- حکم چیزی که با مال به دست آمده از ربا خریده شود ..... ۱۵۰
- اشاره ..... ۱۵۰
- الف. چیزی که با عین مال ربوی خریده شود ..... ۱۵۰
- ب. چیزی که به ذمه خریده شود و بهای آن از مال ربوی داده شود ..... ۱۵۱
- حکم محصول به دست آمده با بذر ربوی ..... ۱۵۲
- حکم کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است ..... ۱۵۲
- حکم مشارکت در پرداخت قرض ربوی با کارکردن در بانک ها و... ..... ۱۵۳
- معیار در قبول و رد راهکارهای فرار از ربای قرضی ..... ۱۵۴
- معنای فرار از ربا ..... ۱۵۶
- بررسی راه های مطرح شده برای خلاصی از ربا در قرض ..... ۱۵۷
۱. قرارداد بیع شرط؛ بیع الخيار ..... ۱۵۷
۲. اجاره به شرط تملیک ..... ۱۵۸
۳. بیع عینّه؛ شرط فروش جنس به خود فروشنده ..... ۱۶۰
۴. فروش نقد و نسیه ..... ۱۶۱
۵. گرفتن کارمزد در قرض ..... ۱۶۲
- اشاره ..... ۱۶۲
- اضافه آمدن مقداری از کارمزد ..... ۱۶۳
- راهکارهای شرعی اخذ کارمزد یا گرفتن قرضی که کارمزد دارد ..... ۱۶۴
۶. دیرکرد، وجه التزام، جریمه تأخیر و خسارت تأخیر تأدیه ..... ۱۶۵

- تفاوت بین این عناوین ..... ۱۶۵
- حکم شرعی دیرکرد و وجه التزام و خسارت تأخیر دین ..... ۱۶۶
- اخذ دیرکرد یا خسارت تأخیر از كفار ..... ۱۶۹
- راهکار اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد ..... ۱۶۹
۷. قرض به شرط تخفیف در بیع و اجاره و... و عکس آن ..... ۱۷۰
۷. ۱. قرض دادن به شرط تخفیف در بیع، اجاره، صلح یا هبه ..... ۱۷۰
۷. ۲. بیع، هبه، اجاره و صلح به شرط قرض دادن ..... ۱۷۱
۷. ۱. ۲. شرط قرض در ضمن بیع ..... ۱۷۱
- اشاره ..... ۱۷۱
- نسیه بودن یا غیرمتمعارف بودن بیعی که در ضمنش شرط قرض شده ..... ۱۷۱
۷. ۲. ۲. شرط قرض در ضمن اجاره ..... ۱۷۴
۷. ۳. ۲. شرط قرض در ضمن صلح ..... ۱۷۴
۷. ۴. ۲. شرط قرض در ضمن هبه؛ هبه مشروط به قرض ..... ۱۷۵
۸. فروش اسکناس نقد به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه ..... ۱۷۵
- اشاره ..... ۱۷۵
- الف. فروش اسکناس های هم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه ..... ۱۷۵
- ب. فروش اسکناس های غیرهم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه ..... ۱۷۷
۹. محاسبه تورم و کاهش ارزش پول ..... ۱۷۸
- اشاره ..... ۱۷۸
- چند استفتا از آیات عظام نوری، تبریزی و فاضل ..... ۱۷۹
- شرط جبران کاهش ارزش پول، در ضمن عقد ..... ۱۸۱
۱۰. قرض به شرط رهن و اجرت نگهداری رهن ..... ۱۸۱
۱۱. قرض دادن طلا برای حفظ ارزش پول ..... ۱۸۲
۱۲. قرض گرفتن به شرط رهن دادن ملک و اجاره مجدد آن ..... ۱۸۳
۱۳. نپذیرفتن شرط زیاده یا سایر شروط ربوی، به طور جدی در قرض ..... ۱۸۳
۱۴. فروختن مبلغی با ضمیمه چیزی به بیشتر به صورت نسیه ..... ۱۸۵

۱۸۶	.....	۱۵. فروش اوراق قرضه
۱۸۹	.....	فصل چهارم: مسائل متفرقه
۱۸۹	.....	اشاره
۱۹۱	.....	۱. صندوق های قرض الحسنه خانوادگی
۱۹۱	.....	اشاره
۱۹۱	.....	الف. حکم صندوق های دوستانه و خانوادگی
۱۹۱	.....	ب. حکم قرض مشروط در صندوق های خانوادگی
۱۹۲	.....	ج. اختصاص وام اول به مسئول صندوق
۱۹۳	.....	د. شرط قرعه کشی و تخلف از آن
۱۹۳	.....	۲. شک یا اختلاف در میزان بدهکاری
۱۹۴	.....	۳. بررسی تشخیص مدیون در چند صورت
۱۹۴	.....	الف. نقدنشدن چکی که چند دست جابه جا شده است
۱۹۵	.....	ب. ضمان در مقبوض بالسوم
۱۹۶	.....	ج. تلف قبل از قبض
۱۹۷	.....	د. ضمان در شیء تلف شده به دست بچه نابالغ
۱۹۷	.....	۴. حکم جست وجو از طلبکار و هزینه های آن
۱۹۸	.....	۵. مسافرت مدیون
۱۹۹	.....	۶. شکستن نماز واجب به اختیار برای پرداخت بدهی طلبکار
۱۹۹	.....	۷. پرداخت بدهی افراد فاجر، ضدانقلاب و...
۲۰۰	.....	۸. وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبکه ای
۲۰۱	.....	کتابنامه
۲۰۵	.....	درباره مرکز

## احکام شرعی دین و قرض ویژه استادان پاسخ گویی به سؤالات شرعی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: زنگنه ابراهیمی، علی، 1364 - ، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: احکام شرعی دین و قرض ویژه استادان پاسخ گویی به سؤالات شرعی / گردآورنده علی زنگنه ابراهیمی ؛ تهیه و تدوین مدیریت پژوهش و برنامه ریزی؛ تنظیم و تولید اداره تولیدات فرهنگی ؛ ویراستار سیدعلی آقا حیدری، سیدحمید حیدری ثانی ؛ ارزیاب علمی جواد محدثی ؛ ارزیاب محتوایی سیدعباس دیانت.

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، 1397.

مشخصات ظاهری: 176ص.؛ 14×21 س م.

فروست: زائر رضوی

رهیافت: 31.

شابک: 7-53-6090-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: بدهکاران و بستانکاران (فقه)

موضوع: Debtor and creditor (Islamic law)

موضوع: بدهی ها

موضوع: Debt

شناسه افزوده: محدثی، جواد، 1331 -

شناسه افزوده: Mohadesi, Javad

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. مدیریت پژوهش و برنامه ریزی

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی

رده بندی کنگره: 6/BP198/ب 4 ز 1397



رده بندی ديويي: 297/372

شماره کتابشناسی ملی: 5534029

وضعیت رکورد: فاپا

ص: 1

**اشاره**

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرَمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»<sup>(1)</sup> (خدایا، مرا از تاریکی های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه های علومت را برایمان باز کن؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!)

ص: 2

---

1- عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه.

تقدیم به ارواح قدسی ائمه معصومین (علیهم السلام)، به ویژه مولا و مقتدای زمان، حضرت بقیه‌الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بیت (علیهم السلام) و زائران آستان ملکوتی امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)!

احكام شرعى دین و قرض

ویژه استادان پاسخ گویی به سؤالات شرعى

ص: 4

پیشگفتار ..... 11

درآمد... 13

فصل اول:

لغات و اصطلاحات 15

فصل دوم:

دین (بدهکاری) 21

تعریف دین و اسباب ایجاد آن..... 23

بررسی برخی از مصادیق دین..... 23

اقسام دین: حال و مؤجل..... 23

الف. دین حال و احکام آن ..... 24

حق مطالبه طلبکار در دین حال..... 24

وظیفه بدهکار در پرداخت دین..... 24

وظیفه طلبکار در قبول دین حال ..... 25

ممکن نبودن پرداخت دین حال..... 25

ب. دین مؤجل ..... 30

نحوه تعیین سررسید در دین مؤجل ..... 30

مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن..... 30

ادای دین مؤجل تبرعاً قبل از سررسید..... 32

بررسی صورت های حال شدن دیون مؤجل ..... 33

بدهکار.....33

استفتایی از امام خامنه ای (مدظله العالی).....34

2. مرگ

طلبکار.....35

3. طلاق دادن زنی که مهریه اش مدت دار است.... 35

4. محجوریت.....36

5. ارتداد.....36

جلوانداختن مدت بدهی یا افزایش مدت آن ..... 37

جلوانداختن بدهی مدت دار در مقابل کاهش مبلغ آن ..... 37

مدت دارکردن دین یا افزایش دادن مدت آن با افزایش بدهی..... 37

بررسی راهکار مدت دارکردن دین حال در مقابل افزودن بر بدهی..... 38

1. فسخ معامله قبلی و انجام معامله نسبیۀ جدید... 38

2. گرفتن زیادی مدنظر در ضمن عقد جدید..... 39

3. تأخیرانداختن دوستانه مدت بدهی .... 40

4. مدت دارکردن بدون افزایش مبلغ با شرط کردن مدت در ضمن عقد ..... 40

تعیین بدهی در آنچه بدهکار معین می کند ..... 41

تلف شدن بدهی تعیین شده قبل از قبض طلبکار..... 41

تقسیم طلب چند طلبکار از چند بدهکار (تقسیم دین) ..... 42

ص: 5

طلب دو طلبکار از یک بدهکار و استیفای یکی از آن دو، به صورت مجزا ..... 42

پرداخت دین و دریافت آن ..... 43

ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع ..... 43

الف. جواز این کار با رضایت یا منع بدهکار ..... 43

ب. لزوم قبول کردن طلبکار .... 44

مطالبه عوض توسط کسی که تبرعاً بدهی را پرداخته است... 44

پرداخت بدهی تحت عنوان هدیه و غیره ... 45

احکام تراحم بین بدهکاری ها؛ تعدد بدهی و ناتوانی از ادای همه .... 46

الف. تراحم دیون فرد زنده ..... 46

ب. تراحم دیون میت ..... 47

ج. اولویت راهن به مال رهنی از سایر طلبکاران ..... 50

بخشیدن دین و طلب؛ ابراء ذمه بدهکار یا هبه دین ..... 51

تعریف ابراء... 51

بررسی قیدهای مطرح شده در صحت ابراء ..... 51

1. رضایت بدهکار ..... 51

2. لزوم انشای ابراء .... 51

3. حاضر بودن مستمع ..... 52

4. زنده بودن بدهکار ..... 52

5. دین بودن بدهی ... 52

6. قبض یا قبول بدهکار ..... 53

7. انصراف از ابراء ..... 53

8. تعبیر ابراء با لفظ بخشش... 53
- تعریف هبة مافی الذمه ..... 54
- ماهیت و تفاوت هبة دین و ابراء ذمه مدیون ..... 54
- فایده بحث..... 55
- دریافت بدهی از ذمی از پول فروش محرمات ..... 56
- نحوه پرداخت بدهکاری به بخش های دولتی ..... 56
- ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی ..... 57
- داشتن قصد ادای دین در صورت ناتوانی از پرداخت آن ..... 57
- مستثنیات دین و حکم فروش آن ها برای پرداخت بدهی .... 57
- ودیعه مسکن (رهن خانه)..... 59
- سرمایه ضروری..... 59
- حکم مستثنیات دین قبل و بعد از حکم به افلاس ..... 60
- بیشتر بودن مستثنیات دین از نیاز یا شأن بدهکار... 60
- بی نیازی از مستثنیات دین با مال وقفی ... 61
- مردن بدهکار و فروش مستثنیات دین... 62
- رضایت بدهکار به فروش مستثنیات دین..... 62
- فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن ها..... 63
- فروش غیر مستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آن ها ..... 64



الف. فروش آن ها اتلاف مال حساب نشود ..... 64

ب. فروش آن ها اتلاف مال حساب شود ..... 64

کسب وکار و تلاش برای پرداخت بدهی... 65

1. پرداخت بدهی به غیر تکسب ممکن باشد ..... 65

2. تنها راه ادای دین تکسب باشد ..... 66

حکم مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی... 67

گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، بدون شرط کردنش در ضمن عقد ..... 68

استفتایی از امام خامنه ای (مدظله العالی)..... 69

گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، با شرط کردنش در ضمن عقد..... 70

جریمه بدهکار توسط دادگاه و ضمانت طلبکار ... 70

بیع دین (فروش بدهی) ... 70

فروش نقدی دین: فروش نقدی چک و... 71

الف. فروش دین صوری: اسکونت، چک دوستانه و... ..... 71

ب. فروش دین حقیقی به کمتر به فرد ثالث به صورت نقد..... 71

بیع دین به دین..... 73

فصل سوم:

قرض (وام) 77

تعریف قرض..... 79

حکم قرض دادن و قرض گرفتن ..... 79

حکم قرض دادن..... 79

حکم قرض گرفتن .... 79

- قرض گرفتن بدون نیاز یا با احتیاج اندک ..... 79
- قرض کردن در صورت نیاز برای کاری ضروری... 80
- قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد..... 81
- شروط لازم در قرض..... 81
- شروط لازم در قرض دهنده و قرض گیرنده ..... 81
- قرض گرفتن از برخی غیرمسلمانان .... 83
- قرض گرفتن از شخصی که با منت قرض می دهد..... 83
- خصوصیات مالی که قرض داده می شود ..... 84
1. عین بودن (قرض دادن منفعت و دین) ..... 84
2. مملوک بودن؛ قابلیت مالک شدن مال توسط مسلمان ..... 84
3. مشخص بودن (قرض دادن چیز کلی) ..... 84
4. امکان ضبط اوصاف و خصوصیات آن..... 85
5. معلوم بودن مقدار مال ..... 86
6. مبهم نبودن مال ..... 87
- قرض گرفتن از کسی که حساب خمسی ندارد .... 87
1. مالی که در تعلق خمس به آن شک داریم..... 87
2. مالی که یقین داریم خمس به آن تعلق گرفته و خمسش پرداخت نشده است.... 87
3. مالی که یقین به تعلق خمس بر آن و شک در پرداخت آن داریم ..... 88

- خواندن صیغه؛ حکم معاطات در قرض..... 88
- شرط بودن قبض و اقباض در صحت قرض..... 89
- شرط بودن تصرف در صحت قرض..... 89
- باقی بودن عین مال قرضی و مطالبه قرض دهنده..... 90
- فسخ عقد قرض؛ لازم بودن عقد قرض..... 91
- الف. در مثلی ها ... 92
1. پرداخت مثل ..... 92
2. پرداخت قیمت یا جنس دیگری در مثلیات ..... 93
3. نایاب شدن یا تعدد مثل در مثلیات..... 93
4. نا معتبر شدن پول قرضی از سوی دولت ..... 94
- ب. در قیمی ها .... 95
1. کفایت پرداخت قیمت در قیمی ها ..... 95
2. معیار در قیمت ... 95
- تہاتر قہری در پرداخت دیون ..... 96
- پرداخت مال حرام برای ادای دین ..... 97
- مکان پرداخت قرض..... 97
- الف. مکان خاصی در ضمن قرض شرط شده باشد..... 97
- ب. مکان خاصی در ضمن قرض شرط نشده باشد ..... 98
- ربا در قرض..... 99
- حکم ربا دادن و ربا گرفتن..... 99
- حکم ربا درباره اشخاص و عناوین..... 99

بیان شرط زیاده از سوی قرض گیرنده ..... 100

معیار در شروط جایز و حرام در قرض ..... 100

شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض ..... 101

شروط غیرجایز و ربوی در قرض ... 101

اقسام زیاده ربوی در قرض؛ شروط غیرمجاز در قرض ..... 101

الف. زیادی عینی ... 102

ب. زیادی عملی .... 102

ج. زیادی صفتی؛ تحویل جنس نوتر یا مرغوب تر و ..... 103

د. زیادی انتفاع یا منفعت .... 103

ه. زیادی حکمی ..... 104

بررسی جواز یا عدم جواز برخی از شروط در قرض .... 106

1. شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته .... 106

2. شرط زمانی ... 106

3. شرط مکانی ..... 107

4. شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی ها ..... 107

5. شرط تخصیص قرض به افراد خاص ..... 108

6. شرط مصرف قرض در کاری معین ..... 108

مصرف نکردن قرض در کار شرط شده ..... 108

7. شرط هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد..... 109
8. شرط انجام واجبات یا ترک محرمات بر قرض گیرنده... 109
9. قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت .... 110
10. مستثنیات
- ربا... 111
10. 1. ربا بین پدر و فرزند..... 111
10. 2. ربا بین پدر بزرگ و نوه..... 111
10. 3. ربا بین زن و شوهر..... 112
10. 4. ربا بین زن و شوهر در ازدواج موقت ..... 112
10. 5. ربا گرفتن مسلمان از کافر و نه عکس آن..... 113
10. 6. یکسان بودن مستثنیات ربای معاملی و قرضی .... 115
10. 7. تکلیفی یا وضعی بودن مستثنیات ربا..... 115
11. شرط کردن تخفیف یا زیادی به نفع قرض گیرنده .... 116
12. شرط کردن زیادی به نفع شخص ثالث ..... 116
13. جوایز بانک ها و مؤسسه های مالی اعتباری و صندوق ها ..... 117
- ربای قرضی در غیر مکمل و موزون..... 119
- پرداخت زیادی در قرض بدون شرط ..... 120
- قرض دادن بدون شرط زیادی، ولی با انگیزه استفاده و منفعت..... 120
- تہاتر قہری در قرض ربوی ..... 121
- حکم گرفتن قرض ربوی در صورت اضطرار... 121
- ارث بردن مالی کہ در آن ربا باشد .... 121

حکم اصل قرضی که در آن شرط زیادی ربوی شده است..... 122

مطالبه زیادی پرداخت شده..... 123

حکم زیادی که در قرض ربوی گرفته شده است ..... 123

حکم چیزی که با مال به دست آمده از ربا خریده شود... 124

الف. چیزی که با عین مال ربوی خریده شود ..... 124

ب. چیزی که به ذمه خریده شود و بهای آن از مال ربوی داده شود ..... 125

حکم محصول به دست آمده با بذر ربوی ..... 126

حکم کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است ..... 126

حکم مشارکت در پرداخت قرض ربوی با کارکردن در بانک ها و..... 127

معیار در قبول و رد راهکارهای فرار از ربای قرضی ..... 128

معنای فرار از ربا ..... 130

بررسی راه های مطرح شده برای خلاصی از ربا در قرض..... 131

1. قرارداد بیع شرط؛ بیع الخيار ..... 131

2. اجاره به شرط تملیک .... 132

3. بیع عینیه؛ شرط فروش جنس به خود فروشنده ..... 134

4. فروش نقد و نسیه ..... 135

5. گرفتن کارمزد در قرض..... 136

اضافه آمدن مقداری از کارمزد..... 137

راهکارهای شرعی اخذ کارمزد یا گرفتن قرضی که کارمزد دارد ..... 138

6. دیرکرد، وجه التزام، جریمه تأخیر و خسارت تأخیر تأدیه ..... 139

تفاوت بین این عناوین ..... 139

حکم شرعی دیرکرد، وجه التزام و خسارت تأخیر دین... 140

اخذ دیرکرد یا خسارت تأخیر از کفار... 143

راهکار اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد ..... 143

7. قرض به شرط تخفیف در بیع و اجاره و... و عکس آن ..... 144

7.1. قرض دادن به شرط تخفیف در بیع، اجاره، صلح یا هبه... 144

7.2. بیع، هبه، اجاره و صلح به شرط قرض دادن... 145

8. فروش اسکناس نقد به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه ..... 148

الف. فروش اسکناس های هم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه ..... 148

ب. فروش اسکناس های غیرهم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه... 149

9. محاسبه تورم و کاهش ارزش پول ..... 150

چند استفتا از آیات عظام نوری، تبریزی و فاضل ..... 151

شرط جبران کاهش ارزش پول، در ضمن عقد ..... 153

10. قرض به شرط رهن و اجرت نگهداری رهن ..... 153

11. قرض دادن طلا برای حفظ ارزش پول ..... 154

12. قرض گرفتن به شرط رهن دادن ملک و اجاره مجدد آن ..... 155

13. نپذیرفتن شرط زیاده یا سایر شروط ربوی، به طور جدی در قرض ..... 155

14. فروختن مبلغی با ضمیمه چیزی به بیشتر به صورت نسیه ..... 157

15. فروش اوراق قرضه .... 158

فصل چهارم:

1. صندوق های قرض الحسنه خانوادگی..... 163
  - الف. حکم صندوق های دوستانه و خانوادگی..... 163
  - ب. حکم قرض مشروط در صندوق های خانوادگی..... 163
  - ج. اختصاص وام اول به مسئول صندوق..... 164
  - د. شرط قرعه کشی و تخلف از آن..... 165
  2. شک یا اختلاف در میزان بدهکاری..... 165
  3. بررسی تشخیص مدیون در چند صورت..... 166
  - الف. تقدنشدن چکی که چند دست جابه جا شده است..... 166
  - ب. ضمان در مقبوض بالسوم..... 168
  - ج. تلف قبل از قبض..... 168
  - د. ضمان در شیء تلف شده به دست بچه نابالغ..... 169
  4. حکم جست و جواز طلبکار و هزین ههای آن..... 169
  5. مسافرت مدیون..... 170
  6. شکستن نماز واجب به اختیار برای پرداخت بدهی طلبکار..... 171
  7. پرداخت بدهی افراد فاجر، ضدانقلاب و..... 171
  8. وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبک های..... 172
- کتابنامه..... 173



عبدالسلام از امام رضا (علیه السلام) شنید که فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.» (خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده می کند.) عرض کرد: «چگونه امر شما را زنده می کند؟» علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.»<sup>(1)</sup> (علوم ما را فرا می گیرد و آن را به مردم تعلیم می دهد... زیرا اگر مردم از زیبایی های کلام ما آگاهی می یافتند، از ما پیروی می کردند.)

«معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی» مفتخر است در راستای رسالت خود مبنی بر اشاعه فرهنگ تشیع و پاسخ گویی به سؤالات شرعی مردم در این حوزه گسترده از دین، محتوای پیش رو را به استادان فرهیخته تقدیم کند. در این نوشتار تلاش شده است علاوه بر ارائه اطلاعات و محتوایی غنی، پاسخی مناسب با محتوایی یکسان در اختیار استادان قرار داده شود تا از تشویش خاطر مراجعان به سبب دریافت جواب های متفاوت جلوگیری شود.

اهداف اصلی تهیه و تنظیم این قبیل نوشتارها عبارت اند از: تلخیص کتاب های تخصصی موجود در این حوزه؛ جمع بندی جواب ها؛ بی نیاز کردن استادان از رجوع به منابع پُرشمار در هنگام پاسخ گویی. برای رسیدن به این مهم، کارگروهی از استادان و کارشناسان فرهیخته این معاونت، هر موضوع پیشنهادی را موشکافانه بررسی می کنند و محصول تلاش خویش را به داوری هیئت علمی می گذارند.

مجموعه کتاب های رهیافت در چهار موضوع کلی تدوین می شود: رهیافت احکام، رهیافت اعتقادی، رهیافت تربیتی و رهیافت ترکیبی که مرکب از هر سه موضوع قبل است. بی شک بررسی دقیق و نگاه

تقدانه شما فرهیخته گران قدر، خدمتگزارانتان را در بهبود کیفی این مجموعه یاری خواهد کرد.

جبهه خضوع به درگاه قدسی احدیت می ساییم، به شکرانه توفیق خدمتی که حضرتش در بارگاه ملکوتی و سراسر نور امام رضا (علیه السلام) ارزانی مان فرموده است. امید است بتوانیم به پاس این افتخار و با استعانت از آن امام همام (علیه السلام)، به مصداق روایت نورانی آغازین، جرعه ای از علم حقیقی بنوشیم و به تشنگان راستین آن نیز بنوشانیم.

معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

ص: 12

در منابع اسلامی، برای قرض دادن ارزش و اهمیت والایی بیان شده است؛ تا جایی که ثواب آن از صدقه و بخشیدن مال هم بیشتر دانسته شده<sup>(1)</sup> و توصیه شده است که قرض دادن در وقت توانگری غنیمت شمرده شود.<sup>(2)</sup> از طرف دیگر، قرض گرفتن بدون نیاز جدی، نکوهش شده است.<sup>(3)</sup> با توجه به اهمیت والای قرض در اسلام و جوانب مختلف و گسترده آن، در این نوشته سعی کرده ایم فقط احکام شرعی دین و قرض از جمله شروط آن، مستثنیات دین، نحوه مطالبه بدهی، ربای قرضی و راه های شرعی رهایی از آن را از نظر فقهای عظام تقلید به صورت نسبتاً جامع بیان کنیم.

بر خود لازم می دانیم از زحمات و همراهی ها و راهنمایی های استادان محترم پاسخ گویی به سؤالات شرعی حرم مطهر رضوی، کمال تشکر را بکنیم؛ همچنین از تمامی صاحب نظران تقاضا می کنیم ما را در بهبود کمی و کیفی این نوشته یاری و اشکالات و دیدگاه های اصلاحی خویش را درباره این نوشته به این آدرس ارسال کنند: [zanganehali2@chmail.ir](mailto:zanganehali2@chmail.ir)

هیئت اندیشه ورز نشر احکام معاونت پژوهش و برنامه ریزی آستان قدس رضوی

ص: 13

---

1- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 4، ص 10.

2- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 31، ص 398.

3- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 95، حدیث 11.







لغات و اصطلاحاتی را که به مناسبت، در متن همین نوشته به تفصیل از آن ها سخن گفته می شود، در این بخش بیان نکرده ایم.

دین: بدهکاری و دین عبارت است از مالی کلی که به هر علتی برای کسی در ذمه دیگری ثابت شده است. به همه حقوقی که بر ذمه افراد است، می توان دین اطلاق کرد؛ ولی موضوع سخن فقها در باب دین، دیون مالی است. (1)

دائن، مدیون، مدین و غریم: (2) به طلبکار «دائن» (3) و به بدهکار «مدیون» و «مدین» و به هر دو «غریم» می گویند.

قرض: قرض عبارت است از تملیک مال به دیگری در برابر ضمانت دادن قرض گیرنده برای پرداخت مثل یا قیمت مال. این تملیک سبب اشتغال ذمه قرض گیرنده می شود.

مقرض و مقترض و مستقرض: به قرض دهنده «مقرض» و به قرض گیرنده «مقترض» و «مستقرض» گفته می شود.

ارتباط دین و قرض: رابطه قرض و دین رابطه سبب و مسببی است؛ یعنی قرض سبب دین است، گرچه دین اسباب دیگری مانند اسباب اختیاری و قهری دارد و در نتیجه دین اعم از قرض است.

ربای قرضی و معاملی و جاهلی: «ربای قرضی» مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که شرط می شود قرض گیرنده به سبب قرضی که می گیرد، به قرض دهنده بدهد. «ربای معاملی» عبارت است از فروش کالای مکمل

ص: 17

1- الدَّيْنُ: واحد الدَّيُونِ، معروف. و كلُّ شَيْءٍ غَيْرِ حَاضِرِ دَيْنٍ، و الْجَمْعُ أَدْيُنٌ مِثْلُ أَعْيُنٍ وَ دِيُونٍ (محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 167).

2- غَرِمَ يَغْرِمُ غُرْمًا وَ غَرَامَةً وَ أَعْرَمَهُ وَ غَرَمَهُ. وَ الْغُرْمُ: الدَّيْنُ. وَ رَجُلٌ غَارِمٌ: عَلَيْهِ دَيْنٌ. الْغَرَامَةُ مَا يَلْزَمُ أَدَاؤَهُ، وَ كَذَلِكَ الْمَغْرُمُ وَ الْغُرْمُ. الْغَرِيمُ الَّذِي لَهُ الدَّيْنُ وَ الَّذِي عَلَيْهِ الدَّيْنُ جَمِيعًا وَ الْجَمْعُ غَرَمَاءُ (محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج 12، ص 436)؛ دِنْتُ الرَّجُلَ: أَقْرَضْتُهُ فَهُوَ مَدْيُونٌ... وَ قِيلَ: دِنْتُهُ أَقْرَضْتُهُ، وَ أَدِنْتُهُ اسْتَقْرَضْتُهُ مِنْهُ. وَ دَانَ هُوَ: أَخَذَ الدَّيْنَ. وَ رَجُلٌ دَائِنٌ وَ مَدْيُونٌ وَ مَدْيُونٌ، الْأَخِيرَةُ تَمِيمِيَّةٌ (محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 167) وَ أَدَانَ وَ هُوَ مُدَانٌ: أَي مُسَدِّدِيْنٌ. وَ دَائِنٌ: عَلَيْهِ دَيْنٌ، وَ قَدْ يُقَالُ لِلَّذِي يُعْطَى الدَّيْنَ: دَائِنٌ (المحيط في اللغة، ج 9، ص 359).

3- درباره معنای دائن در کتاب الصحاح آمده است: «وَ دَانَ فُلَانٌ يَدِينُ دَيْنًا: اسْتَقْرَضَ وَ صَارَ عَلَيْهِ دَيْنٌ، فَهُوَ دَائِنٌ» (اسماعيل بن حماد جوهری، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربيه، ج 5، ص 2117).

یا موزون در برابر کالای هم جنس آن به مقدار زیادتر. «ربای جاهلیت» یا «ربای جاهلی» عبارت است از افزودن در حق (دین) در ازای افزودن طرف دیگر به موعد ادای آن.<sup>(1)</sup>

حواله: «حواله» در لغت به معنای تغییر یافتن، جابه جاشدن، دگرگونی و برگشتن از جایی به جایی است و در اصطلاح، به عقدی گفته می شود که موجب انتقال دین و بدهی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالث می شود. در حواله بدهکار را «مُحیل»، طلبکار را «مُحتال» یا «مُحال»، شخص ثالث را که طلبکار به او حواله داده می شود، «مُحالٌ علیه» و دینی را که حواله داده می شود، «مُحالٌ به» می نامند.<sup>(2)</sup> بیع مُحاببات: بیع مُحاببات یعنی فروش کالا به کمتر از بهای متعارف (ثمن المثل) یا خرید آن به بیشتر از قیمت متعارف. «مُحاببات» از «حبوه» به معنای هدیه و بخشش گرفته شده است. از آنجا که اقدام هریک از فروشنده و خریدار به فروش و خرید کالا به قیمتی افزون تر یا کمتر از قیمت بازار، نوعی بخشش و هدیه به طرف دیگر به شمار می رود، به این نوع دادوستد، بیع مُحاببات اطلاق شده است. در واقع چنین معامله ای، هم بیع است و هم هبه. از این عنوان در باب های قرض، حجر، شرکت، وصیت و شفعه به مناسبت سخن رفته است.<sup>(3)</sup>

مثلی و قیمی:<sup>(4)</sup> تعیین مثلی و قیمی موکول به عرف است. ظاهر این است که چیزهایی که با وسایل ماشینی در این زمان ساخته می شود،

ص: 18

---

1- ربا الجاهلیه کان یزیده فی الحق لیزیده فی الأجل فإن قبض المال لم یصح قبضه؛ لأنه إنما دفعه بشرط أن یرئ من مال الکتابه (محمد بن حسن طوسی، المبسوط، ج 6، ص 121).

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، ص 31، کتاب الحواله و الکفاله.

3- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج 2، ص 194.

4- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الغصب، مسئله 23؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، خرید و فروش، مثلی یا قیمی بودن پول و رد مظالم، معیار محاسبه رد مظالم؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 261، مسئله 826 و ص 31، مسئله 79؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الغصب، مسئله 23؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2622 و 2623؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، مسئله 2567 تا 2569؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، مسئله 2049 تا 2051.



«مثلی» یا در حکم آن است؛ همان طور که حبوبات و روغن ها و داروها و مانند این ها مثلی است و انواع حیوان ها و همچنین جواهر و مانند این ها قیمی هستند. (حضرت امام)

مثلی به چیزی می گویند که مثل و مانند آن از جهت خصوصیتی که در جلب تقاضا تأثیر دارد، فراوان است و چیزی که این گونه نباشد، قیمی است؛ پس حبوبات مثل گندم، جو، برنج، ذرت، ماش و عدس مثلی است و ابزار و ظرف ها و پارچه ها و دواها که با وسایل ماشینی در این زمان ساخته می شود و جواهرات اصلی چون یاقوت و زمرد و اکثر انواع حیوانات، مانند اسب و گوسفند و گاو، قیمی هستند. (آیت الله سیستانی)

ملاک مثلی آن است که همانند آن به راحتی و وفور پیدا شود و غیر آن، قیمی است. پول و گندم و جو و امثال آن مثلی است و انواع حیوانات قیمی هستند. (آیت الله مکارم)

قیمی یعنی خصوصیات افراد صنف آن از جهت ارزش و رغبت عقلاً معمولاً تفاوت داشته باشد؛ مانند حیوانات. مثلی یعنی خصوصیات افراد صنف آن معمولاً از جهت ارزش و رغبت عقلاً تفاوت ندارد؛ مانند حبوبات. (آیت الله وحید)

مراد از مثلی چیزهایی است که اجزای آن مساوی است به سبب نزدیکی آن ها در اغلب صفات و خواص؛ مانند حبوبات از جمله گندم، جو، برنج، ذرت، ارزن، ماش و عدس و نیز مانند روغن ها و داروها. منظور از قیمی چیزهایی است که این گونه نباشد؛ مانند انواع حیوانات مثل اسب، قاطر، الاغ، گوسفند و گاو، نیز مانند جواهرات بزرگ، لباس ها، فرش و گلیم و حصیر و انواع مصنوعات. (آیت الله صافی)

مراد از قیمی چیزی است که تهیه مثل آن از هر جهت، برای معمول افراد آسان نیست. مراد از مثلی چیزی است که تهیه مثل آن از هر جهت،

برای معمول افراد آسان است. قیمی همچون گاو و مثلی همچون گندم و جو است. (آیت الله شیری) در صورتی که از نظر اسم یا صفت یا رغبت مردم به آن، امثالی ندارد، قیمی است. مثلاً چیزی که مثل گوسفند قیمت اجزای آن با هم فرق دارد، قیمی است. اگر از نظر اسم یا صفت یا رغبت مردم به آن امثالی دارد، مثلی است؛ مانند گندم و برنج. (آیت الله بهجت)

ص: 20





## تعریف دین و اسباب ایجاد آن

دین چیست و اسباب ایجاد آن چه اموری است؟(1)

بدهکاری یا دین عبارت است از مال کلی که به هر علتی برای کسی در ذمه دیگری ثابت شده است. در اسباب اشتغال ذمه به دین، فرقی نیست؛ بنابراین علت بدهکاری ممکن است قرض گرفتن باشد یا معامله نسیه یا معامله سلف یا اجاره یا مهریه یا اتلاف مال یا امور دیگر نظیر این ها باشد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، صافی و فاضل)

## بررسی برخی از مصادیق دین

آیا مصادیقی چون جرایم راهنمایی و رانندگی و شهرداری ها، کفارات، خمس، زکات مال و زکات فطره، نذر و رد مظالم، از لحاظ شرعی دین است و احکام باب دین بر آن ها بار می شود یا عنوان دیگری دارد؟(2)

جریمه رانندگی یا شهرداری نوعی تعزیر است و باید مطابق قوانین و مقررات حکومت اسلامی پرداخت شود؛ اما خمس، زکات و... دیون شرعی و تکالیفی است که مسلمانان به انجام دادن آن ها مکلف هستند. (آیت الله مکارم)

مظالم و خمس و زکات و حجه الاسلام و آنچه به جهت نذر تملیک شده، دین است؛ به خلاف سایر مصادیق. (آیت الله شبیری)

## اقسام دین: حال و مؤجل

### اشاره

اقسام دین و احکام مربوط به آن را بیان کنید؟

ص: 23

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، قبل از مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 311؛ کتاب الدین و القرض، قبل از مسئله 983؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 299، سؤال 1159.

2- ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611200035؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 50121.

دین به دو نوع حال (بدون مدت) و مؤجل (مدت دار) تقسیم می شود(1) و هر یک احکامی دارد که از این قرار است:

## الف. دین حال و احکام آن

### اشاره

دین حال به چه معناست؟(2)

دین حال دینی است که برای بازپرداخت آن زمانی تعیین نشده است یا اگر مدت دار بوده، سررسید آن فرارسیده است.

### حق مطالبه طلبکار در دین حال

طلبکار چه زمانی اجازه مطالبه دین حال را دارد؟(3) طلبکار می تواند دین حال را هر وقت که بخواهد، مطالبه کند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، نوری و بهجت)

اگر قرض مدت نداشته باشد، پس از گذشتن زمانی که عرفاً در قرض اجازه تأخیر داده می شود، طلبکار هر وقت بخواهد، حق مطالبه قرض را دارد. (آیت الله شبیری)

### وظیفه بدهکار در پرداخت دین

تأخیر در پرداخت بدهی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟(4)

اگر طلبکار طلب خود را در زمانی که حق مطالبه دارد بخواهد، چنانچه

ص: 24

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین، القول فی احکام الدین، مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 307، کتاب الدین و القرض، مسئله 983.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین، القول فی احکام الدین، مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 307، کتاب الدین و القرض، مسئله 983.

3- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 307، مسئله 983 و مطالب قبل از این مسئله؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 487، مسئله 2283 و 2284؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 394، مسئله 1711؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2270؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، ص 362، مسئله 1815.

4- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2276.

بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، واجب است فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است. (مراجع عظام تقلید)

## وظیفه طلبکار در قبول دین حال

اگر بدهکار بخواهد بدهی حال خود را بپردازد، آیا طلبکار موظف است آن را قبول کند؟ (1)

تحویل گرفتن دین حال در صورتی که مدیون در صدد پرداخت آن و فارغ کردن ذمه اش باشد، واجب است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی، خویی، شبیری و فاضل)

## ممکن نبودن پرداخت دین حال

### اشاره

ممکن نبودن پرداخت دین حال (2)

در صورتی که پرداخت بدهی حال برای بدهکار ممکن نباشد، چه تکلیفی دارد؟

این مطلب چند فرض دارد:

### 1. خودداری طلبکار از پذیرش دین حال

اگر طلبکار حاضر و در دسترس بود ولی از گرفتن طلبش خودداری می کرد، بدهکار چه تکلیفی دارد؟ (3)

اگر طلبکار از گرفتن طلبش خودداری کرد، در صورت درخواست مدیون، حاکم شرع او را به قبول مجبور می کند و اگر اجبار او ممکن

ص: 25

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 2؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 985؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 795؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 795؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2274.

2- در این باره حضرت امام (رحمه الله) به «دین حال» تعبیر کرده است؛ ولی آیات عظام سیستانی و صافی به «دین عند حلوله» تعبیر کرده اند؛ یعنی دینی که مدت دار بوده ولی حال شده است. ظاهراً این دو تعبیر در نتیجه یکسان است.

3- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 3؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 986؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 29876.

نمود، بدهی را نزد طلبکار حاضر می کند و او را بر آن متمکن می سازد؛ به طوری که عرفاً تحت اختیار و تسلط او قرار بگیرد. با این کار، ذمه اش فارغ می شود. اگر بعد از آن تلف شود، ضمانتی بر او نیست. اگر این کار ممکن نباشد، حق دارد آن را به حاکم شرع تسلیم کند و با آن، ذمه اش فارغ می شود؛ ولی در چنین فرضی، معلوم نیست که قبول آن بر حاکم واجب باشد و در آن اشکال است. اگر حاکم پیدا نشد، می تواند (حضرت امام: بنا بر احتیاط واجب، حق ندارد) دین را، با توجه به قیمی و مثلی بودن، در مال مخصوصی تعیین کند و آن را کنار بگذارد (آیت الله صافی: و در این صورت اگر مال بدون کوتاهی تلف شود، ذمه اش بری می شود). (حضرت امام و آیت الله صافی)

اگر طلبکار از گرفتن طلبش خودداری کرد، در صورت درخواست مدیون، حاکم شرع طلبکار را مجبور به قبول می کند و اگر این کار ممکن نباشد، حق دارد آن را به حاکم شرع تسلیم کند و با آن ذمه اش فارغ می شود؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، بر حاکم شرع قبول آن واجب نیست. اگر حاکم پیدا نشد یا آن را قبول نکرد، دین در ذمه بدهکار باقی می ماند تا اینکه طلبکار یا کسی که در جایگاه اوست، دین را اخذ کند. (آیت الله سیستانی)

در فرض سؤال که زمان وصول دین رسیده است، طلب مذکور در نزد بدهکار، امانت است و اگر تلف شود، ضامن است. چنانچه طلبکار از دریافت آن خودداری کند، باید به حاکم شرع مراجعه کند تا وی را به دریافت مجبور کند. (آیت الله نوری)

## 2. غایب بودن طلبکار و ناممکن بودن رساندن بدهی به او

اگر طلبکار غایب باشد و رساندن بدهی به او ممکن نباشد و بدهکار بخواهد ذمه اش را فارغ سازد، چه وظیفه ای دارد؟<sup>(1)</sup>

ص: 26

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 3؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 986.



اگر طلبکار غایب باشد و رساندن بدهی به او ممکن نباشد و بدهکار بخواهد ذمه اش را فارغ کند، در صورت بودن حاکم، بدهی را به او می‌رساند؛ ولی در چنین فرضی اینکه قبول بر حاکم واجب باشد، معلوم نیست و در آن اشکال است. (آیت الله صافی: اگر حاکم مبسوط الید باشد، قبول واجب است.) اگر حاکم یافت نشود، در ذمه اش باقی می‌ماند تا آن را به طلبکار یا به کسی برساند که در جایگاه اوست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

### 3. دسترسی نداشتن به طلبکار و ناامیدی از پیدا کردن او

کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند، چه وظیفه ای دارد؟(1)

باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد. شرط نیست که فقیر غیرسید باشد (آیت الله شبیری: و احتیاط مستحب آن است که دو امر را رعایت کند: یکی اینکه صدقه را از طرف صاحب مال بدهد و دیگر اینکه اگر طلبکار هاشمی نیست، طلب او را به هاشمی ندهد.) (2) (حضرت امام و آیت الله شبیری) چنانچه امید نداشته باشد که در آینده او یا وارثش را پیدا کند، باید طلب او را از طرف صاحبش به فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب، از حاکم شرع در این کار اجازه بگیرد؛ ولی اگر امیدوار باشد که او یا وارثش را پیدا کند، باید منتظر بماند و او را جست و جو کند. چنانچه وی را نیابد، باید

ص: 27

---

1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج2، مسئله 2279. فرق فرض دوم و سوم: در فرض دوم، اجل دین رسیده است و بدهکار قصد دارد همین الان یعنی عند حلول الاجل، ذمه اش را فارغ سازد؛ اما در این زمان طلبکار غایب است و فعلاً بدهکار نمی‌تواند بدهی را به او بپردازد. در این فرض گفته شد که یا به حاکم بدهد یا صبر کند؛ اما در فرض سوم اصلاً از دسترسی به طلبکار مأیوس است. استادان فرض سوم را غالباً بلدند؛ اما فرض دوم فرضی است جدید که باید در آن دقت کنند.

2- این مطلب در رساله فارسی ایشان (ص488) این گونه است: «نیز اگر طلبکار او سید است، بنا بر احتیاط مستحب طلب او را به سید ندهد»؛ اما متن عربی با این متن متفاوت است: «كما أنّ الأحوط استحباباً عدم دفع الدين إلى الهاشمي ان لم يكن الدائن هاشمياً» (نک: سید موسی شبیری زنجانی، المسائل الشرعیه، ص516). متن رساله فارسی معقول نیست و ظاهراً اشتباهی در آن رخ داده است. متن بالا بر اساس رساله عربی ایشان است.

وصیت کند که اگر مُرد و طلبکار یا وارثش پیدا شد، طلب او را از مالش بپردازند. (آیت الله سیستانی)

احتیاط واجب آن است که مقدار طلب او را با اجازه حاکم شرع به فقیر بدهد؛ خواه آن فقیر غیرسید باشد یا سید. (آیت الله مکارم)

باید طلب او را از طرف صاحبش به فقیر بدهد و بنا بر احتیاط از حاکم شرع اجازه بگیرد. اگر طلبکار او سید نباشد، احتیاط مستحب آن است که طلب او را به سید فقیر ندهد. (آیت الله خویی)

چنانچه امید نداشته باشد که او یا وارث او را پیدا کند، باید طلب او را به فقیر بدهد و احتیاط واجب این است که با اجازه مجتهد جامع شرایط باشد و اگر طلبکار او سید نباشد، احتیاط واجب آن است که طلب او را به سید فقیر ندهد. (آیت الله فاضل)

اگر طلبکار ناپدید شد، بدهکار باید جست و جو کرده، مال او را نگهداری کند تا به او برساند و اگر هیچ گونه امیدی به یافتن طلبکار ندارد، باید مال را یا به حاکم شرع بدهد یا با اجازه او به قصد «آنچه در واقع وظیفه اوست»، به فقیر صدقه بدهد. اگر اتفاقاً طلبکار پیدا شد، مخیر است بین اینکه طلب خود را از بدهکار بگیرد یا به ثواب صدقه ای که از طرف او داده شده، راضی شود. (آیت الله بهجت)

باید با اجازه حاکم شرع، طلب او را به فقیر بدهد و اگر طلبکار او سید نباشد، احتیاط واجب آن است که طلب او را به سید فقیر ندهد. (آیات عظام گلپایگانی و صافی)

### **برائت ذمه بدهکار با پرداخت بدهی طلبکار به دیگری**

آیا در صورت دسترسی نداشتن به طلبکار، اگر به همان میزان از دین او را به کسی که به او بدهکار است بپردازیم، ذمه ما بری می شود؟ (1)

ص: 28

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 523997716؛ سیدموسی شیرازی زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 45957؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، معاملات، قرض، احکام قرض، احکام قرض گیرنده، برائت ذمه بدهکار با پرداخت بدهی طلبکار؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، س 367.

خیر، با این کار ذمه شما بری نمی شود. (امام خامنه ای)

خیر، مگر در فرض احراز رضایت طلبکار به این پرداخت. (آیت الله شبیری)

به کسی که قبلاً مستأجر شخصی بوده، بدهکارم و نمی توانم وی را پیدا کنم. صاحب خانه آن شخص ادعا می کند که مستأجر به وی بدهکار بوده است. آیا من از طرف مستأجر می توانم بدهی را پرداخت کنم تا بدهی من نیز به او پاک شود یا باید بدهی خود را از طرف وی صدقه بدهم یا بنا به احتیاط، هر دو را انجام دهم؟ اگر به قول آن صاحب خانه اطمینان داشته باشید، جایز است. در غیر این صورت، اگر از پیدا کردن او مأیوس باشید، باید آن پول را به شخص فقیری بدهید. (آیت الله مکارم)

حسن از علی طلب دارد و علی طلب او را نمی دهد و این در حالی است که علی خود از فرد دیگری طلبکار است، آیا می شود حسن به بدهکار علی مراجعه کند و بدهکار بدهی اش را به حسن بدهد و حسن به جای اینکه بدهی بدهکار را به علی برساند، از باب تقاص برای خود بردارد؟

پولی را که بدهکار علی می پردازد، وفای بدهکاری او محسوب نمی شود؛ چون از طرف علی یا ولی او مأذون نیست؛ لذا ذمه مدیون فارغ نمی شود. (آیت الله سیستانی)

### تکلیف ورثه در پرداخت بدهی های میت

ورثه میت در مقابل بدهی های او چه تکلیفی دارند؟<sup>(1)</sup>

بر ورثه بدهکار واجب است بدهکاری های میت را از ترکه میت به طلبکار یا ورثه طلبکار بپردازند و تا آن را نپردازند، حق تصرف در ترکه را

ص: 29

---

1- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 3، ص 422، س 101 و 113؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1766؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2246؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1945؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2288؛ محمدفاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1716؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2274؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، مسئله 1818.

ندارند. (حضرت امام و امام خامنه ای)

اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی های او نباشد، باید مالش را به همین مصرف ها برسانند و به وارث او چیزی نمی رسد. (آیات عظام سیستانی، مکارم، شبیری، فاضل، نوری و بهجت)

## ب. دین مؤجل

### اشاره

دین مؤجل دینی است که بدهکار برای پرداخت آن، تا زمان مشخصی مهلت دارد.

### نحوه تعیین سررسید در دین مؤجل

سررسید در دین مؤجل چگونه تعیین می شود؟(1)

مدت داربودن دین گاه با قراردادی است که طلبکار و بدهکار بین خود دارند، مانند مدت در معامله نسیه و گاهی با قرار شارع است، مانند اقساطی که حاکم شرع در پرداخت دیه معین می کند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

### مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن

آیا طلبکار قبل از فرارسیدن مدت تعیین شده برای پرداخت طلب، حق مطالبه آن را دارد؟ آیا بدهکار تا قبل از سررسید بدهی، وظیفه ای در پرداخت آن دارد؟(2)

ص: 30

- 1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص 627، مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 307، مسئله 983.
- 2- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2275؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص 627، مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 985؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م 2240 و 2241؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 487، مسئله 2283؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 394، مسئله 1711؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2269؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797.

طلبکار حق مطالبه بدهی مؤجل را قبل از فرارسیدن مدت تعیین شده ندارد و بر بدهکار هم واجب نیست قبل از سررسید دین، آن را بپردازد. (حضرت امام)

طلبکار حق مطالبه بدهی مؤجل را قبل از فرارسیدن مدت تعیین شده ندارد؛ مگر اینکه تعیین مدت فقط به نفع طلبکار باشد. در این صورت طلبکار می تواند طلبش را قبل از سررسید مقرر مطالبه کند و بر بدهکار هم پرداخت آن واجب است؛ ولی اکثر بدهکاری ها این گونه نیست و تعیین مدت در آن ها حقی است که به نفع بدهکار قرار داده شده است یا مشترک بین هر دو نفر است. بر بدهکار هم واجب نیست قبل از سررسید دین، آن را بپردازد. (آیت الله سیستانی)

در صورتی که قرض مدت دار باشد و بدهکار بخواهد قبل از رسیدن مدت، بدهی خود را بپردازد، طلبکار به قبول آن مجبور نیست؛ ولی اگر تعیین مدت فقط برای همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از وقت بدهی را بدهد، طلبکار باید قبول کند. (آیت الله مکارم)

اگر در صیغه قرض، برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، بنا بر احتیاط واجب، طلبکار قبل از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه کند؛ ولی بدهکار می تواند هر وقت خواست، قرض را بپردازد. (آیت الله بهجت)

اگر در ضمن عقدی لازم یا در ضمن خود عقد قرض، برای پرداخت آن زمانی مشخص شود، طلبکار قبل از آن زمان حق مطالبه ندارد. (آیات عظام وحید، تبریزی و خوبی)

اگر در قرارداد قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، طلبکار پیش از تمام شدن آن مدت حق مطالبه قرض را ندارد. (آیات عظام شبیری، فاضل و نوری)

دین مدت داری که هنوز سررسید آن نرسیده است، در مثل مضمن در

بیع سلم (پیش فروش) و ثمن در نسیه و اجرت در اجاره اگر مدت دار باشد، طلبکار حق مطالبه ندارد. ولی در قرض مدت دار احتیاط واجب در مطالبه نکردن قبل از سررسید است؛ مگر در صورتی که در ضمن عقدی خارج لازم، بر طلبکار شرط شده باشد که تا مدت معینی مطالبه نکند. در این صورت واجب است که به آن عمل کند. ولی اگر تخلف کرد و طلبش را خواست، بر بدهکار پرداخت آن واجب است. این حکم در هر دین حالی که مدت دار شدن آن در ضمن عقدی لازم شرط شود، جاری است. (آیت الله صافی)

### ادای دین مؤجل تبرعاً قبل از سررسید

اگر بدهکار تبرعاً دین مؤجل را پیش از زمان سررسیدش پرداخت کند، آیا بر طلبکار قبول آن واجب است؟ (1)

اگر (حضرت امام و آیت الله تبریزی: از قرائن معلوم شود که) تعیین مدت فقط برای همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از وقت بدهی را بدهد، طلبکار باید قبول کند؛ ولی اگر قرارداد مدت تنها به نفع طلبکار بوده یا به نفع هر دو بوده باشد، طلبکار می تواند تا سررسید مدت، از قبول آن خودداری کند. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام مکارم، سیستانی، وحید، تبریزی، خویی، فاضل و نوری)

اگر بدهکار قرض خود را قبل از رسیدن زمان آن بدهد، طلبکار باید قبول کند؛ مگر «تأخیر» شرط شده باشد که طلبکار می تواند قرض را قبول نکند. مثلاً طلبکار مایل نیست تا مدتی پول را در اختیار داشته

ص: 32

---

1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2274؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 2؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 546713714؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 311، مسئله 985؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1942؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 795؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 795؛ سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 487، مسئله 2282؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 394، مسئله 1710؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2268.

باشد؛ برای همین آن را به دیگری قرض بدهد و با وی شرط کند که تا زمان مشخصی، قرض را ادا نکند. در این صورت چنانچه بدهکار قبل از رسیدن این زمان قرض خود را بدهد، بر طلبکار لازم نیست آن را بپذیرد. (آیت الله شبیری)

نکته: آیت الله صافی در هدایه العباد در این مسئله با حضرت امام هم نظر است؛ ولی در رساله محشی، نظر ایشان این گونه آمده است: «اگر دین مدت نداشته باشد، هروقت بدهکار بدهی خود را بدهد، طلبکار باید قبول نماید و اگر مدت داشته باشد، پیش از مدت بنا بر احتیاط باید قبول کند.»

## بررسی صورت های حال شدن دیون مؤجل

### اشاره

برخی از اموری که موجب حال شدن دیون مؤجل می شود، با توجه به اختلاف نظر فقها، عبارت است از:

#### 1. مرگ بدهکار

### اشاره

آیا مرگ بدهکار باعث حال شدن بدهی مدت دار او می شود؟<sup>(1)</sup> در دین مدت دار اگر بدهکار بمیرد، مدت فرامی رسد و واجب است دین از اصل مال او خارج شود؛ بنابراین اگر مهر زن مدت دار باشد و شوهر قبل از سررسید مدت بمیرد، زن حق دارد بعد از مرگ او مهر را مطالبه کند. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی و خوبی)

ص: 33

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 714642450؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 6؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1953؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 989؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 199، مسئله 806 و 807؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 215، مسئله 806 و 807.

استفتایی از امام خامنه ای

(1)

در بحث حال شدن دیون مدت دار فرموده اید که با مرگ بدهکار، دیون مدت دار او حال می شود. با توجه به این حکم، لطفاً پاسخ دو پرسش زیر را بفرمایید:

الف. معمولاً قیمت نقد کالاها با قیمت نسیه آن متفاوت است؛ به خصوص در جایی که مدت طولانی تر باشد. با توجه به این نکته، اگر مدیون با وجود باقی بودن مدتی از بدهی، از دنیا برود، آیا ورثه می توانند از پرداخت اختلاف قیمت نقد و نسیه به طلبکار خودداری کنند؟

ب. اگر قرارداد اجاره به شرط قرض الحسنه که امروزه رایج است، به نحو صحیح انجام شود و قبل از اتمام مدت اجاره، صاحب خانه فوت شود، تکلیف ورثه در برابر این اجاره چیست؟

آیا باید فوراً مبلغ قرض الحسنه را به مستأجر برگردانند و ادامه اجاره با همان مبلغ کم اجاره ادامه یابد؟ یا اینکه چون اجاره به شرط قرض بوده، اکنون قرض به ورثه منتقل می شود و ورثه باید پس از اتمام مدت اجاره، مبلغ را به مستأجر بدهند؟ یا ورثه حق دارند مستأجر را به قبول انتقال قرض به ورثه ملزم کنند و در صورت خودداری، حق فسخ دارند؟ یا حکم دیگری دارد؟

ج 1. نمی توانند چنین کاری بکنند.

ج 2. در فرض سؤال، دین حال می شود؛ ولی اگر مستأجر دین را مطالبه کند، ورثه به جهت خیار تخلف شرط، می توانند اجاره را فسخ کنند. (امام خامنه ای)

ص: 34



آیا مرگ طلبکار باعث حال شدن طلب مدت دار او می شود؟(1)

اگر طلبکار بمیرد، مدتی که برای پرداخت بدهی به بدهکار داده شده است، بر حال خودش باقی است و ورثه طلبکار حق ندارند قبل از پایان مدت، دین را مطالبه کنند؛ لذا اگر مهریه زن، مدت دار باشد و زن بمیرد، ورثه او قبل از انقضای آن مدت، حق مطالبه ندارند. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی، خویی، نوری و شبیری)

### 3. طلاق دادن زنی که مهریه اش مدت دار است

در صورتی که مهریه زن مدت دار باشد، آیا طلاق دادن او باعث حال شدن مهریه می شود؟(2)

اگر مهریه زن مدت دار باشد و قبل از آن مدت زن طلاق داده شود، مهریه اش حال نمی شود. (طلاق دادن زن به فوت شوهر ملحق نمی شود.) (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام صافی، تبریزی، نوری و شبیری)

طلاق دادن زن به فوت شوهر ملحق است (و موجب حال شدن دین می شود.) این در صورتی است که مدت دار بودن پرداخت مهریه و جواز

ص: 35

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 714642450؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 27389؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 6؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 989؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 199، مسئله 806 و 807؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 215، مسئله 806 و 807؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 37728؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9510290072.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 6؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 714642450؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 989؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 199، مسئله 806 و 807؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 215، مسئله 806 و 807؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 27389؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9511020090؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 37728.

تأخیر در پرداخت آن، به زمانی انصراف داشته باشد که زوجیت باقی است؛ همچنان که غالباً این چنین است. (آیت الله سیستانی)

مهریه در فرض مذکور حال نمی شود؛ مگر اینکه تقسیط به ادامه زوجیت مشروط بوده باشد. (آیت الله مکارم)

طلاق دادن زن به فوت شوهر ملحق است (و موجب حال شدن دین می شود)؛ زیرا مدت دار بودن پرداخت مهریه و جواز تأخیر در پرداخت آن، به زمانی منصرف است که زوجیت باقی است. (آیات عظام وحید و خویی)

#### 4. محجوریت

آیا محجور شدن بدهکار باعث حال شدن بدهی های مدت دار او می شود؟<sup>(1)</sup>

محجوریت به سبب مفلس شدن باعث حال شدن دیون نمی شود؛ لذا اگر فرد محجور بدهی های حال و بدهی های مدت دار داشته باشد، مال او بین طلبکارهای دین های حال تقسیم می شود و طلبکارهای دین های مدت دار، شریک آن ها نیستند. (حضرت امام و آیات عظام وحید، صافی، تبریزی و خویی) محجور شدن بدهکار باعث حال شدن بدهی های مدت دار او نمی شود. (امام خامنه ای و آیت الله شبیری)

بدهی های محجور (ورشکسته) حال می شود. (آیت الله مکارم)

#### 5. ارتداد

آیا ارتداد ملی یا فطری بدهکار باعث حال شدن دیون مؤجلش

ص: 36

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 6؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 714642450؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 199، مسئله 806 و 807؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 215، مسئله 806 و 807؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 37728؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9510290072.

می شود؟(1)

اگر مرتد ملی است، حال می شود؛ به دلیل اینکه این نوع ارتداد در حکم مرگ است. (امام خامنه ای)

بدهی مرتد فطری حال می شود و بدهی مرتد ملی، وقتی او محکوم به حکم ارتداد شد، حال می شود. (آیت الله مکارم)

### جلوانداختن مدت بدهی یا افزایش مدت آن

#### جلوانداختن بدهی مدت دار در مقابل کاهش مبلغ آن

جلوانداختن پرداخت دینی که هنوز زمان پرداخت آن نرسیده، در مقابل کاهش مبلغ آن چه حکمی دارد؟ (تعجیل الدین المؤجل بنقصان)(2)

جلوانداختن دین مدت دار و پرداخت آن قبل از سررسید در برابر کم کردن از مبلغ آن، با رضایت طرفین جایز است. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی، خوبی، فاضل، شبیری و نوری)

#### مدت دارکردن دین یا افزایش دادن مدت آن با افزایش بدهی

مدت دارکردن دین حال یا افزایش مدت دین مدت دار در مقابل افزایش مبلغ بدهی چه حکمی دارد؟ (نوکردن چک، تأجیل الدین الحال

ص: 37

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 714642450؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9606250067.

2- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2109؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 8؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 523997716؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 313، مسئله 992؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، جلوانداختن یا تأخیر در پرداخت دین در مقابل عوض؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 794؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 794.

این کار جایز نیست. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی، خویی، نوری، بهجت و شبیری)

## بررسی راهکار مدت دارکردن دین حال در مقابل افزودن بر بدهی

### 1. فسخ معامله قبلی و انجام معامله نسبه جدید

آیا برای مدت دارکردن دین حال یا افزایش مدت دین دار در مقابل افزایش مبلغ بدهی می توان معامله قبلی را فسخ کرد و زیاده مد نظر را در ضمن معامله نسبه جدیدی لحاظ کرد؟(2)

مجرد تأخیر در پرداخت بدهی موجب ثبوت خیار فسخ برای طلبکار نمی شود؛ لکن چنانچه در ضمن معامله، خیار فسخ شرط شده باشد یا طرفین با تراضی هم، معامله را اقاله کنند، در صورتی که کالای فروخته شده هنوز موجود باشد، می توانند با توافق هم معامله جدیدی منعقد کنند. (امام خامنه ای و آیت الله مکارم) اگر صوری نباشد و قصد جدی در آن باشد، مانعی ندارد. (آیت الله نوری)

جایز نیست. (آیت الله شبیری)

ص: 38

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 8؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1776؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 313، مسئله 992؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، جلوانداختن یا تأخیر در پرداخت دین در مقابل عوض؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 794؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 794؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 197، س 4017؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 29876؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 45957.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 937709279؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، تبدیل معامله نقدی به معامله نسبه؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 29876؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 45957.

## 2. گرفتن زیادی مدنظر در ضمن عقد جدید

آیا می توان مدت داربودن دین حال یا افزایش مدت دین مدت دار را بدون افزایش مبلغ بدهی، در ضمن عقدی لازم یا جایز شرط کرد؛ به این نحو که زیادی مدنظر طرفین را ثمن مبیعی قرار دهند که بیعش بین طلبکار و بدهکار انجام شود و بر طلبکار شرط کنند تا مدت معینی که مدنظر طرفین است، طلبش را درخواست نکند؟<sup>(1)</sup>

مثال: طلبکاری به سبب تأخیر ادای دینش می خواهد 100 هزار تومان از بدهکارش اضافه بگیرد. طلبکار جنسی 100 هزار تومانی را 200 هزار تومان به بدهکار بفروشد و در این بیع بر طلبکار شرط شود دین را تا مدت جدیدی که مدنظر طرفین است، از بدهکار طلب نکند.

فرض دیگر در همین مسئله که قرار است طلبکار به سبب تأخیر ادای دینش، 100 هزار تومان از بدهکارش اضافه بگیرد، این است که بدهکار جنسی 200 هزار تومانی را به 100 هزار تومان به طلبکار بفروشد و در این بیع، بر طلبکار شرط کند دین را تا مدت جدیدی که مدنظر طرفین است، از بدهکار طلب نکند.

در فرض سؤال، ایرادی ندارد. (حضرت امام)

گرفتن زیادی در مقابل اضافه کردن مدت جایز نیست؛ اگرچه این زیادی در ضمن معامله دیگری گرفته شود. (امام خامنه ای)

فرض سؤال، حیلۀ ربا و حرام است. (آیت الله شبیری)

بنا بر احتیاط واجب، هیچ یک از دو حالت جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

ص: 39

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 523997716؛ سیدابوالحسن اصفهانی، وسیله النجاه (مع حواشی الإمام الخمينی)، ص 467، القول فی احکام الدین، مسئله 8؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 8؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 313، مسئله 992؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 794؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 794؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج 2، ص 624؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9511020091؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 37729.

اگر هدف از این نوع معامله جبران تأخیر ادای دین باشد، اشکال دارد. (آیت الله مکارم)

دین حال مدت دار نمی شود؛ مگر با شرط کردن آن در ضمن عقدی لازم. (آیات عظام وحید، تبریزی، خویی و بهجت)

### 3. تأخیر انداختن دوستانه مدت بدهی

آیا تأخیر انداختن دوستانه مدت بدهی، بدون شرط و الزام، در قبال پرداخت نقدی مقداری از بدهی یا قرض دادن مبلغی به طلبکار جایز است؟ (1)

صورت اول که پرداخت مقداری از بدهی است، مانعی ندارد؛ ولی صورت دوم که به طلبکار قرض داده می شود، قرض به شرط قرض می شود که ربا و حرام است. (امام خامنه ای)

اگر مهلت دادن در ادای قرض، مشروط به پرداخت پول اضافی (هرچند حکماً) نباشد و ایشان با رضایت خاطر این مبلغ را بپردازد، مانعی ندارد. (آیت الله شبیری)

### 4. مدت دار کردن بدون افزایش مبلغ با شرط کردن مدت در ضمن عقد

آیا می توان مدت دار بودن دین حال یا افزایش مدت دین دار را بدون افزایش مبلغ بدهی، در ضمن عقدی لازم یا جایز شرط کرد؟ (2)

دین حال مدت دار نمی شود؛ مگر اینکه مدت دار بودن آن را در ضمن عقدی لازم یا جایز شرط کرده باشند. مثلاً اگر بدهکار از طلبکار کالایی را به قیمت

ص: 40

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 306738711؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 46425.

2- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 311، مسئله 984.

بازاری اش (1) بخرد و در ضمن آن، تأخیر در پرداخت بدهی حال خویش را برای مدت سه ماه شرط کند، طلبکار حق مطالبه آن را قبل از مدت مذکور ندارد؛ مگر اینکه معامله خرید کالا فسخ شود. (آیت الله سیستانی)

### تعیین بدهی در آنچه بدهکار معین می کند

آیا بدهکار می تواند بدهی را در چیز خاصی معین کند؟ (2) بدهی در آنچه بدهکار آن را تعیین می کند، مشخص نمی شود و فقط با قبض آن توسط طلبکار (آیت الله سیستانی: یا کسی که در جایگاه اوست) متعین می شود (آیت الله صافی: مگر در صورتی که به دلیل خودداری طلبکار از دریافت دین، به قبض او نیازی نباشد). (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خویی)

### تلف شدن بدهی تعیین شده قبل از قبض طلبکار

اگر بدهکار بدهی را در چیز مشخصی تعیین کرد و این مال، قبل از قبض طلبکار تلف شد، مال چه کسی تلف شده است؟ (3)

تلف از مال مدیون است و آنچه در ذمه اش بوده، به حال خودش باقی می ماند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی، خویی و صافی)

ص: 41

1- قید «به قیمت بازاری اش» در نسخه word توضیح المسائل جامع (ج 2، مسئله 1074) آمده است که قیدی لازم و دقیق است؛ زیرا بر اساس مسئله 992 منهاج الصالحین، آیت الله العظمی سیستانی استفاده از این روش را برای گرفتن زیادی، بنا بر احتیاط واجب، جایز نمی داند؛ لذا با آمدن قید قیمت بازاری، توهّم ربا دفع می شود و فایده تأجیل در این مسئله، ناممکن بودن مطالبه دین توسط طلبکار در مدت معین شده است.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدّین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 5؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 988؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 199، مسئله 805؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 214، مسئله 805.

3- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدّین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 5؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 988؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 199، مسئله 805؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 214، مسئله 805.

## تقسیم طلب چند طلبکار از چند بدهکار (تقسیم دین)

تقسیم دین به چه معناست و حکم آن چیست؟ (1)

تقسیم دین در جایی تصور می شود که برای دو نفر (2) طلب مشترک بر ذمه چند نفر باشد؛ مثل اینکه آن دو در مالی به طور مشاع شریک باشند و آن را به چند نفر نسبه بفروشند یا از مورثشان مطالباتی را به ارث ببرند که بر ذمه افراد مختلف است، سپس این مطالبات را بعد از سهم بندی، بین خودشان تقسیم کنند و آنچه در ذمه بعضی از بدهکاران است، مثل چک هایی که سررسید آن فرارسیده، برای یکی از آن دو و آنچه در ذمه بقیه است، مثل چک هایی که سررسیدش فرارسیده است، برای دیگری قرار دهند.

تقسیم کردن دین مشروع نیست و دین بر اشاعه و اشتراک قبلی بین هر دو شریک باقی می ماند؛ بنابراین هر طلبی که وصول می شود، مال هر دو نفر است و هر آنچه وصول نشده هم مال هر دو نفر است. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی، خوبی و صافی) اگر همه بدهکاران و طلبکاران به این نوع تقسیم رضایت بدهند، مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

### طلب دو طلبکار از یک بدهکار و استیفای یکی از آن دو، به صورت مجزا

اگر دو یا چند طلبکار، از یک نفر طلب مشترکی داشته باشند، آیا جایز است یکی از آن ها سهم خودش از طلب را وصول کند؟ برای مثال، هرکدام از طلبکار و بدهکار قصد کند آنچه طلبکار می گیرد، ادای سهم او از طلب

ص: 42

- 
- 1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 9؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 917867723؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 314، مسئله 993؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 200، مسئله 809؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 215، مسئله 809؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9607060086.
  - 2- در این بحث «دو نفر» موضوعیتی ندارد و از باب مثال است.



مشترک باشد و مبلغ دریافتی مال او باشد و باقی مانده طلب، مال شریکش باشد. (1)

این نحو از استیفای دین جایز است و این از باب تقسیم دین نیست. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام وحید، تبریزی و خوبی)

بنا بر احتیاط واجب، این کار جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

در صورت رضایت همه شرکا مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

این نوع استیفای دین اشکال دارد. بله، جایز است مدیون با یکی از دو طلبکارش که دین مشترکی بر ذمه او دارند، صلح کند؛ به این صورت که بنا بر مصالحه، مالی به او بدهد و در مقابل هم طلبکار به نسبت حصه ای که از او طلب دارد، ذمه اش را بری سازد. چنین تصالیحی اشکال ندارد. (آیت الله صافی)

## پرداخت دین و دریافت آن

### ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع

#### الف. جواز این کار با رضایت یا منع بدهکار

آیا پرداخت بدهی دیگری تبرعاً و بدون توقع جایز است و با این کار، آیا ذمه بدهکار بری می شود؟ (2) ادای دین دیگری تبرعاً و بدون توقع جایز است؛ چه بدهکار زنده باشد

ص: 43

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص 631، مسئله 9؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 917867723؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 314، مسئله 993؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 200، مسئله 809؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 215، مسئله 809؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9607060086.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص 629، مسئله 4؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 987؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9510290100 و 9510290101.

یا مرده، و ذمه او با آن بری می شود. فرقی نمی کند که بدهکار اجازه داده باشد یا اجازه نداده باشد. حتی در صورتی که بدهکار ناراضی باشد یا از این کار منع کرده باشد، باز هم این کار جایز است و ذمه بدهکار را بری می کند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی و خوبی)

## **ب. لزوم قبول کردن طلبکار**

در صورتی که فردی غیر از بدهکار، بدهی را پرداخت کند، آیا طلبکار موظف است آن را بپذیرد؟(1)

قبول آن بر طلبکار واجب است. (حضرت امام و آیت الله صافی)

قبول آن بر طلبکار واجب نیست. (آیت الله سیستانی)

## **مطالبه عوض توسط کسی که تبرعاً بدهی را پرداخته است**

مطالبه عوض توسط کسی که تبرعاً بدهی را پرداخته است

(2)

آیا کسی که بدون تقاضای بدهکار، بدهی او را پرداخته است، حق مطالبه عوض آن را دارد؟

کسی که بدون تقاضای بدهکار، بدهی او را پرداخته است، حق مطالبه عوض آن را ندارد و بر بدهکار هم پرداخت عوض آنچه آن شخص پرداخته است، واجب نیست. (امام خامنه ای و آیت الله سیستانی)

اگر شخص ثالثی بدهی فرد دیگری را به قصد کار خیر ادا کند بدون اینکه از او طلب داشته باشد، نمی تواند از او مطالبه کند. (آیت الله مکارم)

ص: 44

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، ص 629، مسئله 4؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 312، مسئله 987.

2- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1771؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از سایت، کد استفتا: 399655؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9407180038.

## پرداخت بدهی تحت عنوان هدیه و...

پرداخت بدهی تحت عنوان هدیه و... (1)

اگر به علتی مثل خجالت کشیدن و... شخص نتواند بدهی را تحت عنوان بدهکاری به طلبکار بپردازد، آیا پرداخت آن به بهانه هایی مثل هدیه دادن یا پرداخت آن با در اختیار او قراردادن و... صحیح است؟

اگر با قصد ادای بدهی، مبلغ را به او برساند، صحیح است. (امام خامنه ای و آیت الله بهجت)

اگر به عنوان هدیه بدهد، اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم)

باید بدون اینکه دروغی بگوید، مال را به طلبکار برساند. (آیت الله وحید)

مانعی ندارد. (آیت الله وحید)

بدهی در آنچه طلبکار قبض می کند، معین می شود؛ هرچند نداند که آنچه گرفته، به عنوان ادای دینش بوده است. (آیت الله تبریزی)

نکته:

1. مسلماً راه احتیاطی در این زمینه این است که به نحوی عمل کند که طلبکار متوجه شود این مبلغ بابت طلب اوست؛ مثلاً به صورت کلی به او بگوید که به تو مدیونم، ولی جزئیات خاص بدهی را نگویند، یا مطلب را در برگه ای بنویسد و توسط فرد مطمئنی به طلبکار برساند و... .

2. در موضوع بحث اگر به عنوان هدیه و... بدهی را بپردازد، حق دروغ گفتن ندارد. مثلاً اینکه بگوید این هدیه است، صحیح نیست؛ ولی می تواند کار را به نحوی انجام دهد که فرد تصور کند هدیه است.

3. بدهکار باید به نحوی بدهی را به طلبکار برساند که طلبکار آن را جزو ملک خود محسوب کند؛ لذا برخی از امور که این گونه نیست،

ص: 45

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 278709802؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9407180033؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 361، مسئله 4476؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 805؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48911.

کافی نخواهد بود؛ مثل جایی که مبلغ بدون هیچ قرینه ای به حساب طلبکار واریز شود یا در منزل او گذاشته شود؛ چراکه ممکن است طلبکار آن را مجهول المالک تلقی کند.

4. در این مواقع، بدهکار باید قصد ادای دین داشته باشد.

## احکام تراحم بین بدهکاری ها؛ تعدد بدهی و ناتوانی از ادای همه

### الف. تراحم دیون فرد زنده

کسی که زنده است و خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آن ها را بدهد، چه تکلیفی دارد؟

1. اگر عین مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است، از بین نرفته باشد(1)

باید خمس و زکات آن را بپردازد. (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، شبیری، وحید، فاضل، خویی، تبریزی، نوری و صافی)

2. اگر عین مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است، از بین رفته باشد(2)

در چگونگی اداکردن اختیار دارد: می تواند خمس یا زکات را بدهد یا کفاره، نذر، قرض و مانند این ها را ادا کند. (آیات عظام شبیری و فاضل: ولی بهتر است بین آن ها تقسیم کند.) (حضرت امام و آیات عظام شبیری، فاضل، خویی، تبریزی و نوری)

پرداخت زکات و خمس و قرض، بر پرداخت کفاره و نذر مقدم است.

ص: 46

---

1- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 1988 و ذیل آن.

2- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 1988 و ذیل آن.

احتیاط این است که حق مردم را مقدم کند. (آیت الله مکارم)

بنا بر احتیاط واجب، مال را بر قرض و خمس و زکات به نسبت تقسیم کند و ادای این ها را بر ادای کفاره و نذر مقدم کند. (آیت الله وحید)

احتیاط لازم این است که اگر نذر دارد، نذر را مقدم کند و اگر نذر ندارد، می تواند خمس یا زکات را بدهد یا کفاره و قرض و مانند این ها را ادا کند. احوط توزیع مال بر این دیون است. (آیت الله صافی)

استفتا از حضرت امام و آیت الله فاضل (رحمه الله علیهما): [\(1\)](#) سؤال: اگر شخصی مثلاً پنج هزار تومان بابت سهم مبارک امام (علیه السلام) مقروض باشد و همین مقدار هم به جای دیگر، ولی قدرت ادای یکی از این ها را داشته باشد، کدام مقدم است؟ جواب: هر دو دین است. اگر یکی رجحان داشته باشد، آن را ترجیح دهد؛ و الا مخیر است. چنانچه می تواند، در فرض مسئله به حاکم شرع مراجعه کند و اجازه بگیرد و دین غیرسهم را بردارد. (حضرت امام و آیت الله فاضل)

## ب. تراحم دیون میت

ب. تراحم دیون میت [\(2\)](#)

کسی فوت کرده و خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و حج و مانند آن نیز بر او واجب است و قرض هم دارد. چنانچه ترکه او برای ادای تمامی آن ها کفایت نکند، تکلیفش چیست؟

چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات آن را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است، قسمت کنند. اگر مالی که خمس و زکات آن واجب

ص: 47

---

1- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 283، س 8 و ص 287، س 19؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 308، سؤال 1194.

2- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 1988 و 1989 و ذیل این دو مسئله.

شده از بین رفته باشد، باید مال او را بر خمس و زکات و قرض و نذر و مانند این ها قسمت کنند. مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند. (حضرت امام و آیت الله نوری)

چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را صرف ادای قرضش کنند. اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده، از بین رفته باشد، باید مال او را صرف ادای قرضش کنند. در صورتی که چیزی باقی باشد، صرف حج کنند و اگر چیزی زیاد آمد، بر خمس و زکات قسمت کنند. (آیت الله سیستانی)

هرگاه کسی بدهکار خمس یا زکات است و قرض هم دارد و كفاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب شده است، چنانچه نتواند همه آن ها را بپردازد، اگر عین مالی که خمس یا زکات بر آن واجب شده از بین نرفته است، باید خمس و زکات را مقدم کند و اگر از بین رفته، احتیاط این است که حق مردم را مقدم کند. اگر چنین کسی از دنیا برود و مال او برای همه این ها کافی نباشد، به همین ترتیب عمل کنند. (آیت الله مکارم)

چنانچه مالی که خمس و زکات به آن تعلق گرفته از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را بر حج و قرض قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، در صورتی که «صروره» باشد یعنی اولین مرتبه رفتن او به حج باشد و در راه حج قبل از احرام مرده باشد، باید مال او را صرف حج کنند و اگر چیزی باقی ماند، بر خمس و زکات و قرض به نسبت قسمت کنند. در غیر این صورت، حج بر خمس و زکات مقدم است؛ ولی تقدّم آن بر قرض محل اشکال است. (آیت الله وحید)

کسی که هم زکات یا خمس یا واجبات مالی دیگری که به عین

مال تعلق می گیرد و هم کفاره یا قرض و مانند آن که به عین مال تعلق نمی گیرد، بدهکار است، اگر بمیرد و اموالش برای ادای همه آن ها کافی نباشد، ادای زکات و خمس و واجبات مالی که به عین مال تعلق می گیرد، مقدم است. کسی که حج و زکات بر عهده دارد، اگر بمیرد و مالش برای هر دو کافی نباشد، چنانچه مالی که متعلق زکات است باقی باشد، ادای زکات مقدم است؛ وگرنه مالش بین حج و زکات تقسیم می شود. این در صورتی است که سهم حج برای کمترین مراتب حج کافی باشد و اگر کافی نباشد، احتمال دارد بین ادای زکات و انجام حج مخیر باشند؛ اگرچه احتیاط واجب در انجام دادن حج است؛ به خصوص اگر با انجام حج، مقداری مال برای زکات باقی بماند. (آیت الله بهجت)

چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را بر چیزهای دیگری قسمت کنند که بر او واجب است؛ اما اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مال او را بر خمس و زکات و قرض و نذر و کفاره و مانند این ها قسمت کنند. مثلاً اگر چهار میلیون تومان خمس بر او واجب است و دو میلیون تومان هم به کسی بدهکار است و همه مال او سه میلیون تومان است، باید دو میلیون تومان بابت خمس و یک میلیون تومان به دین او بدهند. (آیت الله شبیری)

چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را بر قرض های او قسمت کنند؛ اما اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مال او را بر خمس و زکات و قرض به نسبت تقسیم کنند. مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان بابت دین او بدهند. (آیت الله فاضل)

اگر تقسیم ممکن باشد، تقسیم مقدم است؛ و الا باید حق الناس را مقدم کنند. (آیت الله مکارم) (1)

### ج. اولویت راهن به مال رهنی از سایر طلبکاران

در صورت مفلس شدن یا مردن راهن، آیا مرتهن بر بقیه طلبکاران به مال رهنی اولویت دارد؟ (2)

اگر رهن دهنده (راهن) مفلس شود (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی: یا بمیرد) و بدهی هایی داشته باشد، رهن گیرنده (مرتهن) از بقیه طلبکارها در برداشت حقس از رهن سزاوارتر است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی و صافی)

نکته: در این مسئله سه حالت متصور است:

1. مال رهنی هم قیمت طلب رهن گیرنده باشد: در این حالت، تمام مال فقط از آن رهن گیرنده می شود.

2. قیمت مال رهنی از طلب رهن گیرنده کمتر باشد: در این فرض، تمام مال رهنی از آن رهن گیرنده می شود و او در باقی مانده طلب با بقیه طلبکاران، در اموال دیگر رهن دهنده شریک می شود. 3. مال رهنی از طلب رهن گیرنده گران تر است: باید مقدار اضافه را به سایر طلبکاران تحویل دهد. (این مطلب در گفتار فقها به صورت پراکنده آمده است؛ ولی از بحث ما که اصل اولویت راهن بود، خارج است.)

ص: 50

---

1- بین مسئله 1691 رساله آیت الله العظمی مکارم و بین سؤال 861 کتاب استفتائات جدید ایشان (ج 2، ص 293) تعارض وجود دارد. در این زمینه از دفتر ایشان استفتا کردیم. دفتر ایشان با کد رهگیری 9607120113، چنین پاسخ دادند: «اگر تقسیم ممکن باشد، تقسیم مقدم است؛ و الا باید حق الناس را مقدم بدانند.»

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الرهن، مسئله 27؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 204، مسئله 829؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 331، مسئله 1059.



### تعریف ابراء

در اصطلاح علم فقه، «ابراء» عملی انشایی است که موجب سقوط دین و حقی می شود که شخص بر عهده دیگری دارد. به عبارت دقیق تر، ابراء اسقاط چیزی است که در ذمه است. ابراء قبول لازم ندارد. (1)

### بررسی قیدهای مطرح شده در صحت ابراء

#### 1. رضایت بدهکار

1. رضایت بدهکار (2)

اگر شخص بخواهد از طلب یا حق خود بگذرد، رضایت طرف مقابل لازم نیست. (حضرت امام و آیت الله مکارم)

#### 2. لزوم انشای ابراء

2. لزوم انشای ابراء (3)

آیا ابراء و صلح با امضای ذیل ابراءنامه و صلح نامه بدون انشای لفظی محقق می شود؟

مجرد امضا کفایت نمی کند. (حضرت امام)

آیا ابراء به انشا نیاز دارد یا به صرف نیت قلبی محقق می شود؟ در صورت لزوم انشا، آیا انشا صرفاً با بیان کردن است یا با نوشتن، اشاره، پیامک دادن و... نیز محقق می شود؟

به ابراز هم نیاز دارد. (امام خامنه ای)

ص: 51

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الهبه، مسئله 2؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 381، س 4523؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 407، مسئله 1313.

2- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 288، س 24؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری 9611120036.

3- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 182، س 2؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 489801219؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد استفتا: 425010؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری 9409220159.

اگر کسی فقط در دل، دیگری را ابراء کند، احتیاط این است که آن حق را طلب نکند؛ ولی اگر آن را به زبان آورد، نمی تواند آن را طلب کند. (آیت الله مکارم)

پرسش: اگر از کسی پولی را طلبکار باشیم و در دل خود او را بری‌الذمه کنیم اما بر زبان چیزی جاری نکنیم، بعداً می توانیم طلب خود را از او بگیریم؟ پاسخ: می توانید. (آیت الله سیستانی)

### 3. حاضر بودن مستمع

#### 3. حاضر بودن مستمع (1)

حاضر بودن مستمع شرط نیست. (امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی و مکارم)

### 4. زنده بودن بدهکار

#### 4. زنده بودن بدهکار (2)

زنده بودن بدهکار شرط نیست. (امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی و مکارم)

### 5. دین بودن بدهی

#### 5. دین بودن بدهی (3)

آیا ابراء فقط در دیون صحیح است یا اگر عینی هم بر عهده دیگری داشته باشیم، می توانیم ابراء کنیم؟

موارد مختلف است. (امام خامنه ای)

ص: 52

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 489801219؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری 9409220159؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد استفتا: 425010.

2- ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری 9409220159؛ سیدعلی سیستانی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد استفتا: 425010؛ سیدعلی خامنه ای، استفتا از سایت، شماره استفتا: 609317، کد رهگیری 44cefb730329a7e95481bd1d969ee1d.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 489801219؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 98، مسئله 318؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری 9611120036.

شرط است؛ ولی اگر عین باشد، بخشیدن آن جز به هبه و تملیک آن به دیگری صحیح نیست و در این صورت، به قبول و قبض نیاز دارد.  
(آیت الله سیستانی)

در فرض سؤال، ابراء مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

## 6. قبض یا قبول بدهکار

### 6. قبض یا قبول بدهکار (1)

در صحت ابراء، قبول کردن یا قبض کردن بدهکار شرط نیست. (امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی و مکارم)

در ابراء، قبول شرط نیست. (آیت الله صافی)

## 7. انصراف از ابراء

### 7. انصراف از ابراء (2)

اثری ندارد؛ چون لازم است. (حضرت امام و آیت الله مکارم)

## 8. تعبیر ابراء با لفظ بخشش

8. تعبیر ابراء با لفظ بخشش (3) در عرف فارسی زبان ها کلمه ابراء یا لفظ «بری کردم» یا «ساقط کردم» کمتر به کار می رود و در جایی که فرد قصد ابراء دارد، معمولاً می گوید: «طلبم را بخشیدم.» ظاهر این لفظ، هبه دین است؛ ولی قصد فرد ابراء است. در این صورت آیا ابراء محقق می شود یا هبه؟

[این لفظ برای ابراء] کفایت می کند. (امام خامنه ای)

ص: 53

---

1- لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الهبه، مسئله 2؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 489801219؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 98، مسئله 318؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از طریق سایت، کد رهگیری 9611120036.

2- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 288، س 22 و 23؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 2، ص 298، سؤال 871.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 489801219.

هبة، چه هبة عین باشد و چه هبة دین (مافی الذمه)، تملیک آن عین یا دین است. در مواردی که فقیه قبول کند عقدی ماهیت هبه را دارد، قبول از طرف شخصی که به او هبه شده، شرط است. در هبة مافی الذمه گاهی به «من هو علیه الدین» هبه می شود و گاهی به «غیر من هو علیه الدین». مثلاً اگر زید از عمر و 100 تومان طلب دارد، گاهی این دین را به خود عمر و که «من هو علیه الدین» است، هبه می کند و گاهی به بکر که «غیر من هو علیه الدین» است. در صحت هبة دین به «من هو علیه الدین» بحثی نیست؛ اما بعضی از فقها در هبة دین به «غیر من هو علیه الدین» اشکال کرده اند. (1)

### ماهیت و تفاوت هبة دین و ابراء ذمه مدیون

ماهیت و تفاوت هبة دین و ابراء ذمه مدیون (2) و (3)

در چیزی که بخشیده می شود، شرط است که عین باشد؛ پس هبة منافع صحیح نیست. اما دین چنانچه به مدیون هبه شود، بدون اشکال

ص: 54

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، کتاب الهبه، مسئله 2؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، س 4523؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، کتاب الهبه، ابتدای بحث و مسئله 1313؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، کتاب الهبه، ابتدای بحث و مسئله 970؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، کتاب الهبه، ابتدای بحث و مسئله 970.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الهبه، مسئله 2؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 381، سؤال 4523؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 407، مسئله 1313؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 234، مسئله 970؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 970.

3- برای شناخت دقیق تر ماهیت ابراء و فرق آن با هبة مافی الذمه در نظر فقهای که به فرق بین این دو قائل اند، به این متن از جواهر در کتاب الهبه و در بحث «هبة مافی الذمه الی من هو علیه» (کتاب الهبه) دقت کنید: هذا كله في هبة الدين لغير من هو عليه وإن كانت له صح بلا خلاف أجده فيه، بل في بعض كتب مشايخنا ظاهرهم الاتفاق عليه ولعله لصحيح معاوية ابن عمار عن أبي عبد الله (عليه السلام) : «سألته عن الرجل يكون له على الرجل درهم فيهبها له، أله أن يرجع فيها؟ قال: لا... من هنا قال المصنف «صرفت إلى الأبراء» على معنى اتحادها معه في المفاد لا أن المراد بلفظ الهبة الأبراء، فإن ذلك خارج عن المقام الذي هو هبه ما في الذمه. و من المعلوم أنها من أسباب التمليك كالبيع ونحوه لا الإسقاط ولكنها تفيد مفاد الأبراء بالطريق الذي عرفت و من هنا كان المتجه اعتبار القبول فيها (و) إن قلنا إنه «لا- يشترط في الأبراء القبول على الأصح» وفاقاً للأكثر بل المشهور، و خلافاً للمحكي عن الغنية و السرائر بل و المبسوط و إن كنا لم نتحققه، بل المحكي عنه التصريح بكون الأقوى عدم الاشتراط، و إن كان الاشتراط قويا أيضاً كالراوندي في فقه القرآن.

صحیح است. بنا بر اقوا، در هبه دین قبول کردن معتبر است و فایده ابراء را می دهد؛ ولی ابراء نیست، زیرا هبه تملیکی است که به قبول احتیاج دارد و سقوط دینی که هبه شده، مترتب بر آن است؛ ولی ابراء اسقاط چیزی است که در ذمه است و هبه به غیر مدیون نیز بنا بر اقوا صحیح است و قبض مافی الذمه که بخشیده شده، به قبض مصداق آن است. (حضرت امام)

هبه دین به غیر مدیون صحیح است و قبض آن به قبض مصداقش است و هبه دین به مدیون به قصد اسقاط دین، ابراء است (آیت الله سیستانی: و به قبول کردن نیازی ندارد.) (آیات عظام سیستانی، وحید، خوبی و تبریزی)

به خلاف ابراء، در هبه قبول کردن لازم است. هبه دین تملیک است که نتیجه آن ابراء است و ابراء اسقاط ذمه است. (آیت الله بهجت) اگر دین به مدیون هبه شود، بدون اشکال صحیح است و فایده ابراء را می دهد؛ ولی قبول در هبه دین، بنا بر احوط اگر اقوا نباشد، معتبر است؛ اگرچه در ابراء قبول کردن شرط نیست. فرق هبه دین با ابراء در این است که هبه تملیک است و سقوط دین هبه شده بر آن مترتب است؛ ولی ابراء اسقاط چیزی است که در ذمه است. هبه دین به غیر مدیون بنا بر احتیاط واجب هبه نیست. (آیت الله صافی)

### فایده بحث

فایده این بحث که هبه مافی الذمه همان ابراء باشد یا ماهیتش واقعاً هبه باشد، چیست؟ آیا تأثیری عملی هم دارد یا فقط بحثی نظری است؟

این بحث فایده ای مهم دارد و آن اینکه اگر فقیهی قائل شود هبه مافی الذمه همان عقد هبه است، علی القاعده باید در چنین عقدی قبول از طرف مقابل محقق شود و تا قبول صورت نپذیرد، این عقد صورت نپذیرفته است؛ اما اگر فقیهی قائل شد که این هبه، در حقیقت همان

ابراء است، نیازمند قبول از طرف مقابل نخواهد بود. این نکته بس مهم است. (1)

## دریافت بدهی از ذمی از پول فروش محرّمات

اگر بدهکار ذمی باشد و از فروش محرّمات درآمدی کسب کند، آیا طلبکار مسلمان او اجازه دارد این پول را بابت طلب خویش از او بگیرد؟ (2) و (3)

بله، جایز است. اگر ذمی بعد از فروش محرّمات، مسلمان شود، استحقاق دریافت ثمن را از دست نمی دهد. (آیات عظام مکارم، وحید، تبریزی و خویی)

غیر از فروش متنجس، بقیه معاملات مثل معاملات شخص مسلمان است که باطل است و ذمی مالک پول نمی شود؛ اما از آنجا که طرف مقابل به تصرف در پول دریافتی راضی است، تصرف در آن جایز است و شخص مسلمان هم می تواند آن پول را بابت طلبش بردارد. (آیت الله شبیری)

## نحوه پرداخت بدهکاری به بخش های دولتی

کسی که به یکی از سازمان های دولتی بدهکار است، مثلاً از تلفن آن سازمان برای کار خصوصی استفاده کرده است، آیا می تواند آن بدهی را به سازمان دیگری بپردازد که آن هم دولتی است؟ (4)

ص: 56

1- به این نکته در کتب فقهی دقت شده است؛ مثلاً نک: سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، کتاب الهبه، مسئله 2.

2- حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 201، مسئله 813؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 216، مسئله 813؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 37734؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9510290105.

3- در کلام بعضی فقها، به گره گشایی از دو ابهام در ذیل این مسئله پرداخته شده است: 1. شرط است ذمی آن امر حرام مثل شراب را به غیر مسلمان فروخته باشد؟ 2. آیا تستر از شخص ذمی در این معاملات لازم است؟ برای نمونه به این متن دقت کنید: هل يعتبر ان یکون المشتري لها غیر مسلم أم لا- يعتبر ذلك؟ مقتضی اطلاق الاخبار هو الثانی، و لا ینافی ذلك بطلان البیع، إذ هو باطل حتی فی البیع من الذمی، و لذا قال (علیه السلام): «فَوَزُرُ ذَلِكُ عَلَيْهِمْ.» ثم إنه لیس فی النصوص تقیید الذمی بكونه مستتراً، و لعل تقیید بعض الفقهاء به من جهة أن التستر من شرائط الذمه فبالتظاهر یخرج عن كونه ذمیاً (سیدصادق حسینی روحانی، فقه الصادق (علیه السلام)، ج 13، ص 72).

4- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 284، س 9؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س 1955.

باید به همان سازمانی که به آن بدهکار است، رد کند. (حضرت امام)

آنچه از اموال بیت المال نزد کسی است، اگر از اموال دولتی مختص به اداره خاصی از اداره های دولتی باشد، باید در صورت امکان به همان اداره برگرداند؛ و الا باید به خزانه عمومی دولت تحویل بدهد. (امام خامنه ای)

## ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی

### داشتن قصد ادای دین در صورت ناتوانی از پرداخت آن

آیا نیت ادای بدهی در صورت ناتوانی از پرداخت آن واجب است؟(1)

بله، واجب است به این صورت که تصمیمش این باشد هر وقت متمکن شود، آن را بپردازد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و فاضل)

کسی که قرض می کند، واجب است نیت پرداخت آن را داشته باشد. (آیات عظام وحید، تبریزی و خوبی)

### مستثنیات دین و حکم فروش آن ها برای پرداخت بدهی

مستثنیات دین و حکم فروش آن ها برای پرداخت بدهی (2)

مستثنیات دین چیست و آیا در صورت ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی، طلبکار حق توقیف یا فروش آن ها را دارد؟

اگر بدهکار از پرداختن بدهی خود عاجز باشد، طلبکار نمی تواند

ص: 57

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، كتاب الدين و القرض، القول في احكام الدين، مسئله 17؛ سيدعلی سيستاني، منهاج الصالحين، ج 2، ص 315، مسئله 1001؛ حسين وحيد خراساني، منهاج الصالحين، ج 3، ص 195، مسئله 788؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحين، ج 2، ص 211، مسئله 788؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 300، سؤال 1161.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، كتاب الدين و القرض، القول في احكام الدين، مسئله 10 تا 12؛ سيدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1768 و 1767؛ سيدعلی سيستاني، توضیح المسائل، مسئله 2243؛ سيدعلی سيستاني، منهاج الصالحين، مسئله 994 تا 996؛ حسين وحيد خراساني، منهاج الصالحين، ج 3، ص 197، مسئله 801 و 802؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحين، ج 2، ص 213، مسئله 801 و 802. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 303، س 1174؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 360، مسئله 4473 و 4479 و 4496؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 2، ص 298، سؤال 872 و 876؛ حسين نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 1، سؤال 1024.

مستثنیات دین را به علت بدهی او توقیف کند و از او بگیرد یا او را به فروش آن ها مجبور کند. اموال زیر مستثنیات دین است: 1. خانه محل سکونت؛

2. لباس ضروری، اگرچه به جهت زینت و تجمل باشد؛

3. لوازم خانه از قبیل فرش، پرده، تلفن، یخچال، اجاق گاز، آب گرم کن و ظروف برای خوردن و آشامیدن و آشپزی برای خود یا مهمان با در نظر گرفتن مقدار حاجت به حسب شأن خود؛

4. کتاب های علمی برای اهل این کتاب ها به مقدار احتیاج بر حسب حال و مراتب علمی؛

5. ماشین یا وسیله نقلیه دیگر که برای سوار شدن و... به آن محتاج است؛ به طوری که اگر آن را بفروشد، در زحمت و مضیقه قرار می گیرد یا سبب صدمه آبرویی به او می شود.

ملاک کلی این است که هر آنچه فرد بر حسب حال و شأنش به آن محتاج است به گونه ای که اگر نباشد، در سختی زیاد می افتد یا (حضرت امام و آیات عظام فاضل و صافی: و) موجب اضطراب و تنقیص او می شود، از مستثنیات دین است. در استثنای این اشیا، بین یکی و چند تا فرقی نیست؛ لذا اگر خانه یا وسیله نقلیه یا لباس یا اثاث منزل و مانند آن به حسب حال و شرفش واقعاً نیاز باشد به طوری که با فروختن آن ها به سختی زیاد مبتلا می شود، از مستثنیات دین محسوب می شود. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی، فاضل و خویی)

ضروریات عرفی جزو مستثنیات است؛ لذا منزل در حد شأن از مستثنیات دین است و همچنین این مستثنیات تلفن و ماشین مورد نیاز را هم شامل می شود. (آیت الله بهجت)

خانه و مرکب سواری و لوازم زندگی عادی و معمولی که در شأن فرد



است، جزو مستثنیات دین است؛ ولی دارایی های دیگر و سرمایه مطلقاً جزو مستثنیات نیست. (آیت الله مکارم)

در بحث مستثنیات دین باید احتیاج و شأن و حداقل را در نظر گرفت. (آیت الله نوری)

### ودیعه مسکن (رهن خانه)

آیا ودیعه مسکن از مستثنیات دین است؟ (1) چنانچه فردی ودیعه اجاره ملک مسکونی را پرداخته است و اگر این ودیعه توقیف شود بی سرپناه می شود، می توان ودیعه را از مصادیق مستثنیات دین محسوب کرد؟

اگر توقیف ودیعه مسکن موجب شود که مستأجر را از خانه استیجاری بیرون کنند و بی سرپناه شود، ودیعه مسکن نیز حکم خانه مسکونی را دارد و از مستثنیات دین است. (امام خامنه ای)

تا زمانی که در رهن خانه مسکونی مورد نیاز باشد، جزو مستثنیات دین است. (آیت الله مکارم)

موضوع سؤال از مستثنیات دین است. (آیت الله شبیری)

فرد مفلسی خانه اجاره ای دارد و برای اجاره، پول پیش به موجر قرض داده است. آیا این پول قرضی جزو مستثنیات دین است؟ بله، جزو مستثنیات دین است. (آیت الله بهجت)

### سرمایه ضروری

آیا سرمایه ضروری برای امرار معاش، جزو مستثنیات دین است؟ (2)

ص: 59

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 527730؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 363، س 4486؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9608060093؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48911.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 792405483؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 2، ص 298، سؤال 872 و 876؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48911.

جزو مستثنیات نیست. (امام خامنه ای)

سرمایه مطلقاً جزو مستثنیات نیست. (آیت الله مکارم) (1)

مستثنیات دین یعنی خانه ای که لایق حال بدهکار است و در آن ساکن است و اثاث منزل و چیزهای دیگری که ناچار از داشتن آن هاست. (آیت الله وحید)

مورد سؤال از مستثنیات دین است. (آیت الله شبیری)

### حکم مستثنیات دین قبل و بعد از حکم به افلاس

حکم مستثنیات دین قبل و بعد از حکم به افلاس (2)

در استثنای منزل مسکونی در باب مطالبه دیون از بدهکار، آیا بین بدهکاری که حکم به افلاس او شده و بین بدهکاری که محکوم به افلاس نیست، فرقی هست؟

فرقی نیست. (حضرت امام)

### بیشتر بودن مستثنیات دین از نیاز یا شأن بدهکار

بیشتر بودن مستثنیات دین از نیاز یا شأن بدهکار (3)

اگر مستثنیات دین بیشتر از نیاز و برتر از شأن بدهکار باشد، تکلیف چیست؟

اگر خانه مسکونی اش بیشتر از احتیاجش باشد، باید در آن مقداری که نیازش است، ساکن شود و اضافی را بفروشد یا آن خانه را بفروشد و خانه ای ارزان تر و مناسب حالش بخرد. اگر چند خانه داشته باشد که برای سکونت به همه آن ها احتیاج دارد، فروش هیچ کدامشان واجب نیست. همچنین است حکم سواری و لباس ها و مانند این ها. (حضرت

ص: 60

---

1- آیا کامیون و مانند آن که تنها وسیله امرار معاش مدیون است، جزو مستثنیات دین است؟ جواب: این ها جزو مستثنیات دین نیست؛ ولی مرکب سواری جزو مستثنیات است. (آیت الله العظمی مکارم)

2- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 287، سؤال 18.

3- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله

11؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 995؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 1، ص 198؛ جواد تبریزی،

منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 801؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، مسئله 801.

امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید و صافی) اگر به برخی از مستثنیات دین نیازی نداشته باشد، واجب است که مقدار زیادی را برای ادای دین بفروشد و همچنین (آیت الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب) اگر خانه اش بیشتر از حد نیازش باشد. (آیات عظام تبریزی و خویی)

## بی نیازی از مستثنیات دین با مال وقفی

بی نیازی از مستثنیات دین با مال وقفی (1)

تکلیف بدهکار در جایی که امکان بی نیازی او از مستثنیات دین با مال وقفی وجود دارد، چیست؟

اگر نزد بدهکار خانه ای باشد که بر او وقف شده و برای سکونت او کفایت می کند و سکونتش در آن موجب منقصت و اضطراب نیست و خانه شخصی و ملکی هم داشته باشد، احتیاط آن است که خانه ملکی خود را برای ادای دینش بفروشد. (حضرت امام)

اگر بدهکار خانه شخصی و ملکی دارد و از طرف دیگر، خانه دیگری در اختیار اوست که می تواند در آن سکونت کند ولی فعلاً ساکن آن خانه نشده است، مثل خانه وقفی که برای بدهکار سکونت در آن شرعاً جایز است، چنانچه سکونت آن شخص در خانه وقفی حرجی نیست و موجب صدمه آبرویی نمی شود (آیت الله سیستانی: و در معرض اینکه آن را از او بگیرند نیست) واجب است (آیت الله تبریزی: احتیاط واجب) خانه ملکی خود را برای ادای دینش بفروشد. (آیات عظام سیستانی، تبریزی، (2) خویی و وحید)

ص: 61

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 12؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 315، مسئله 996؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 198، مسئله 802؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 214، مسئله 802.

2- البته اگر قبل از سررسید دین، در خانه موقوفه ساکن شده باشد، واجب است که خانه [غیروقفی] خویش را برای پرداخت بدهی بفروشد. (آیت الله العظمی تبریزی) نکته: ظاهراً این قید مورد قبول همه باشد؛ زیرا اگر قبل از رسیدن اجل بدهی، شخص در خانه وقفی که در شأن اوست ساکن شده، درباره خانه ملکی اش اصلاً استثنای دین صدق نمی کند و تخصصاً از بحث مستثنیات خارج است.

بنا بر احوط، اگر اقوا نباشد، چنانچه سکونت در خانه وقفی موجب صدمه آبرویی نمی شود، واجب است خانه ملکی خود را برای ادای دینش بفروشد. (آیت الله صافی)

## مردن بدهکار و فروش مستثنیات دین

مردن بدهکار و فروش مستثنیات دین (1)

فروش مستثنیات دین در صورت مرگ بدهکار چه حکمی دارد؟

خانه مسکونی (2) یا سایر مستثنیات دین، زمانی به منظور پرداخت بدهی فروخته نمی شود که مدیون زنده باشد؛ پس اگر بمیرد و غیر از خانه مسکونی اش چیزی نگذاشته باشد، یا چیزی گذاشته باشد ولی دین او همه را فراگیرد (حضرت امام: یا همچون فراگیر (3) باشد)، باید خانه را بفروشد و دینش را پرداخت کند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، صافی و فاضل)

## رضایت بدهکار به فروش مستثنیات دین

رضایت بدهکار به فروش مستثنیات دین (4)

در صورتی که بدهکار به فروش مستثنیات دین برای ادای بدهی

ص: 62

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 13؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 315، مسئله 996؛ محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، المضاربه، الشركه، المزارعه، المساقاه، الدین و...، ص 206، حاشیه 1 بر مسئله 1.

2- فرقی بین خانه مسکونی و دیگر مستثنیات نیست. مثلاً آیت الله العظمی فاضل در تفصیل الشریعه تصریح کرده است: «و مثل هذه الصوره ما لو ترک غیر داره أيضا، و لکن کان دینه مستوعباً أو کالمستوعب» (محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، المضاربه، الشركه، المزارعه، المساقاه، الدین و...، ص 206، حاشیه 1 بر مسئله 13).

3- توضیح معنای «کالمستوعب»: در این فرض دین مستوعب نیست؛ اما به حدی است که با بقیه اموال غیر از مستثنیات دین، حق طلبکار ادا نمی شود و چاره ای نیست که این خانه نیز فروخته شود. این دین را دین «کالمستوعب» می گویند؛ زیرا با اینکه مستوعب نیست، باز هم باعث وجوب فروش خانه می شود و حکماً با دین مستوعب یکی است. مؤید این معنا برای «کالمستوعب» متن آیت الله العظمی سیستانی در المسائل المنتخبه ذیل مباحث حج است: «مسأله 524: إذا کان عنده ما یفی بنفقات الحج و لکنه کان مدیناً بدین مستوعب لما عنده من المال أو کالمستوعب بان لم یکن وافیاً لنفقاته لو اقتطع منه مقدار الدین لم یجب علیه الحج، إلا إذا کان مؤجلاً بأجل بعید جداً کخمسین سنه مثلاً.»

4- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 14؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 315، مسئله 998؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 197، مسئله 801؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 213، مسئله 801؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری



خویش راضی شود، آیا فروش آن ها جایز است؟

معنای اینکه خانه و مانند آن از مستثنیات دین است، این است که بدهکار برای ادای دین، به فروش آن مجبور نمی شود و فروختن بر او واجب نیست؛ اما اگر خود بدهکار برای پرداخت بدهی، به فروش آن ها راضی باشد، برای طلبکار جایز است آن را بگیرد. البته سزاوار است که طلبکار به فروش مسکن بدهکار راضی نشود و سبب فروش آن نشود، اگرچه بدهکار به آن راضی باشد. (1) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خویی)

در صورتی که با عقل سالم و با اختیار و رضایت خود می فروشد، معامله صحیح است. (آیت الله مکارم)

## فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن ها

فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن ها (2)

آیا فروش مستثنیات دین در صورت رهن بودن آن ها جایز است؟

مالی را که بدهکار گرو (رهن) گذاشته، اگرچه جزو مستثنیات دین باشد، طلبکار می تواند با رعایت شروط لازم در باب رهن بفروشد و طلب خود را بردارد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، شبیری و فاضل)

اگر رهن در موعد مقرر دین را نپرداخت، مرتهن می تواند با فراهم بودن شروطش، آن را بفروشد و عوض طلبش بردارد؛ حتی اگر مال رهنی از مستثنیات

ص: 63

1- در اینجا حضرت امام و آیت الله صافی حدیثی را متذکر شده اند که این گونه است: در حدیثی از عثمان بن زیاد است: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: «من مقداری از مردی طلبکارم و او می خواهد خانه اش را بفروشد و طلب مرا بدهد.» حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: «أُعِيذُكَ بِاللَّهِ أَنْ تُخْرِجَهُ مِنْ ظِلِّ رَأْسِهِ.» (تو را به خدا پناه می دهم که او را از سر پناهِش بیرون کنی.) بلکه بعد از داستان ابن ابی عمیر (رضوان الله علیه) مقتضای احتیاط و پرهیزکاری در دین همان است که به فروش مسکنش راضی نشود.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الرهن، مسئله 26؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1974؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2362؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 330، مسئله 1055؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 494، مسئله 2318؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، مسئله 1746؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، سؤال 4396.

دین باشد. ولی در اطلاق جواز رهن و فروش آن تأمل است. (آیت الله بهجت)

بهتر و احتیاط آن است که او را از سرپناهِش خارج نکند. (حضرت امام و آیت الله صافی)

## فروش غیر مستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آن ها

### اشاره

فروش غیر مستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آن ها (1)

آیا فروش غیر مستثنیات دین به کمتر از قیمت اصلی آن ها به منظور پرداخت بدهی واجب است؟

این مطلب از جهتی دو صورت دارد:

### الف. فروش آن ها اتلاف مال حساب نشود

اگر نزد بدهکار کالای تجاری یا زمین زائد بر مستثنیات دین باشد که جز به کمتر از قیمت بازاری اش فروخته نمی شود، بر بدهکار واجب است در وقت سررسید دین و مطالبه طلبکار، آن را به قیمت کمتر بفروشد و دین خود را ادا کند. جایز نیست پرداخت بدهی را به تأخیر اندازد و منتظر بماند تا مشتری دیگری به قیمت عادلانه آن کالا را بخرد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی، فاضل و خوبی)

فروختن به کمتر از قیمت بازار جایز نیست. (آیت الله مکارم)

اگر حرجی نباشد، لازم است. (آیت الله شبیری)

### ب. فروش آن ها اتلاف مال حساب شود

اگر به مبلغی فروش رود که با قیمت آن تفاوت زیادی دارد، به طوری که فروش به آن مبلغ تضييع و اتلاف مال حساب شود، فروش آن واجب

ص: 64

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 15؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 198، مسئله 803؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 214، مسئله 803؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 299، سؤال 1160؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 999؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری: 9608110015؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48955.

نیست. (حضرت امام)

اگر تفاوت بین دو قیمت به قدری زیاد است که عقلاً آن را قبول نمی کنند مگر در حال ضرورت، در این فرض فروش آن واجب نیست. (آیت الله سیستانی)

فروختن به کمتر از قیمت بازار جایز نیست. (آیت الله مکارم)

اگر به قدری کم می خردند که اگر بفروشد، صدق بیع ضرری می کند یا اینکه فروش به آن قیمت بر او حرجی باشد، فروش آن واجب نیست. (آیت الله فاضل)

اگر تفاوت بین دو قیمت به قدری زیاد است که عادتاً تحمل نمی شود و بر آن «یسر صدق نکند»<sup>(1)</sup> واجب نیست بفروشد. (آیات عظام وحید، تبریزی و خویی)

اگر قیمتی که آن را می خردند، مقدار زیادی از قیمت آن کمتر باشد به نحوی که عادتاً تحمل نمی شود و فروش به آن قیمت بر او حرجی باشد و در نزد عرف، متمکن از ادای بدهی شمرده نشود، فروش آن واجب نیست. (آیت الله صافی)

اگر حرجی نباشد، لازم است. (آیت الله شبیری)

## کسب و کار و تلاش برای پرداخت بدهی

### 1. پرداخت بدهی به غیر تکسب ممکن باشد

آیا فروختن کالا و اجاره دادن اموال و قرض کردن و... به منظور ادای

ص: 65

---

1- توضیح مطلب: بعضی از فقها گفته اند: «وفاء الدین یجب مع الیسر لا مع العسر.» یا در بحث نفقات زوجه می گویند: «اگر زوجه مدیون زوج باشد، مرد می تواند نفقه ای را که باید به زن بدهد، به جای طلبش بردارد؛ به شرطی که زوجه موسره باشد.» یا آیات عظام خویی، وحید و تبریزی می فرمایند: «تحرم علی الدائن مطالبه المدین إذا کان معسراً بل علیه الصبر و النظرة إلی المیسره.» (منهاج الصالحین، ص 810). لذا اگر کاری از شخص خواسته شود که به سبب ادای دین به عسر بیفتد، وفا بر او واجب نیست؛ چرا که موسر بودن از شرط های وجوب ادای دین است. معادل «لا یصدق علیه الیسر» در کلام آیت الله صافی، عبارت «یکون حرجیاً علیه» نزدیک به این عبارت است.



بدهی واجب است؟(1)

هنگام رسیدن وقت دین و مطالبه طلبکار، بر بدهکار واجب است به هر وسیله ای برای ادای آن سعی کند؛ ولو با فروختن کالا و مزرعه اش باشد یا مطالبه کردن از کسی که به او بدهکار است یا اجاره دادن املاکش باشد (غیر از حضرت امام و آیت الله العظمی صافی: یا قرض کردن برای او حرجی نباشد) و غیر این ها. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خویی)(2)

آیا قرض گرفتن برای پرداخت بدهی واجب است؟

چنانچه موعد پرداخت بدهی فرا برسد و طلبکار مهلت ندهد و اموالی هم ندارد که بدهی را پرداخت کند اما امکان قرض گرفتن وجود دارد، قرض بگیرد و بدهی را پرداخت کند. (آیت الله مکارم)

## 2. تنها راه ادای دین تکسب باشد

آیا بر کسی که از پرداخت بدهی از سایر راه ها ناتوان است، کسب و کار و تلاش برای پرداخت آن واجب است؟(3)

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، اگر کاسبی برای او آسان باشد یا کارش کاسبی باشد، واجب است کسب کند و

ص: 66

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 10؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 314، مسئله 994؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 197، مسئله 801؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 213، مسئله 801.

2- همان طور که گفته شد، این کارها در غیر مستثنیات دین لازم است (ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610100091).

3- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 10؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 994؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2244؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1943؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 197، مسئله 801؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 213، مسئله 801؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2286؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1714؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2272؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2287.

بدهی خود را پردازد؛ بلکه در غیر این صورت نیز اگر بتواند کسبی کند که لایق شأنش باشد، احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی را پردازد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، نوری و صافی)

نکته: آیت الله نوری قید «اگر کاسبی برای او آسان باشد» را ندارند.

بدهکار باید برای پرداخت بدهی خود تلاش کند و از طریق کسب و کار یا راه های مشروع دیگر چیزی به دست آورد و بدهی خود را پردازد. (آیت الله مکارم)

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، واجب است در صورت حرجی نبودن به کسب و کاری پردازد که در شأن اوست و بدهی خود را با آن ادا کند. (آیت الله وحید)

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید به کسب و کاری پردازد که در شأن اوست و بدهی خود را با آن ادا کند. (آیات عظام تبریزی و خویی)

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، باید کسب کند و بدهی خود را بدهد؛ مگر اینکه این کار حرجی یا با هتک حیثیت وی همراه باشد. (آیت الله شبیری)

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، چنانچه بتواند کاسبی کند و برای او حرج نباشد، احتیاط واجب این است که کسب کند و بدهی خود را بدهد. (آیت الله فاضل)

### **حکم مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی**

حکم مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی (1)

ص: 67

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 16؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1943؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 200، مسئله 810؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 216، مسئله 810؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2285؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1713؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2271؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1000.

مطالبه طلبکار با ناتوانی بدهکار از پرداخت بدهی چه حکمی دارد؟

اگر بدهکار غیر از مستثنیات دین چیزی نداشته باشد، بر طلبکار حرام است که با مطالبه و خواستن طلب، او را در تنگنا و زحمت قرار دهد؛ بلکه واجب است او را تا یسر و توانایی پیدا کردن مهلت بدهد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، صافی و شبیری)

بر طلبکار حرام است که در صورت معسر بودن (1) بدهکار طلب خویش را از او مطالبه کند؛ بلکه واجب است صبر کند تا یسر و توانایی پیدا کند. (آیات عظام وحید، تبریزی و خوبی)

اگر بدهکار غیر از مستثنیات دین چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه کند و مطالبه بر او حرام است؛ بلکه واجب است صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد. (آیات عظام فاضل و نوری)

### گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، بدون شرط کردنش در ضمن عقد

#### اشاره

گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، بدون شرط کردنش در ضمن عقد (2)

اگر کسی از فردی طلبکار باشد و بدهکار با داشتن قدرت پرداخت، از دادن بدهی خودداری کند، آیا هزینه های اثبات حق از قبیل ابطال تمبر، هزینه دادرسی، حق کارشناسی و حق وکالت، بر عهده طلبکار است یا بدهکار؟

ص: 68

- 
- 1- الْمُعْسِرُ: نَقِيضُ الْمُؤَسِّرِ. وَأَعْسَرَ، فَهُوَ مُعْسِرٌ: صَارَ ذَا عُسْرٍ وَقَلَّةِ ذَاتِ يَدٍ، وَقِيلَ: افْتَقَرَ (ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 564).
  - 2- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 286، س 17؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1764؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 277، مسئله 882؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 172، مسئله 701؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 181، مسئله 701؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 307، س 1188؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 359، مسئله 4470؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 2، ص 298، سؤال 870؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، احکام معاملات، خرید و فروش، متفرقه، اخذ هزینه های دریافت مطالبات از بدهکاران؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30610؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48955.

در این مواقع اگرچه بدهکار معصیت کرده است، شرعاً ضامن هزینه های دادگاه نیست که طلبکار پرداخته است. (امام خامنه ای: در هر صورت در این گونه امور قوانین نظام جمهوری اسلامی لازم الاجراست.) (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی، خوبی و فاضل) اگر به علت طرح دعوا در دادگاه، زبانی متوجه طلبکار شده باشد، می تواند از بدهکار بگیرد. هزینه های معمولی و متعارف را که برای گرفتن مطالبات در میان مردم رایج است، نمی تواند بگیرد؛ ولی اگر هزینه های فوق العاده ای بپردازد، می تواند بگیرد؛ البته در صورتی که طرف مقابل دیون خود را به موقع نپردازد. (آیت الله مکارم)

اگر راه گرفتن حق منحصر به مراجعه به دادگاه باشد، حق دارد هزینه های مزبور را نیز بگیرد. (آیت الله بهجت)

خسارات ناشی از مماطله مدیون بر عهده مدیون است. (آیت الله نوری)

هزینه های لازم برای اثبات حق، بر عهده بدهکار است. (آیت الله شبیری)

### استثنای از امام خامنه ای (مدظله العالی)

درباره هزینه هایی که بدهکار بابت وصول بدهی می کند فرموده اید: «طلبکار حق گرفتن این هزینه ها را ندارد؛ ولی در هر صورت، در این گونه امور قوانین نظام جمهوری اسلامی لازم الاجراست.» سؤال این است: ظاهراً طبق قانون، فقط در صورتی این هزینه ها از بدهکار گرفته می شود که طلبکار علاوه بر اصل بدهی، درخواست گرفتن این هزینه ها را نیز بدهد. در این فرض، طبق نظر امام خامنه ای، بدهکار ملزم به پرداخت هزینه هاست. اما آیا طلبکار حق درخواست چنین مطلبی را دارد؟ در هر صورت، اگر قانون بدهکار را به پرداخت هزینه ها ملزم کرد، آیا طلبکار حق گرفتن آن ها را دارد؟ (1)

مجرد آنچه در سؤال آمده، ایجاد حق نمی کند. (امام خامنه ای)

ص: 69

## گرفتن هزینه وصول طلب از بدهکار، با شرط کردنش در ضمن عقد

طلبکار در ضمن عقدی، با بدهکار شرط می کند که «در صورت خودداری یا تأخیر بدهکار در ادای دین، اگر طلبکار برای وصول طلب هزینه ای بکند، بدهکار باید آن را بپردازد.» آیا چنین شرطی صحیح و لازم است؟<sup>(1)</sup>

اشکالی ندارد. (امام خامنه ای)

اگر آن را در ضمن عقد لازم بر بدهکار شرط کرده باشند، می تواند آن را بگیرد. (آیات عظام سیستانی، تبریزی، خویی و فاضل)

اگر آن را در ضمن عقدی لازم یا جایز بر بدهکار شرط کرده باشند، تا وقتی که عقد باقی باشد، عمل به آن واجب است. (آیت الله وحید)

## جریمه بدهکار توسط دادگاه و ضمانت طلبکار

جریمه بدهکار توسط دادگاه و ضمانت طلبکار<sup>(2)</sup>

آیا طلبکار در زمینه جریمه بدهکار از سوی دادگاه ضمانتی دارد؟

اگر بدهکاری که در پرداخت بدهی خود کوتاهی می کند، به پرداخت مالیات اجرای حکم، به دولت ملزم باشد، چیزی در این باره بر عهده وام دهنده نیست. (امام خامنه ای)

## بیع دین (فروش بدهی)

### اشاره

حکم فروش دین و حالات مختلف آن را بیان کنید.

ص: 70

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 306738711؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 277، مسئله 882؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 172، مسئله 701؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 181، مسئله 701؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 307، س 1188؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 2، ص 297، سؤال 870.

2- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1759.

**الف. فروش دین صوری: اسکونت، چک دوستانه و...**

فروش دین صوری مثل چک صوری که در مقابل طلب و بدهکاری نباشد و ذمه دهنده چک بری باشد، چه حکمی دارد؟(1)

این کار ربا و حرام است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی، شبیری و بهجت)

آنچه اشکال دارد و جایز نیست، این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن، چک مدت دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به او بدهد. این عمل، قرض ربوی و حرام است؛ اگرچه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد. (امام خامنه ای)

**ب. فروش دین حقیقی به کمتر، به فرد ثالث، به صورت نقد**

فروش دین حقیقی، مثل چکی که طلبکار در مقابل طلب خود از بدهکار گرفته، به غیر بدهکار به صورت نقد چه حکمی دارد؟(2)

ص: 71

1- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 176، س 226؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (13)، تنزیل برات، مسئله 2824؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1950؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 198، سؤال 4020؛ سیدموسی شبیری زنجانی، سایت، استفتائات، خریدوفروش چک، سؤال 431 و 784؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج 2، ص 424، سؤال 1726؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 1، ص 316، س 1097؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، اموربانکی، حواله چک و سفته، خریدوفروش چک؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2869.

2- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 176، س 227؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1950؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 490، مسئله 2297؛ سیدموسی شبیری زنجانی، سایت، استفتائات، خریدوفروش چک، سؤال 431 و 784؛ محمدفاضل لنکرانی، توضیح المسائل مسئله 1725 و جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 303؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 200، مسئله 812؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 216، مسئله 812؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج 1، ص 230، سؤال 1102 و ج 2، ص 424 1726؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 991؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (13)، تنزیل برات، مسئله 2824؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، ص 871، محمدرضا گلپایگانی، ملحقات رساله، با حاشیه آیت الله صافی گلپایگانی، چک و سفته؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 1، ص 317، س 1099؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، اموربانکی، حواله چک و سفته، خریدوفروش چک؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2867 و 2869؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30610.

اگر سفته یا برات را به خود بدهکار به کمتر بفروشد، مانع ندارد؛ ولی فروش آن به غیر مدیون به کمتر، ربا و حرام است. (حضرت امام)

فروش چک مدت دار به دیگری به کمتر یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک جایز است و اشکال ندارد. (امام خامنه ای) فروش چک مدت دار به خود بدهکار یا دیگری به کمتر به صورت نقد جایز است. (آیات عظام مکارم، شبیری و نوری)

اگر کسی از دیگری طلبی دارد که کشیدنی و پیمانہ ای نیست، می تواند آن را به دیگری به کمتر بفروشد و پول آن را نقداً بگیرد؛ ولی اگر چیزی که در ذمه بدهکار است، وزنی یا پیمانہ ای باشد و طلبکار بخواهد آن را به مثل خودش به کمتر بفروشد، ربا و حرام است. (آیات عظام سیستانی، فاضل، تبریزی، خوبی و صافی)

اگر کسی از دیگری طلبی دارد که از جنس طلا و نقره یا کشیدنی و پیمانہ ای نیست، می تواند آن را به شخص بدهکار یا دیگری به کمتر بفروشد و پولش را نقد بگیرد؛ ولی اگر طلب اسکناس باشد، فروختن آن به کمتر در صورتی که ثمن هم از جنس همان اسکناس باشد، محل اشکال است. در صورتی که از غیر آن جنس باشد، مثل فروش اسکناس ایرانی به دلار، اشکال ندارد. همچنین اگر بر هبه مصالحه کنند، اشکالی ندارد؛ مثلاً مالک چک مدت دار یک میلیون تومان بگوید: «با تو مصالحه می کنم که این چک را به تو ببخشم و تو هم این 950 هزار تومان را به من ببخشی.» (آیت الله وحید)

نکته

1. فروش مافی الذمه را که مکیل و موزون نیست به خود بدهکار به کمتر، همه فقها قبول دارند.

2. در اینجا بحث فروش دین و طلب مطرح است؛ وگرنه کم کردن مقدار طلب مدت دار و گرفتن نقدی آن مشکلی ندارد و ما این بحث را در عنوان «جلوانداختن بدهی مدت دار در مقابل کاهش مبلغ آن» آورده ایم.

ص: 72

آیا فروش دین به دین جایز است؟

این مطلب را در چهار حالت بررسی می کنیم:

1. فروش دین به دین در جایی که عوض و معوض هر دو قبل از بیع، دین و مدت دار باشد: (2)

چنین معامله ای، اگرچه وقتشان رسیده باشد، جایز نیست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، صافی و تبریزی)

خرید دین در صورتی جایز است که با پول نقد باشد. (آیت الله مکارم)

2. فروش دین به دین در جایی که هر دو قبل از بیع، دین باشد و هر دو یا یکی از اساس حال باشد:

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (حضرت امام)

جایز نیست (آیات عظام سیستانی، وحید، خویی و تبریزی) اگر یکی از آن دو از ابتدا مدتی نداشته باشد، مثل کلی در ذمه به صورت نقدی، فروش آن به دین مدت دار جایز است؛ همان طور که فروش کلی در ذمه که دین است، جایز است؛ مانند مسلم فی قبل از رسیدن زمانش از فروشنده اش و نه از غیر او به صورت دین، به شرط زیاده و جایز است فروش آن بعد از رسیدن زمانش مطلقاً از فروشنده اش و نه غیر او به صورت دین. (آیت الله صافی)

ص: 73

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی احکام الدین، مسئله 7؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 313، مسئله 991؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 200، مسئله 812؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 216، مسئله 812؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، خرید و فروش، متفرقات خرید و فروش، خرید و فروش دین.

2- مثال برای اینکه عوض و معوض هر دو قبل از بیع، دین باشد، سه فرض دارد: 1. زید و عمرو، هرکدام بر گردن دیگری دینی دارد و هرکدام دینی را که بر گردن دیگری دارد، در مقابل هم، به هم می فروشند؛ 2. زید و عمرو هرکدام بگردن بکر دینی جداگانه دارند و دینی را که هرکدام بر گردن بکر دارد، به هم می فروشند؛ 3. زید بر گردن بکر دینی دارد و عمرو بر گردن علی دینی دارد که باز زید و عمرو دین را به هم می فروشند. هر سه فرض باطل است؛ زیرا در هر سه فرض، دین قبل از عقد بیع است. البته طبق نظر حضرت امام، بطلان گاهی به احتیاط است و گاهی به فتوا و طبق فتوای آیت الله العظمی خویی و من تبع، همه فروض به فتوا باطل است (نک: منابع پاورقی قبل).



3. اگر هیچ یک از عوض و معوض قبل از بیع، دین نباشد و هر دو به سبب بیع دین شود: (1)

این بحث صورت های زیادی دارد که این مختصر (تحریر الوسيله) گنجایش آن را ندارد. (حضرت امام)

اگر عوضین هر دو به سبب بیع، دین شود، در صورتی که هر دو مدت دار باشد، عقد باطل است و در غیر این حالت عقد صحیح است. (آیت الله سیستانی)

اگر عوضین هر دو به سبب بیع، دین شود، در صورتی که هر دو مدت دار باشد، عقد به احتیاط واجب باطل است و در غیر این حالت عقد صحیح است. (آیات عظام وحید، خویی و تبریزی)

4. اگر یکی از آن دو قبل از بیع دین باشد و دیگری به سبب عقد دین شود؛ مثلاً کسی چیزی را که در ذمه دیگری طلبکار است، نسبه بفروشد:

این بحث صورت های زیادی دارد که این مختصر (تحریر الوسيله) گنجایش آن را ندارد. (حضرت امام)

اگر یکی از عوضین قبل از عقد دین باشد و دیگری به سبب عقد دین شود، اگر دومی مدت دار باشد، عقد باطل است؛ ولی اگر کلی در ذمه باشد و مدت دار نباشد، صحیح است؛ به جز در بیع مسلم فیه (2) قبل از رسیدن زمان آن که فروش آن به غیر فروشنده اش مطلقاً (3) جایز نیست؛ ولی بعد از رسیدن زمانش، فروش آن به غیر فروشنده جایز است. همچنین فروش آن به خود فروشنده مطلقاً (4) جایز است. (آیت الله سیستانی)

ص: 74

- 
- 1- ظاهراً منظور بیع نسبه به نسبه است؛ مثلاً من یک کیلو سیب را که قرار است یک ماه دیگر تحویل شما بدهم با خصوصیات دقیق و مشخص، به یک کیلو پرتقال با خصوصیات دقیق و مشخص بفروشم که قرار است شما دو ماه دیگر تحویل من بدهید.
  - 2- القول فی السلف و يقال السلم أيضاً و هو ابتیاع کلی مؤجل بثمان حالّ عکس النسیئه. و يقال للمشتري: «المسلم» بکسر اللام و لثمن بفتحها و للبايع «المسلم إليه» و للمبيع «المسلم فیه» (سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، ج 1، ص 543، القول فی السلف).
  - 3- یعنی دینی که به سبب عقد ایجاد شده است، چه مدت دار باشد و چه کلی فی الذمه بدون مدت باشد؛ در هر دو صورت باطل است.
  - 4- ظاهراً مراد از این «مطلقاً» این است که چه اجل فرارسیده باشد و چه نرسیده باشد، می توان آن را به خود فروشنده فروخت.

اگر یکی از عوضین قبل از عقد دین باشد و دیگری به سبب عقد دین شود، صحیح است؛ به جز در بیع مسلم فیه قبل از رسیدن زمان آن که فروش آن به غیر فروشنده اش مطلقاً جایز نیست و به خود فروشنده بنا بر احتیاط واجب جایز نیست؛ ولی بعد از رسیدن زمانش، فروش آن به غیر فروشنده یا به خود فروشنده جایز است. (آیت الله وحید)

اگر یکی از عوضین قبل از عقد دین باشد و دیگری به سبب عقد دین شود، صحیح است؛ به جز در بیع مسلم فیه قبل از رسیدن زمان آن که فروش آن به غیر فروشنده اش مطلقاً جایز نیست؛ ولی بعد از رسیدن زمانش، فروش آن به غیر فروشنده جایز است. همچنین فروش آن به خود فروشنده مطلقاً جایز است بنا بر تفصیلی که گذشت. (1) (آیت الله خویی)

اگر یکی از عوضین قبل از عقد دین باشد و دیگری به سبب عقد دین شود، صحیح است؛ به جز در بیع مسلم فیه قبل از رسیدن زمان آن بنا بر تفصیلی که گذشت. (2) (آیت الله تبریزی)

ص: 75

---

1- ایشان در بحث بیع سلف آورده اند: «إذا اشترى شيئاً سلفاً جاز بیعه من بايعه قبل حلول الأجل و بعده بجنس آخر أو بجنس الثمن بشرط عدم الزيادة و لا يجوز بیعه من غیره قبل حلول الأجل و يجوز بعده سواء باعه بجنس آخر أو بجنس الثمن مع الزيادة أو النقيصه أو التساوی. هذا فی غیر المکیل و الموزون و أما فیهما فلا يجوز بیعهما قبل القبض مرابحه [باسود] مطلقاً كما تقدم (سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 61، مسئله 250).

2- ایشان در بحث بیع سلف آورده اند: إذا اشترى شيئاً سلفاً جاز بیعه من بايعه قبل حلول الأجل و بعده بجنس آخر أو بجنس الثمن بشرط عدم الزيادة. نعم إذا كان الثمن من الأوراق النقدیه ففي اشتراط عدم الزيادة إشکال و لا يجوز بیعه من غیره قبل حلول الأجل و يجوز بعده؛ سواء باعه بجنس آخر أو بجنس الثمن مع الزيادة أو النقيصه أو التساوی. هذا فی غیر المکیل و الموزون و أما فیهما، فلا يجوز بیعهما قبل القبض مرابحه مطلقاً كما تقدم (جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 65، مسئله 250).



فصل سوم: قرض (وام)

اشاره

ص: 77



## تعریف قرض

قرض به چه معناست؟ (1)

قرض عبارت است از تملیک مالی به دیگری به وجه ضمانت در ذمه به اینکه بدهکار آن مال را به عهده بگیرد تا (حضرت امام: خود آن مال را یا) در صورتی که مثلی است، مثل آن و اگر قیمی است، قیمت آن را بعداً به قرض دهنده پردازد. به تملیک کننده «مقرض» یا «وام دهنده» و به قبول کننده ملک، «مقرض» یا «مستقرض» یا «وام گیر» یا «وام خواه» گفته می شود. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

## حکم قرض دادن و قرض گرفتن

### حکم قرض دادن

قرض دادن از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ (2)

قرض دادن به مؤمن، مخصوصاً برای نیازمند، از مستحبات مؤکد است. (3) (مراجع عظام تقلید)

### حکم قرض گرفتن

## قرض گرفتن بدون نیاز یا با احتیاج اندک

ص: 79

- 1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، قبل از مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، کتاب الدین و القرض، احکام القرض، قبل از مسئله 1002.
- 2- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، احکام قرض، قبل از مسئله 2273.
- 3- در کلام فقها آمده است که استحباب مؤکد قرض به سبب خصوصیتی است که در آن وجود دارد و آن اینکه به وسیله آن نیاز او برآورده و گرفتاری اش برطرف می شود. از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «هرکسی به برادر مسلمانش قرض دهد، در مقابل هر درهمی که به او قرض داده، به وزن کوه احد از کوه های رضوی و طور سینا، برای او حسنه است. اگر در مطالبه اش با او مدارا کند، به برکت این مدارا، مانند برق جهنده فروزان، بدون حساب و عذاب از روی صراط می گذرد. هرکس برادر مسلمانش نزد او شکایتی برد و به او قرض ندهد، خداوند عزوجل در روزی که نیکوکاران را جزا می دهد، بهشت را بر او حرام می کند.»

قرض گرفتن در صورت احتیاج نداشتن به آن یا با احتیاج کم به آن، چه حکمی دارد؟(1)

قرض گرفتن در صورت احتیاج نداشتن مکروه است و با داشتن حاجت، کراهت تخفیف پیدا می کند؛ بنابراین هر مقدار که نیاز شدیدتر باشد، کراهت کمتر می شود تا جایی که شدت احتیاج، کراهت را به کلی از بین می برد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

مدیون کردن خویش در صورت داشتن توانایی مالی، عملی مکروه است. (آیات عظام وحید، خویی و تبریزی)

### قرض کردن در صورت نیاز برای کاری ضروری

قرض کردن در صورتی که امر واجبی مثل حفظ آبرو وابسته به آن باشد، چه حکمی دارد؟(2)و(3)

در این صورت، قرض کردن واجب می شود؛ مثل جایی که حفظ جان و آبرو... وابسته به قرض کردن است. (حضرت امام و آیت الله صافی)

قرض کردن در صورت احتیاج، اگر برای امر ضروری باشد، لازم است. (آیت الله بهجت)

در فرض سؤال، کراهت آن برطرف می شود. (آیت الله مکارم)

موارد آن مختلف است. (آیت الله وحید)

ص: 80

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 1؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 788؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 788؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، کتاب الدین و القرض، احکام القرض، مسئله 1002.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 1؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 359، مسئله 4469؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9608110015؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48955.

3- مشهور فقها در بحث تیمم می فرمایند: «اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید؛ ولی کسی که می داند یا گمان دارد که نمی تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند» (سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 666). دقت به این مسئله، در مانحن فیه می تواند کارگشا باشد.

چنانچه امکان بازپرداخت قرض وجود دارد و انجام واجب، متوقف بر قرض باشد، قرض کردن واجب می شود؛ اما در فرضی که امکان بازپرداخت قرض وجود ندارد، به شرط اضطرار یا تراحم با واجب اهم یا مساوی، می تواند قرض کند. (آیت الله شبیری)

## قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد

قرض گرفتن کسی که توانایی ادای آن را ندارد، چه حکمی دارد؟(1)

بنا به احتیاط واجب، کسی که مالی ندارد تا با آن قرض خود را بدهد و احتمال و انتظار رسیدن چنین مالی را هم ندارد، جز در هنگام ضرورت قرض نگیرد (حضرت امام و آیت الله سیستانی: مگر اینکه قرض دهنده را از حال و وضعیت مالی خویش مطلع کند.) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

اگر احتمال نمی دهد که در حال یا آینده قادر به پرداخت باشد، اشکال دارد. (آیت الله مکارم)

جایز نیست؛ مگر اینکه رضایت قرض دهنده احراز شود. (آیت الله شبیری)

## شروط لازم در قرض

### شروط لازم در قرض دهنده و قرض گیرنده

#### اشاره

برای صحت قرض چه شروطی در قرض دهنده و قرض گیرنده لازم است؟(2)

ص: 81

- 
- 1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 635، مسئله 1؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، کتاب الدین و القرض، احکام القرض، مسئله 1002؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9608110015؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48972.
  - 2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 3؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 316، مسئله 1005؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1940.



در قرض دهنده و قرض گیرنده شش شرط لازم است:

1 تا 5. بلوغ، عقل، اختیار، (1) قصد (2)

و سفیه نبودن: در هر دوی قرض دهنده و قرض گیرنده، بلوغ، عقل، اختیار، قصد و سفیه نبودن شرط است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم و صافی)

6. محجور نبودن (3)

در قرض دهنده و قرض گیرنده شرط است که محجور نباشند. (حضرت امام و آیت الله مکارم)

در قرض دهنده شرط است که ممنوع از تصرف در اموالش (آیت الله سیستانی: به جهت مفلس بودن) نباشد. (آیات عظام سیستانی و صافی)

ص: 82

1- اختیار شرط است. مقصود از «مکره» کسی است که از ترک بیع ترسان باشد؛ از این جهت که دیگری با تهدید ضررزدن به او یا دچار کردن او به حرج، بر ترک بیع مجبور کند؛ ولی اگر ناچاری و اضطراب، او را به فروختن وادارد، این اضطراب، به صحت آن ضرر نمی رساند؛ اگرچه این ناچاری به سبب این باشد که دیگری او را به چیزی الزام کرده است؛ مثل اینکه ظالمی او را ملزم کند که مبلغی پردازد و او هم ناچار شود مالش را بفروشد تا آن را به او پردازد.

2- الف. قصد شرط است؛ پس قرض کسی که قصد ندارد، مانند مزاح کننده و اشتباه کار و سهوکننده، صحیح نیست. ب. اختیار شرط است و مقصود از «مکره» کسی است که از ترک بیع ترسان باشد، از این جهت که دیگری با تهدید به ضررزدن به او یا دچار کردن او به حرج، او را بر ترک بیع مجبور کند؛ ولی اگر ناچاری و اضطراب او را به فروختن وادارد، این اضطراب، به صحت آن ضرر نمی رساند؛ اگرچه این ناچاری به سبب این باشد که دیگری او را به چیزی الزام کرده است؛ مثل اینکه ظالمی او را ملزم کند مبلغی را پردازد و او هم ناچار شود مالش را بفروشد تا آن را به او پردازد. ج. ممنوع از تصرف نباید باشد؛ یعنی قرض از غیر مالک واقع نمی شود در صورتی که از طرف او وکیل نباشد یا بر او ولایت نداشته باشد. پدر و جد پدری و وصی از طرف آن دو و نیز حاکم شرع بر شخص ولایت دارد. نیز از کسی که به علت سفاهت یا بی پولی یا غیر این ها از اسباب حجر، محجور باشد، قرض واقع نمی شود (سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 3 و کتاب البیع، القول فی شرائط المتعاقدين، الثالث: القصد).

3- ممنوع از تصرف نباید باشد؛ یعنی از غیر مالک در صورتی که از طرف او وکیل نباشد یا بر او ولایت نداشته باشد، قرض واقع نمی شود و از کسی که به سبب سفاهت یا بی پولی یا غیر این ها از اسباب حجر، محجور باشد نیز قرض واقع نمی شود. در حقیقت شرط 5 و 6 یک شرط است که تحت عنوان «مالک بودن در تصرف» جمع می شود. در باب بیع، «سفیه نبودن» و «محجور نبودن» تحت عنوان «مالک بودن در تصرف» یا «عدم محجوریت» ذکر شده است (نک: تحریر الوسیله، شروط متعاقدين)؛ اما اینکه در متن جدا ذکر شد، به این دلیل است که بعضی از فقها بین سفاهت که نوعی محجوریت است و محجور بودن به علل دیگر، در باب قرض بین قرض گیرنده و قرض دهنده، فرق گذاشته اند؛ لذا در باب قرض لازم است دو فرد از یک مفهوم کلی، جدا ذکر شود تا بتوانیم این دقت را حفظ کنیم.

## قرض گرفتن از برخی غیرمسلمانان

قرض گرفتن پول از فرد مسیحی و یهودی و فرقه ضالّه بهائیت و قرض دادن به آن ها چه حکمی دارد و آیا این کار برای مسلمان جایز است؟ (1)

در غیر فرقه ضالّه بهائیت مانع ندارد. (حضرت امام)

قرض گرفتن یا قرض دادن به فرقه هایی مثل بهائیت، ناصبی ها، صوفی ها، اهل حق، دراویش و کفار اهل کتاب و کفار غیر اهل کتاب چه حکمی دارد؟

اگر موجب تقویت کفر و باطل شود، جایز نیست. علاوه بر آن، به طور کلی، از هرگونه معاشرت با فرقه ضالّه مضلّه بهائیت اجتناب کنید. (امام خامنه ای)

هرگونه ارتباط یا قرض دادن یا قرض گرفتن از بهائیان یا ناصبی ها جایز نیست؛ همچنین از چنین دادوستدی با دراویش و صوفیه اجتناب کنید. در صورتی که قرض دادن یا قرض گرفتن از اهل حق موجب تقویت مذهب آن ها نشود، اشکالی ندارد. همچنین در صورتی که قرض دادن یا قرض گرفتن از کفار باعث تحقیر مسلمانان نشود و مشکلی ایجاد نکند، مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

فی نفسه اشکالی ندارد؛ مگر اینکه موجب تقویت یا تأیید فرقه ای فاسد شود یا خوف تضعیف عقیده حق در آن باشد. (آیت الله شبیری)

## قرض گرفتن از شخصی که با منت قرض می دهد

قرض گرفتن از کسی که با خواری و منت قرض می دهد، چه حکمی دارد؟ (2)

ص: 83

---

1- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 290، سؤال 25؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 306738711؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری: 9610100091؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48972.

2- ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، احکام معاملات، قرض، احکام قرض، احکام قرض دهنده.

حرام نیست؛ اما خلاف احتیاط است. احتیاط مستحب، ترک آن است. (آیت الله مکارم)

## خصوصیات مالی که قرض داده می شود

### 1. عین بودن (قرض دادن منفعت و دین)

آیا لازم است مالی که قرض داده می شود، عین باشد؟ قرض دادن چیزی که عین نیست مثل منافع، چه حکمی دارد؟<sup>(1)</sup>

مالی که قرض داده می شود باید (حضرت امام: بنا بر احتیاط واجب) عین باشد؛ پس وام دادن دین و منفعت صحیح نیست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خوبی)

### 2. مملوک بودن؛ قابلیت مالک شدن مال توسط مسلمان

2. مملوک بودن؛ قابلیت مالک شدن مال توسط مسلمان<sup>(2)</sup>

قرض دادن چیزی که تملک آن صحیح نیست، مثل شراب، چه حکمی دارد؟

مالی که قرض داده می شود، باید مملوک باشد؛ پس قرض دادن آنچه تملکش صحیح نیست مانند شراب و خوک، جایز نیست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خوبی)

### 3. مشخص بودن (قرض دادن چیز کلی)

آیا در قرض، شرط است که عین مشخصی باشد یا قرض دادن چیز

ص: 84

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، القول فی القرض، مسئله 4؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 789 و 790؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 789 و 790؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1006 و 1007.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، القول فی القرض، مسئله 4؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 789 و 790؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 789 و 790؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1006 و 1007.

کلی نیز صحیح است؟(1) وام دادن چیز کلی، به اینکه عقد بر کلی واقع شود و آن را با دادن مصداقی از آن به او تحویل دهد، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (حضرت امام)

قرض دادن کلی در معین صحیح است؛ مانند قرض دادن یک عدد اسکناس پنج هزار تومانی از بین ده اسکناس پنج هزار تومانی معین. (آیات عظام سیستانی، وحید و خوبی)

قرض دادن کلی در معین و کلی در ذمه صحیح است، به این صورت که عقد بر کلی واقع شود؛ اگرچه اقباضش محقق نمی شود مگر بعد از دادن یک عین شخصی خارجی. (آیت الله تبریزی)

در قرض شرط نیست که عین مشخص باشد؛ بلکه قرض دادن کلی نیز صحیح است، به این صورت که عقد قرض بر روی کلی ایجاد شود؛ اگرچه اقباض آن جز با دادن عین مشخص ممکن نیست. (آیت الله صافی)

#### 4. امکان ضبط اوصاف و خصوصیات آن

آیا در چیزی که قرض داده می شود، شرط است که تعیین اوصاف و خصوصیاتش ممکن باشد؟(2)

در قرض مثلی معتبر است از چیزهایی باشد که ضبط اوصاف و خصوصیات آن که قیمت و تمایل به آن با اختلاف آن ها مختلف می شود، ممکن باشد. اما در قیمی ها، مانند گوسفندان و جواهرات، امکان ضبط اوصاف آن ها معتبر نیست؛ بلکه همین که در وقت قرض دادن، قیمت آن ها معلوم باشد، کفایت می کند. (حضرت امام)

ص: 85

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 4؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 789؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 789؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1006.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 4.

باید از چیزهایی باشد که ضبط اوصاف و خصوصیتی که در قیمت و رغبت به آن مؤثر است، ممکن باشد؛ اما قرض دادن چیزی که ضبط اوصاف و خصوصیات آن جز با مشاهده ممکن نیست، مثل گوشت و جواهرات، جایز نیست. (آیت الله صافی)

## 5. معلوم بودن مقدار مال

### 5. معلوم بودن مقدار مال (1)

آیا در قرض، تعیین مقدار مال و صفات و خصوصیات آن لازم است؟

در قرض باید مقدار مال با پیمانه در چیزهایی که پیمانه می شود و با وزن در چیزهایی که وزن می شود و با شماره در چیزهایی که با شمردن اندازه گیری می شود، معلوم باشد؛ پس قرض دادن انباشته ای از طعام به صورت گزاف صحیح نیست. اگر با پیمانه معینی اندازه شود و ظرف معینی پر شود که غیر پیمانه متعارف باشد یا با سنگ معینی وزن شود که غیر وزنه متعارف نزد مردم باشد، بعید نیست به آن اکتفا شود؛ لکن احتیاط خلاف آن است. (حضرت امام و آیت الله صافی)

در قرض، تعیین مقدار مال و خصوصیتی که ارزش مالی آن با اختلاف آن ها متفاوت می شود، لازم نیست. البته بر قرض گیرنده تحصیل علم به مقدار و صفات مال از باب مقدمه ادای آن لازم است. (آیت الله تبریزی: این مطلب درباره قرض عین شخصی یا کلی در معین است؛ ولی در کلی در ذمه باید مقدار و اوصافی که در ارزش مالی آن دخیل است، مشخص شود.) (آیات عظام تبریزی، سیستمی، وحید و خویی) در قرض باید مقدار و جنس مشخص باشد. (آیت الله مکارم)

در قرض مقدار آن باید کاملاً معلوم باشد. البته لازم نیست در هنگام

ص: 86

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 5؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1940؛ سیدعلی سیستمی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1006 و 1007؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 790؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 790؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 487، مسئله 2281.

قرض گرفتن، مقدار آن معلوم باشد؛ بلکه اگر بعد از قرض گرفتن هم مقدارش مشخص شود، مانعی ندارد. (آیت الله شبیری)

## 6. مبهم نبودن مال

6. مبهم نبودن مال (1)

قرض باید بر جنس معین واقع شود؛ پس قرض دادن مبهم صحیح نیست؛ مانند: «یکی از این دو تا.» (حضرت امام و آیت الله صافی)

قرض دادن شیء مبهم صحیح نیست. (آیت الله سیستانی) (2)

## قرض گرفتن از کسی که حساب خمسی ندارد

### اشاره

قرض گرفتن از کسی که می دانیم خمس نمی دهد و کلاً اهل پرداخت وجوهات شرعی نیست، چه حکمی دارد؟ (3)

## 1. مالی که در تعلق خمس به آن شک داریم

قرض گرفتن از این مال اشکالی ندارد. (مراجع عظام تقلید)

## 2. مالی که یقین داریم خمس به آن تعلق گرفته و خممش پرداخت نشده است

انسان نمی تواند در مالی که یقین دارد خممش را نداده اند، تصرف کند. (حضرت امام و آیات عظام مکارم، بهجت، نوری، شبیری، صافی،

ص: 87

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 5؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج2، مسئله 1006 و 1007.

2- کلمه «مبهم» در اینجا تصورات مختلفی دارد: یکی همان که حضرت امام فرمود: «مثلاً دو کیسه برنج با خصوصیات یکسان است و قرض دهنده می گوید یکی از این دو را قرض دادم»؛ اما فرض دیگر، مثل اینکه بگوید: «یک شیء را به تو قرض می دهم» و اصلاً مشخص نمی کند. اینکه حضرت امام و آیت الله العظمی سیستانی می گویند قرض مبهم صحیح نیست، متشنان یکی است، اما مرادشان دو چیز است؛ زیرا آن مثال حضرت امام برای قرض مبهم، طبق نظر آیت الله العظمی سیستانی درست است؛ چراکه از نظر ایشان، کلی فی المعین در قرض اشکال ندارد. البته فرض آیت الله العظمی سیستانی طبق نظر همه اشکال دارد.

3- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج2، مسئله 1795؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 760485.

قرض گرفتن از این مال اشکالی ندارد. (امام خامنه ای و آیات عظام خوئی و تبریزی)

اگر صاحب مال خمس دهنده نباشد و گیرنده مسلمان اثناعشری باشد، اشکالی ندارد. (آیت الله سیستانی)

### 3. مالی که یقین به تعلق خمس بر آن و شک در پرداخت آن داریم

3. مالی که یقین به تعلق خمس بر آن و شک در پرداخت آن داریم (1)

قرض گرفتن از این مال اشکالی ندارد. (امام خامنه ای و آیت الله شبیری)

### خواندن صیغه؛ حکم معاطات در قرض

خواندن صیغه؛ حکم معاطات در قرض (2)

آیا در صحت قرض، خواندن صیغه لازم است یا قرض معاطاتی صحیح است؟

در قرض لازم نیست صیغه بخوانند؛ بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، صافی، تبریزی، فاضل، نوری، بهجت و خوئی)

در قرض باید انشای قرض صورت گیرد؛ ولی لازم نیست انشای قرض با لفظ (صیغه) باشد؛ بلکه اگر با نوشتار باشد، یا چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین نیت بگیرد، یا با فعل دیگر انشا صورت گیرد، صحیح است. (آیت الله شبیری)

ص: 88

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 760485؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 50160.

2- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2273.

## شرط بودن قبض و اقباض در صحت قرض

### شرط بودن قبض و اقباض در صحت قرض (1)

آیا در صحت قرض و مالک شدن قرض گیرنده، تحویل گرفتن و تحویل دادن شرط است؟

در صحت قرض، تحویل گرفتن و تحویل دادن شرط است؛ پس قرض گیرنده مالی را که وام می گیرد، جز بعد از قبض، مالک نمی شود. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، صافی، وحید، نوری، تبریزی و خویی)

در قرض، قبض و اقباض شرط است و همین که در دسترس قرض گیرنده قرار گیرد، کافی است. (آیت الله مکارم)

در صحت قرض و مالک شدن قرض گیرنده، تحویل گرفتن و تحویل دادن شرط است؛ ولی همین که مثلاً به حسابش واریز شود، کافی است. (آیت الله شبیری)

## شرط بودن تصرف در صحت قرض

### شرط بودن تصرف در صحت قرض (2)

آیا تصرف کردن قرض گیرنده شرط صحت قرض است؟

تصرف کردن قرض گیرنده شرط صحت قرض نیست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

نکته: با توجه به عنوان بعدی، از نظر آیات عظام نوری، شبیری، فاضل، خویی، تبریزی، اراکی، گلپایگانی و مکارم، حتی در صورت بقای عین مال، قرض گیرنده حق دارد از پس دادن خود آن عین خودداری

ص: 89

- 
- 1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 6؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، م 791؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 791؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1008؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 610100091؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30621؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 48972.
  - 2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب القرض، مسئله 6؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 317، مسئله 1008؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2282.



کند؛ بنابراین از این حکم چنین برداشت می شود که ایشان تصرف را شرط نمی دانند.

## باقی بودن عین مال قرضی و مطالبه قرض دهنده

باقی بودن عین مال قرضی و مطالبه قرض دهنده (1)

در صورتی که عین مال قرضی نزد قرض گیرنده موجود باشد، آیا صاحب مال حق مطالبه آن را دارد؟

اگر مالی که قرض کرده است، از بین نرفته باشد و صاحب مال آن را مطالبه کند، واجب نیست بدهکار آن را بدهد. اگر بدهکار بخواهد آن را بدهد، طلبکار می تواند نپذیرد. (حضرت امام و آیت الله سیستانی)

اگر مالی که قرض کرده است، از بین نرفته باشد و صاحب مال آن را مطالبه کند، واجب نیست بدهکار آن را بدهد. (آیات عظام وحید، تبریزی و خویی)

احتیاط مستحب دادن همان مال است. (آیات عظام مکارم، شبیری، فاضل و نوری)

اگر عین مالی که قرض داده شده، باقی باشد و قرض دهنده یا قرض گیرنده ادای دین را با پرداخت خود آن مطالبه کنند، در صورتی که قرض قیمی باشد، بر هر دو امتناع جایز است. در صورت مثلی بودن، قرض دهنده حق مطالبه آن را ندارد؛ ولی قرض گیرنده مختار است خود عین یا مثل آن را بپردازد. (آیت الله صافی)

ص: 90

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 641، مسئله 14؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2248؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1947؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، م 793؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 97، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 13؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 793؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2290؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1718؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2276.

## فسخ عقد قرض؛ لازم بودن عقد قرض

فسخ عقد قرض؛ لازم بودن عقد قرض (1)

آیا قرض عقد لازم است یا جایز؟ آیا قرض دهنده یا قرض گیرنده حق فسخ قرض را دارند؟

قرض عقد لازم است؛ پس وام دهنده حق فسخ آن و رجوع به عین قرض داده شده را، اگر موجود باشد، ندارد و وام گیرنده هم حق فسخ و برگرداندن عین را در قیمی ها ندارد. (2) (حضرت امام و آیت الله صافی)

قرض عقدی لازم است و قرض دهنده یا قرض گیرنده حق فسخ آن را ندارند تا با این فسخ عین قرض داده شده در صورت باقی بودن، به قرض دهنده برگردد. (آیت الله سیستانی)

بنا بر اقوا، جزو عقود لازم است. (آیت الله نوری)

قرض از طرف قرض گیرنده لازم و از طرف قرض دهنده جایز است و اگر در صیغه قرض، برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، بنا بر احتیاط واجب، طلبکار قبل از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه کند؛ ولی بدهکار می تواند هر وقت خواست، قرض را بپردازد. (3)

(آیت الله بهجت)

از طرف قرض دهنده لازم است؛ ولی از طرف قرض گیرنده جایز است. (آیت الله شبیری)

ص: 91

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 7؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1009؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 363، سؤال 4488؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30621؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 49006.

2- مثلاً فردی گوسفندی قرض گرفته بوده و الان پشیمان شده و می خواهد گوسفند را به صاحب قبلی اش پس بدهد و قرض را فسخ کند. در اینجا چنین حقی برای او نیست؛ لذا قرض دهنده می تواند این فسخ را نپذیرد و فقط به گرفتن قیمت راضی شود؛ حتی اگر قرض گیرنده بگوید: «اصلاً فسخ نمی کنم؛ اما این گوسفند را که همان است که قرض دادی، بیا به عنوان ادای دینت بپذیر.» در اینجا هم قرض دهنده می تواند از پذیرش این گوسفند امتناع کند و فقط به گرفتن قیمت راضی شود.

3- برای تکمیل این بحث، نک: عنوان «مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن» از همین نوشته.

مطالبه و پرداخت نوع کالا در هر یک از قرض های مثلی و قیمی به چه نحو باید باشد؟

نحوه مطالبه و پرداخت قرض مثلی و قیمی از این قرار است:

## الف. در مثلی ها

### 1. پرداخت مثل

#### 1. پرداخت مثل (1)

اگر مال قرض گرفته شده مثلی باشد، آیا پرداخت مثل آن کفایت می کند و آیا تغییر نکردن قیمت یا رضایت طرفین در کفایت کردن پرداخت مثل شرط است؟

مال قرض گرفته شده اگر مثلی باشد، پرداخت آن به پرداختن مثل آن است؛ هر چند قیمت آن تغییر کرده باشد. این همان وفایی است که متوقف بر رضایت دو طرف نیست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی، فاضل، نوری، بهجت، خویی و شبیری)

نکته: اگر مال مثلی قرض گرفته شده پول باشد، بحث محاسبه تورم و کاهش ارزش پول در آن مطرح است که در عنوان «بررسی راه های مطرح شده برای خلاصی از ربا در قرض» مطرح می شود.

ص: 92

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 14؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2240؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 792؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 95، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 13؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 792؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2289؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1717؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 304، سؤال 1176؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2275؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، ص 364، مسئله 1819.

## 2. پرداخت قیمت یا جنس دیگری در مثلیات

### 2. پرداخت قیمت یا جنس دیگری در مثلیات (1)

اگر مال قرض گرفته شده مثلی باشد، آیا پرداخت قیمت آن کفایت می کند؟

خیر، کافی نیست؛ مگر با رضایت طرفین. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، صافی، تبریزی، شبیری، فاضل، نوری، بهجت، وحید و خوبی)

نکته: اگر هر دو به پرداخت قیمت راضی شوند، اشکالی ندارد و در این صورت، قیمت وقت ادا معتبر است. (آیات عظام وحید، تبریزی و خوبی) نکته: در این فرض اگر بر قیمت روز مشخصی توافق شود، تابع توافق است. در غیر این صورت، قیمت روز پس دادن دین ملاک است. (امام خامنه ای)

آیا شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی ها صحیح است؟ در صورت صحت، آیا بیشتر بودن قیمت آن جنس اشکالی ندارد؟

اگر قیمت آنچه بازگردانده می شود بیشتر باشد، حرام است. (آیت الله شبیری) (2)

## 3. نایاب شدن یا تعذر مثل در مثلیات

در صورت نایاب شدن مثل یا تعذر آن، تکلیف مدیون در ادای بدهی چیست؟ (3)

ص: 93

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 14؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2240؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 792؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 95، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 13؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 792؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2289؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1717؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 304، سؤال 1176؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2275؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، ص 364، مسئله 1819؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 1760؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 725455856.

2- سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 49066.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 134360739؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 693؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، کتاب الغصب، مسئله 693؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، کتاب الغصب، مسئله 828؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الغصب، مسئله 25.

در فرض سؤال، باید قیمت آن را پردازد؛ هرچند می تواند با رضایت طلبکار، جنس دیگری را که هم قیمت است پرداخت کند. (امام خامنه ای)

نکته: در بحث غصب، بر اساس فرموده آیات عظام خوبی و تبریزی و وحید، اگر مثل نایاب شود، غاصب ضامن قیمت روز پرداخت است. بنا بر فرموده حضرت امام و آیات عظام صافی و سیستانی نیز در بحث غصب، اگر مثل متعذر شود، غاصب ضامن قیمت آن در روز پرداخت است.

#### 4. نامعتبر شدن پول قرضی از سوی دولت

4. نامعتبر شدن پول قرضی از سوی دولت (1)

اگر کسی پولی قرض کند و سپس آن پول را دولت از اعتبار ساقط کند و پول دیگری جانشین آن کند، تکلیف قرض گیرنده چیست؟ آیا بین درهم و دینار و اسکناس های امروزی در این زمینه تفاوتی هست؟

اگر درهم هایی را قرض کند، سپس دولت آن ها را از اعتبار ساقط کند و درهم های جدیدی را که غیر آن هاست رایج کند، بر عهده او به جز درهم های اولی نیست؛ ولی در اسکناس های نقدی که در این زمان ها متعارف است، وقتی از اعتبار ساقط شود، ظاهر آن است که ذمه اش به درهم ها و دینارهای رایج مدیون می شود؛ ولی اگر فرض شود که قرض بر چک و اسکناس خاصی، به خصوص خود آن، واقع شود به اینکه بگوید: «قرض دادم به تو این کاغذ را که نوت (اسکناس) نامیده می شود»، وضع آن همان وضع درهم هاست. همچنین است حال معاملات و مهرهایی که بر چک ها و اسکناس ها واقع می شود. (حضرت امام)

اگر پول رایج را که از طلا یا نقره است، قرض کند، سپس حکومت آن

ص: 94

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 643، مسئله 19؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 321، مسئله 1025؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 200، مسئله 811؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 18.

را از رواج بیندازد، همان پول قبلی بر عهده اوست و ممکن است معادل نقد اول از پول رایج جدید بر عهده اش باشد. اگر اوراق نقدی (اسکناس) را قرض کند و حکومت آن ها را از اعتبار ساقط کند، باید معادل اسکناس های اول، از اسکناس های جدید بدهد. (آیت الله صافی)

اگر برای مثال دینارهایی را قرض کند و سپس حکومت آن ها را از اعتبار ساقط کند، همان دینارهای اولی بر او واجب است؛ ولی اگر اوراق نقدی (اسکناس) را قرض کند و حکومت آن ها را از اعتبار ساقط کند، با پرداخت آن ها، دین از ذمه اش ساقط نمی شود؛ بلکه باید قیمت آن ها را قبل از زمان اسقاط اعتبار بپردازد. (آیات عظام سیستانی، وحید و خویی)

## ب. در قیمی ها

### 1. کفایت پرداخت قیمت در قیمی ها

1. کفایت پرداخت قیمت در قیمی ها (1)

اگر آنچه قرض گرفته شده قیمی باشد، آیا پرداخت قیمت آن کفایت می کند؟

بله، کافی است و رضایت طرفین هم شرط نیست. (مراجع عظام تقلید)

### 2. معیار در قیمت

2. معیار در قیمت (2)

ملاک، قیمت وقت وام گرفتن و قبض است؛ اگرچه احتیاط مستحب

ص: 95

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 639، مسئله 8 و 14؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1010؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2240؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 792؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 95، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 13؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 792؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 304، سؤال 1176.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 639، مسئله 8؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1010؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2240؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 792؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 792؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 792؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 304، س 1176؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30621.

در مقدار تفاوت بین دو قیمت، مصالحه و رضایت دادن است. (حضرت امام و آیت الله صافی)

اگر آنچه قرض کرده است قیمی باشد، مانند گوسفند، باید قیمت روز قرض را بدهد. (آیات عظام سیستانی، خویی و تبریزی)

اگر آنچه قرض کرده است قیمی باشد، مانند گوسفند، باید قیمت روز قرض را پس بدهد؛ ولی در جایی که تنزل قیمت فاحش باشد، احتیاط به صلح کردن ترک نشود. (آیت الله وحید)

در مواقعی که قیمی به ذمه تعلق گرفته است، قیمت را ضامن است و کم و زیاد شدن قدرت خرید یا گران شدن و ارزان شدن، تکلیف و ذمه را تغییر نمی دهد. البته درباره قیمیات، لازم است همان قیمت روز ادا را بپردازد. (آیت الله فاضل)

در پرداخت بدهی قیمی، ملاک قیمت چه روزی است؟ اگر قیمت های روز قرض گرفتن و روز پرداخت قرض تفاوت فاحشی کرده باشد، ملاک، قیمت چه روزی است؟

ملاک، قیمت یوم الاداست. (آیت الله نوری)

## تهاتر قهری در پرداخت دیون

تهاتر (1) قهری در پرداخت دیون (2)

دیون بین دو فرد در چه صورت به نحو تهاتر قهری ساقط می شود؟

برای تحقق تهاتر قهری دو دین که در ذمه طرفین است، چند شرط لازم است: 1. دو دین از نظر جنس یکی باشد؛ 2. از نظر تمکن داشتن و تمکن نداشتن در ادای دین در موعد مقرر آن، دو طرف مثل هم باشند؛

ص: 96

1- تهاتر عبارت است از سقوط دیون دو بدهکار به یکدیگر و براثت ذمه هر یک به سبب تقابل دو مال متحد در جنس و وصف. در واقع، تهاتر ایفای دو دین به سبب تقابل آن دوست. از تهاتر به تقاص قهری نیز تعبیر شده است. تفاوت تقاص با تهاتر این است که تقاص امری اختیاری و از افعال قصدی به شمار می رود؛ ولی تهاتر از احکام شرعی و غیر منوط به قصد مکلف است (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج 2، ص 670).

2- سیدعلی سیستانی، استفتانات، ج 1، ص 248، سؤال 348؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج 2، ص 615؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610110010؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 49006.

3. مدتی که برای دو دین مقرر شده، یکی باشد؛ اما اگر مدت‌ها متفاوت است، در صورتی تهاتر قهری در دو دین جاری می‌شود که پرداخت دینی که اجلس نزدیک‌تر است، به تأخیر افتد تا زمان ادای دینی فرابرسد که اجلس دورتر است. (آیت الله سیستانی)

تهاتر یکی از اسباب سقوط دیون و تعهدات به شمار می‌آید و عبارت است از سقوط متقابل دیون دو شخص در برابر یکدیگر. اگر دیون متفاوت باشد، مازاد دینی که بیشتر بوده است، باقی می‌ماند. (آیت الله مکارم)

در صورت اتحاد جنس از نظر مقدار و صفت، تهاتر می‌شود و به قصد احتیاج ندارد. (آیت الله بهجت)

تهاتر بین دو دینی واقع می‌شود که اجلسشان رسیده و از یک جنس اند. (آیت الله شبیری)

## پرداخت مال حرام برای ادای دین

پرداخت مال حرام برای ادای دین (1)

پرداخت مال حرام برای ادای دین چه حکمی دارد؟

ادای دین با پرداخت مال فرد دیگر محقق نمی‌شود و ذمه بدهکار با آن بری نخواهد شد. (امام خامنه ای)

## مکان پرداخت قرض

### اشاره

از لحاظ شرعی، قرض در چه مکانی باید پرداخت شود؟

### الف. مکان خاصی در ضمن قرض شرط شده باشد

الف. مکان خاصی در ضمن قرض شرط شده باشد (2)

اگر بر وام گیرنده شرط کند که وام را در شهر معینی پرداخت و تسلیم

ص: 97

---

1- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 1761.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 643، مسئله 17؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 320، مسئله 1022؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 16؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797.



کند، صحیح و لازم است، اگرچه در حمل آن هزینه ای باشد؛ پس اگر در غیر آن شهر مطالبه کند، بر او لازم نیست بپردازد؛ کما اینکه اگر وام گیرنده در غیر آن شهر آن را بپردازد، بر وام دهنده قبول آن واجب نیست. (حضرت امام و آیت الله صافی) اگر بر وام گیرنده شرط کند که وام را در شهر معینی پرداخت و تسلیم کند، صحیح و عمل به آن لازم است؛ پس اگر در غیر آن شهر مطالبه کند، بر او لازم نیست بپردازد؛ کما اینکه اگر وام گیرنده در غیر آن شهر آن را بپردازد، بر وام دهنده قبول آن واجب نیست. این در صورتی است که شرط، حقی برای هر دوی آن ها یا برای یکی از آن ها باشد و آن را ساقط نکرده باشند؛ ولی اگر آن را ساقط کنند، مثل آن است که اصلاً شرطی نکرده باشند. همچنین وجود قرینه‌ی حالیه یا تعیین مکان تسلیم، مانند شهری که قرض در آن پرداخت شده است یا غیر آن، در حکم شرط کردن است. (آیت الله سیستانی)

اگر بر وام گیرنده شرط کند که وام را در شهر معینی پرداخت و تسلیم کند، صحیح و لازم است. (آیات عظام وحید، خویی و تبریزی)

### **ب. مکان خاصی در ضمن قرض شرط نشده باشد**

ب. مکان خاصی در ضمن قرض شرط نشده باشد (1)

اگر قرض مطلق باشد و شهر تسلیم را معین نکنند، چنانچه قرض دهنده در شهری که قرض داده از او مطالبه کند، پرداختن بر او واجب است. اگر قرض گیرنده در آن شهر بخواهد قرض را ادا کند، قبول آن بر قرض دهنده واجب است؛ اما در غیر آن شهر (آیت الله صافی: به رضایت طرفین نیاز دارد، اگرچه) در صورتی که طلبکار مطالبه کند و

ص: 98

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 643، مسئله 17؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 320، مسئله 1022؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 16؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797.

ضرری برای قرض گیرنده پیدا نشود و احتیاج به خرج هم برای او نداشته باشد، احتیاط برای قرض گیرنده آن است که آن را ادا کند. (حضرت امام: کما اینکه برای قرض دهنده هم، در صورت نبود ضرر و حرج، احتیاط این است که قبول کند و اگر یکی از آن ها لازم آید، احتیاج به تراضی است.) (حضرت امام و آیت الله صافی)

اگر مکان خاصی شرط نشده باشد و قرینه ای بر تعیین مکان خاصی هم وجود نداشته باشد، چنانچه قرینه ای باشد که بر طبق آن برخی از مکان ها مراد نبوده است، مثل لزوم ضرر یا نیاز به مخارجی برای نقل آن، این در حکم تعیین غیر آن مکان است، ولو اجمالاً. در این صورت، در هر مکانی که قرض دهنده قرض را مطالبه کند، ادای آن بر قرض گیرنده واجب است و در هر مکانی که قرض گیرنده ادا کند، بر قرض دهنده گرفتن آن واجب است. (آیت الله سیستانی)

## ربا در قرض

### حکم ربادادن و رباگرفتن

حکم ربادادن و رباگرفتن(1)

ربادادن و رباگرفتن از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ ربادادن و رباگرفتن حرام است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، تبریزی، فاضل، خوئی، شبیری، نوری و صافی)

### حکم ربا درباره اشخاص و عناوین

حکم ربا درباره اشخاص و عناوین(2)

آیا حرمت ربا برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی، به طور یکسان ثابت است؟

ص: 99

---

1- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2284.

2- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1624؛ سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 128، س 130؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 297، سؤال 1966؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، حکم ربا در شخصیت های متفاوت؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 49066.

بله، به طور یکسان ثابت است. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام صافی و شبیری)

احتیاط واجب این است که میان این ها فرقی گذاشته نشود. (آیت الله مکارم)

## بیان شرط زیاده از سوی قرض گیرنده

بیان شرط زیاده از سوی قرض گیرنده (1)

اگر کسی بگوید: «هرکس به من فلان مقدار پول قرض بدهد، فلان مقدار اضافی به او خواهم داد»، در چنین جایی که «زیادی» را خود قرض گیرنده شرط کرده است نه صاحب پول، آیا بازهم ریاست؟

بله، ربا و حرام است. (آیت الله وحید)

با فرض اینکه نفس عقد قرض به زیاده مشروط شده است، ریاست. (آیت الله بهجت)

چنانچه قرض دهنده هم بر اساس این اظهار، داوطلبانه اقدام کند و الزامی نکند، اشکالی ندارد. (آیت الله شبیری)

## معیار در شروط جایز و حرام در قرض

معیار در شروط جایز و حرام در قرض (2)

معیار در شروط جایز و حرام در قرض چیست؟

در قرض، هر شرط جایزی که در آن نفع قرض دهنده نباشد، ولو اینکه به مصلحتش باشد، جایز است شرط شود. (حضرت امام و آیت الله صافی)

هر شرطی که موجب جلب منفعت برای خود صاحب مال (قرض دهنده) بشود، ریاست. (آیت الله مکارم)

هر شرطی که ارزش مالی داشته باشد ولی بدون بیان شدن، در ضمن قرض

ص: 100

---

1- حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 280، س 4301؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 50160.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 641، مسئله 18؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1013؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، شرط گذاشتن در قرض؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 796 و 797؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 17؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 796 و 797؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 362، سؤال 4483.

ثابت باشد، شرط کردنش جایز است؛ در نتیجه، شروطی که ارزش مالی ندارد یا شروطی که مالی است ولی بدون بیان شدن در ضمن قرض، ثابت و الزامی است، مثل قرض، به شرط اینکه قرض گیرنده زکات واجب مال خودش را بدهد، اشکالی ندارند. (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خوبی)

هر نوع «شرط در ضمن قرض» که موجب شود گیرنده قرض زیاده‌تر از آنچه قرض گرفته پردازد، رباست و با تغییر اسم حلال نمی‌شود. (آیت الله بهجت)

## شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض

شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض (1)

شرط ربوی پنهانی (اضماری) در قرض چیست و چه حکمی دارد؟

شرط ربوی پنهانی یعنی شرطی که عقد قرض مبنی بر آن واقع می‌شود، اما به زبان و در لفظ ذکر نمی‌شود؛ چه قبل از عقد، آن را صریحاً شرط کرده باشند یا آن را در نیت و باطن داشته باشند؛ به طوری که قرض بر آن پایه واقع شود. این نوع شرط برای قرض دهنده و قرض گیرنده هر دو، حرام است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

نکته: فقها حرمت شرط زیاده را مطلق آورده‌اند؛ لذا بحث شرط پنهانی، با همان توضیحی که گذشت، مورد اتفاق تمامی فقهاست و مطالب ذکر شده از باب تصریح ایشان بیان شد.

## شروط غیرجایز و ربوی در قرض

### اقسام زیاده ربوی در قرض؛ شروط غیرمجاز در قرض

#### اشاره

اقسام مختلف زیاده ربوی و حکم آن‌ها را بیان کنید.

ص: 101

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 9؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 317، مسئله 1011.

هرگاه قرض دهنده زیاده در قرض را شرط کند، قرض ربوی می شود و در حرمت شرط کردن زیاده، بین اقسام آن فرقی نیست. (1) این اقسام عبارت است از:

### الف. زیاده عینی

#### الف. زیاده عینی (2)

شرط کردن زیاده عینی در قرض ربا و حرام است؛ چه وزنی باشد و چه عددی و چه غیر آن. (مراجع عظام تقلید) برخی از مثال های رایج برای این نوع زیاده در میان مردم عبارت است از: قرض دادن به شرط پرداخت خمس آن از سوی قرض گیرنده، (3) قرض به شرط پرداخت اقساط آن که بیشتر از اصل قرض است، (4) قرض دادن به شرط پرداخت هزینه های کار خاصی از سوی قرض گیرنده. (5)

### ب. زیاده عملی

#### ب. زیاده عملی (6)

زیاده عملی این است که قرض دهنده شرط کند بدهکار علاوه بر پرداخت قرض، برای او کاری انجام دهد. این نوع زیاده ربا و حرام است؛ مثل اینکه قرض دهنده به دیگری صد هزار تومان پول قرض دهد و شرط کند که باید ماشین من را مجانی تعمیر کنی. (مراجع عظام تقلید)

نکته: زیاده عمل عبادی: (7) این نوع زیاده اگر عرفاً ارزش مالی داشته باشد، ربا و حرام است، مثل شرط گرفتن روزه قضا یا ختم یک دور قرآن

ص: 102

1- البته برخی از فقها برخی اقسام را یا متذکر نشده اند یا قبول نکرده اند.

2- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2283.

3- سید روح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 294، سؤال 33.

4- محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 300، سؤال 1164.

5- سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1779.

6- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2283.

7- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتاء: 571397؛ حسین وحید خراسانی، منهاج

الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 796؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 796؛ سید علی سیستانی، منهاج

الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1013؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، شرط تعلیم قرآن در قبال قرض.

برای اموات قرض دهنده؛ اما اگر عمل عرفاً ارزش مالی نداشته باشد و صرفاً ارزش اخروی داشته باشد، ربا نیست؛ مثل اینکه به شخصی قرض دهد به شرط اینکه برای او دعا کند (آیت الله سیستانی: یا برای پدرش یک حمد و سوره بخواند.) (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خویی)

اگر در قرض شرط زیادی عملی شود، در حالی که عرفاً ارزش مالی ندارد، مثل شرط قرائت یک حمد و سوره برای اموات قرض دهنده، ربا و حرام است. (امام خامنه ای)

اگر کسی پولی به دیگری قرض دهد و بگوید: «به شرطی به تو قرض می دهم که تو نیز در مقابل، به فرزندان من قرآن تعلیم دهی»، احتیاط در ترک چنین شرطی است. (آیت الله مکارم)

### ج. زیادی صفتی؛ تحویل جنس نوتر یا مرغوب تر و...

ج. زیادی صفتی؛ تحویل جنس نوتر یا مرغوب تر و... (1)

شرط زیادی صفتی در قرض، ربا و حرام است. (مراجع عظام تقلید)

چند مثال برای زیادی صفتی: قرض دادن طلای مستعمل یا شکسته به شرط تحویل طلای ساخته (حلقه، انگو و...) (2) یا قرض دادن برنج نامرغوب یا معیوب به شرط گرفتن برنج مرغوب.

### د. زیادی انتفاع یا منفعت

د. زیادی انتفاع یا منفعت (3)

شرط زیادی انتفاع و منفعت در قرض حرام است. (حضرت امام و آیات)

ص: 103

1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2283؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 639، مسئله 9؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1013؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1948؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 796؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 796؛ سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2291؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1719؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2277؛ محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، ص 364، مسئله 1820.

2- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2283.

3- سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 9؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1013.

چند مثال برای زیاده انتفاع و منفعت:

1. رهن خالص منزل ریاست؛ زیرا پولی که به صاحب خانه داده می شود، همان قرض است و شرط استفاده از منزل، شرط زیاده و ربوی است؛
2. قرض به شرط انتفاع از عین رهنی و گرویی ریاست؛
3. قرض به شرط اجاره منزل به بهای کمتر ریاست؛(1)
4. قرض به شرط اینکه ماشین طرف مقابل برای مدتی دست قرض دهنده عاریه باشد نیز ربا محسوب می شود.

## ه. زیاده حکمی

### اشاره

دلیل نام گذاری این زیاده به زیاده حکمی این است که در عرف مردم، زیاده به حساب نمی آید؛ اما از نظر فقهی، زیاده است. برخی از مثال های آن از این قرار است:

### 1. قرض به شرط قرض

### اشاره

قرض به شرط قرض (2)

قرض دادن به دیگری به شرط اینکه او نیز بعد از مدتی به ما قرض بدهد، ربا و حرام است. (امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، صافی و بهجت)

نکته: اگر پول در بانک یا صندوق قرض الحسنه گذاشته شود به این شرط که بعد از چند مدت به صاحب حساب قرض داده شود، قرض به شرط قرض و ریاست.

### تکلیف کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است

تکلیف کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است (3)

- 1- مشهور فقها اجاره به شرط قرض را جایز می دانند؛ به غیر از آیت الله العظمی سیستانی (نک: عنوان «شرط قرض در ضمن اجاره»).
- 2- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 422، س 1786؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 280، سؤال 4300؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، ص 229، س 361؛ لطف الله صافی گلپایگانی، سایت، «سی روز؛ سی جلسه احکام شرعی»، س 3؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 307، س 1998.
- 3- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 307، س 1998؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610110010.



کسی که پول را به شرط وام در بانک گذاشته است، چه تکلیفی دارد؟

هرگاه شرط مذکور، برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان وام باشد نه صاحبان صندوق، اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم) گذاشتن پول در بانک و به عبارت دیگر، قرض دادن آن به بانک به شرط وام گرفتن از بانک، ربوی و حرام است؛ ولی اگر انجام شده باشد، وام دهنده می تواند به بانک اعلام کند که از حق عرفی الزامی که بر بانک دارد، صرف نظر کرده است و بانک خود مختار است. در این صورت اگر بانک خودش وام مسکن را به او بدهد، اشکال ندارد. (آیت الله صافی)

## 2. قرض به شرط انسداد حساب

### 2. قرض به شرط انسداد حساب (1)

قرض به شرط انسداد حساب ربا و حرام است. مثلاً مؤسسه مالی اعتباری یا بانک پنج میلیون تومان قرض می دهد؛ به شرط اینکه موجودی حساب قرض گیرنده به مبلغ یک میلیون تومان (آیت الله سیستانی: که قبلاً افتتاح حساب کرده)، به نفع بانک یا مؤسسه مسدود باشد و وام گیرنده حق برداشت از حساب خویش را تا پرداخت آخرین قسط قرضش نداشته باشد. (حضرت امام و آیت الله سیستانی)

قرض به شرط انسداد حساب چه حکمی دارد؟

جایز نیست. (امام خامنه ای) (2)

اگر قرض دادن صندوق به این مشروط باشد که قرض گیرنده مبلغی در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا و شرعاً حرام است. (امام خامنه ای) (3)

ص: 105

1- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 295، س 36؛ سیدعلی سیستانی، استفتانات، ج 1، ص 229، سؤال 361؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 49066؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611210053.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 776725597.

3- با عرض ادب، یک صندوق با عنوان قرض الحسنه است که بدین صورت وام می دهد: من ده میلیون تومان پول در صندوق می گذارم و صندوق تقریباً بلافاصله با فاصله حدود یک ماه که صرف امور اداری وام می کند، مبلغ بیست میلیون تومان وام می دهد. اصل مال (ده میلیون تومان) تا پایان اقساط نزد صندوق می ماند. آیا این شیوه وام دادن ربوی است؟ (سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 829292).

قرض به شرط انسداد حساب مانعی ندارد. (آیت الله شبیری)

دریافت وام به شرط بلوکه شدن اشکالی ندارد؛ ولی چنانچه مقداری که نگه داشته اند، منفعی داشته باشد، به وام گیرنده تعلق دارد. (آیت الله مکارم)

## بررسی جواز یا عدم جواز برخی از شروط در قرض

### 1. شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته

آیا شرط ضامن، رهن، کفالت یا چک و سفته در ضمن قرض جایز است؟ (1) اگر قرض دهنده در ضمن قرض شرط دریافت رهن و گرو شرعی بکند بدون انتفاع بردن از عین مرهونه، (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی: یا شرط ضامن یا شرط کفالت (2) یا شرط دادن چک یا سفته کند)، این شروط اشکالی ندارد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خویی)

### 2. شرط زمانی

آیا می توان برای پس گرفتن قرض زمان مشخصی را شرط کرد؟ (3)

شرط زمانی اشکالی ندارد؛ به این معنا که مثلاً قرض دهنده بگوید: «من به شما قرض می دهم به شرط اینکه یک ماه دیگر طلبم را به من ادا کنی.» (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، تبریزی،

ص: 106

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 641، مسئله 18؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 320، مسئله 1021؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 17؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797.

2- کفالت آن است که انسان متعهد شود هر وقت طلبکار بدهکار را خواست، او را حاضر کند. به شخص متعهد «کفیل» می گویند (سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2341).

3- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2274 و 2275.

نکته: تفصیل این بحث در عنوان «مطالبه طلب مؤجل و پرداخت آن پیش از تمام شدن مدت آن» آمده است.

### 3. شرط مکانی

آیا می توان در ضمن قرض شرط کرد که قرض در مکان خاصی پرداخت شود؟(1)

شرط مکانی در قرض اشکالی ندارد؛ به این معنا که قرض دهنده در ضمن قرض شرط کند که قرض گیرنده بدهی را در مکان خاصی پس دهد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خوبی)

نکته: این بحث به تفصیل در عنوان «مکان پرداخت قرض» مطرح شد.

### 4. شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی ها

آیا شرط پرداخت قرض از جنس دیگر در مثلی ها صحیح است؟ در صورت صحت، آیا بیشتر بودن قیمت آن جنس اشکالی ندارد؟(2)

در قرض مثلی جایز است که قرض دهنده بر قرض گیرنده شرط کند از غیر جنس آن بدهد. این شرط بر او لازم است؛ به شرطی که هر دو در قیمت مساوی باشد یا آنچه بر او شرط شده، از آنچه قرض گرفته است،

ص: 107

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 641، مسئله 17 و 18؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 320، مسئله 1022 تا 1024؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 16 و 17؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 641، مسئله 15؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 320، مسئله 1020؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 799؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 98، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 14؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 799.

قیمت کمتری داشته باشد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خویی)

## 5. شرط تخصیص قرض به افراد خاص

آیا شرط اختصاص یافتن قرض به افراد یا نهادهایی خاص، صحیح و لازم الاجراست؟

طبق قواعد کلی باب قرض، شرط تخصیص قرض به افراد خاص اشکال ندارد. مثلاً قرض دهنده می گوید: «من قرض می دهم به شرط اینکه قرض گیرنده سید یا طلبه یا عادل باشد.»

## 6. شرط مصرف قرض در کاری معین

### اشاره

6. شرط مصرف قرض در کاری معین (1)

آیا قرض دهنده می تواند شرط کند که قرض در کار مشخصی مصرف شود؟

شرط مصرف معین جایز است؛ مثلاً قرض دهنده شرط کند که قرض گیرنده وام را در مصارف مشخصی، مثل تحصیل علم یا درمان بیماری یا ازدواج یا خرید ماشین، صرف کند و این شرط واجب الاتباع است. (امام خامنه ای)

چنانچه شرط خاصی در اعطای وجه قرض الحسنه شده است، باید مطابق آن عمل شود. (آیت الله مکارم)

## مصرف نکردن قرض در کار شرط شده

آیا با اجازه متصدیان بانک، می توان وام را در جای دیگری غیر از آنچه شرط شده، مصرف کرد؟ (2)

ص: 108

1- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1790؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610120053.

2- ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، امور بانکی، مصرف وام برخلاف قرارداد، اجازه متصدی بانک در صرف وام برخلاف قرارداد.

دو صورت دارد: گاهی وام قرض الحسنه است و متصدی اختیار تغییر اجازه در مصرف وام را دارد. در این صورت اشکال ندارد. ولی هرگاه از وام هایی است که سود می گیرند، در اینجا باید تحت عقود شرعی باشد و نمی توان از آن عقود تخلف کرد؛ مگر اینکه در مصرف جدید، عقد شرعی تازه ای منعقد کنند. (آیت الله مکارم)

## 7. شرط هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد

7. شرط هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد(1)

آیا شرط هایی که عرفاً ارزش مالی ندارد، جایز است؛ مثل اینکه صد هزار تومان به دیگری قرض می دهد به شرط اینکه برای او یا دیگری دعا کند؟

بله، جایز است. (آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، تبریزی و خویی)(2)

## 8. شرط انجام واجبات یا ترک محرمات بر قرض گیرنده

8. شرط انجام واجبات یا ترک محرمات بر قرض گیرنده(3)

آیا شرط ترک محرمات الهی یا انجام واجبات عینی که بر قرض گیرنده انجام آن واجب است، صحیح است؟ مثلاً قرض دهنده به فرزندش قرض می دهد به شرط اینکه نماز صبحش را بخواند و نمازش قضا نشود، یا مثلاً قرض دهنده شرط کند به تو قرض می دهم به شرط اینکه غیبت نکنی یا دروغ نگویی یا ربا نخوری؟

چنین شرطی بلا مانع است؛ هر چند منفعتی برای خود قرض دهنده داشته باشد. (آیت الله سیستانی: همچنین رعایت مستحبات و ترک

ص: 109

---

1- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1013 و ص 321، مسئله 1024؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610120053.

2- برای تفصیل این شرط، نک: بحث «انواع زیادی ربوی» و «زیادی عملی».

3- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 320، مسئله 1013؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797.

مکروهات هم به این دو مثال ملحق می شود.) (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خوبی)

## 9. قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت

قرض به شرط بازکردن حساب و عضویت در صندوق و... چه حکمی دارد؟(1)

اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم)

آیا پرداخت وام یا ضمانت آن را می توان به بازکردن حساب پس انداز در صندوق مشروط کرد؟

اگر موجب نفعی برای وام دهنده نمی شود، اشکالی ندارد. (حضرت امام)

شرط بازکردن حساب پس انداز در صندوق اگر به این امر برگردد که اعطای وام به آن اشخاص مختص شود، بدون اشکال است؛ ولی اگر به این برگردد که وام گرفتن از صندوق در آینده مشروط است به اینکه متقاضی وام قبلاً مبلغی پول در بانک گذاشته باشد، این شرط منفعت حکمی در قرض است که باطل است. (امام خامنه ای)

چند نفر از فامیل یا همکار و... صندوق و هیئت تشکیل می دهند و توافق می کنند که هر یک مبلغی بدهند و هرکس آن مبلغ را بدهد، عضو هیئت می شود. از اول نظرشان این است که از همین پول جمع شده به قید قرعه یا بدون قرعه، به اعضا قرض الحسنه بدهند. در حقیقت مبلغی که می دهند، به عنوان حق عضو شدن است و پرداخت قرض مشروط به عضو بودن است. آیا این عمل و قرض جایز است؟

در فرض سؤال که اول پول را به قصد حق عضویت و عضو شدن در هیئت می پردازند و قرض از صندوق و بدون زیاده پرداخت می شود، ولی مشروط به این است که قرض گیرنده عضو صندوق باشد، اشکال ندارد.

ص: 110

---

1- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج6، کتاب دین و قرض، ص543، س7750؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س1788؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج2، ص321، س39؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610120053.

احتیاط این است که اعضا به هیئت مدیره در امور قرض دادن وکالت تام بدهند. (آیت الله فاضل)

## 10. مستثنیات ربا

### 10.1. ربا بین پدر و فرزند

آیا رباگرفتن پدر و فرزند جایز است؟ (1)

پدر و فرزند می توانند از یکدیگر ربا بگیرند. فرق ندارد فرزند، پسر باشد یا دختر. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم، صافی، بهجت، وحید و نوری) اما ربا بین مادر و فرزند جایز نیست.

بنا بر احتیاط واجب، پرداخت و دریافت ربا بین پدر و فرزند جایز نیست. (آیات عظام خویی و تبریزی (2))

پدر می تواند از فرزند خود ربا بگیرد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، پسر از پدر ربا نگیرد. (آیت الله شبیری)

نکته: بنا به نظر آیت الله العظمی شبیری زنجانی، عمل به این احتیاط، واجب است و نمی توان به مجتهد دیگری در این مسئله رجوع کرد؛ زیرا در آن قید «واجب» آمده است. (3)

### 10.2. ربا بین پدر بزرگ و نوه

پرداخت و دریافت ربا بین پدر بزرگ و نوه او چه حکمی دارد؟ (4)

ص: 111

1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2080؛ سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1624؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 58، مسئله 218.

2- نکته: در رساله مراجع، ذیل مسئله 2080 از آیت الله تبریزی در این زمینه احتیاط مستحب نقل شده؛ ولی ما مطلب منهاج الصالحین ایشان را که احتیاط واجب است، مقدم کردیم.

3- سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 7، مسئله 7.

4- سید علی خامنه ای، سایت، استفتائات جدید، احکام معاملات، محدوده استثنای ربا؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 535565؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 76، م 233؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات خصوصی حرم، کد 9401120150؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

ربا بین پدربزرگ و نوه جایز است. (آیت الله سیستانی)

احتیاط در اکتفا به فرزند است. (امام خامنه ای)

جایز نیست. (آیات عظام مکارم و وحید)

### 10. 3. ربا بین زن و شوهر

آیا رباگرفتن زن و شوهر جایز است؟(1)

پرداخت و دریافت ربا بین شوهر و همسر اشکالی ندارد. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، مکارم، صافی، بهجت، وحید و نوری)

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیات عظام خویی و تبریزی(2))

شوهر می تواند از زن خود ربا بگیرد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، زن از شوهر خود ربا نگیرد. (آیت الله شبیری) نکته: بنا به نظر آیت الله شبیری، عمل به این احتیاط، واجب است و در این مسئله نمی توان به مجتهد دیگری رجوع کرد؛ زیرا در آن قید «واجب» آمده است. (3)

### 10. 4. ربا بین زن و شوهر در ازدواج موقت

#### اشاره

10. 4. ربا بین زن و شوهر در ازدواج موقت(4)

در جواز ربا بین زن و شوهر، فرقی بین عقد دائم و موقت نیست. (آیات عظام سیستانی و بهجت)

ص: 112

1- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج2، مسئله 2080؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س1624؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج2، ص58، مسئله 218. نکته: در رساله مراجع، ذیل مسئله 2080 از آیت الله تبریزی در این زمینه احتیاط مستحب نقل شده؛ ولی ما مطلب منهاج الصالحین ایشان را که احتیاط واجب است، مقدم کردیم.

2- نکته: در رساله مراجع ذیل مسئله 2080 از آیت الله تبریزی در این زمینه احتیاط مستحب نقل شده؛ ولی ما مطلب منهاج الصالحین ایشان را که احتیاط واجب است، مقدم کردیم.

3- سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص7، مسئله 7.

4- حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2108؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج3، ص276، ربا بین زن و شوهر، 4283؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج2، ص76، مسئله 233؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری





ربا بین زن و شوهری که عقد دائم خوانده اند، اشکالی ندارد؛ اما در عقد موقت حرام است. (آیت الله مکارم)

شوهر و زن دائمی می توانند از یکدیگر ربا بگیرند. (آیت الله وحید)

### **باقی ماندن ربای قرضی بین زن و شوهر بعد از طلاق**

اگر بین زن و شوهری قرض ربوی منعقد شود و سپس از هم جدا شوند ولی قرارداد این قرض همچنان ادامه داشته باشد، آیا همچنان این قرض ربوی صحیح است؟ (1)

در صورتی که قرض را تحویل گرفته، پرداخت اقساط آن مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

### **10. 5. رباگرفتن مسلمان از کافر و نه عکس آن**

#### **10. 5. 1. کفاری که در پناه اسلام نیستند؛ کفار غیر ذمی**

رباگرفتن مسلمان از کفاری که در پناه اسلام نیستند، چه حکمی دارد؟ (2)

جایز است. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام مکارم، سیستانی، وحید، بهجت، نوری و شبیری)

ربا بین مسلمان و کافر حربی بنا بر احتیاط واجب جایز نیست؛ البته پس از انجام معامله، از باب رها ساختن مال از دست کافر (استنقاذ) می تواند از او زیادی را بگیرد. (آیات عظام خوئی و تبریزی)

#### **10. 5. 2. کفاری که در پناه اسلام هستند؛ کفار ذمی**

رباگرفتن مسلمان از کفاری که در پناه اسلام هستند، چه حکمی

ص: 113

---

1- ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610130017.

2- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2080؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 58، مسئله 218؛ سید ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 54، مسئله 218؛ سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1624. نکته: نظر آیات عظام خوئی و تبریزی در رساله مراجع متفاوت بود؛ ولی ما منهاج الصالحین را مقدم کردیم.

معامله ربا با کافری که در پناه اسلام است، حرام است. البته پس از انجام معامله، اگر ربادادن در شریعت او جایز باشد، می تواند از او زیادی را بگیرد. (آیات عظام سیستانی، وحید، خوبی و تبریزی)(2)

ربا به صورت کلی حرام است؛ غیر از ربای بین پدر و فرزند و زن و شوهر و همچنین ربایی که مسلمان از کافر غیرذمی می گیرد. (امام خامنه ای)

سودگرفتن از غیر مسلمانان اشکال ندارد. (آیت الله نوری)

مسلمان می تواند از کافری که در پناه اسلام است و رباگرفتن در شریعتش جایز است، ربا بگیرد. (آیت الله شبیری)

### 10. 5. 3. رباگرفتن از بانک های غیر اسلامی

این مسئله حکم عنوان قبلی، یعنی حکم کفار غیرذمی را دارد.

### 10. 5. 4. ربادادن مسلمان به کافر یا بانک های کشورهای غیر اسلامی

ربادادن مسلمان به کافر یا بانک های کشورهای غیراسلامی چه حکمی دارد؟ در صورت جایز نبودن، چه راهی برای گرفتن وام از بانک های غیراسلامی پیشنهاد می کنید؟(3)

قرض گرفتن با قصد دادن سود حرام است؛ اگرچه اصل قرض صحیح است. فرقی بین بانک های اسلامی و غیراسلامی از این جهت نیست. (حضرت امام)

قرض گرفتن از بانک هایی که سرمایه شان به غیر مسلمانان متعلق

ص: 114

---

1- سید محمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2080؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 75، مسئله 232؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 65، مسئله 219؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 58، مسئله 219؛ نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 2، ص 472؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1624.

2- نکته درخور توجه در این مسئله این است که اصل معامله ربوی در این حالت حرام است؛ ولی اگر کسی این کار حرام را انجام داد، با توجه به قید بیان شده، مالک زیادی می شود.

3- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 6، کتاب دین و قرض، ص 541، س 7744؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2804؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، گرفتن و دادن ربا به کفار؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 2، ربا، سؤال 440.

است، چه این بانک ها خصوصی باشد و چه دولتی یا مشترک، به شرط پرداخت سود، حرام است. می توان برای رهایی از آن، مال را بدون نیت قرض از بانک گرفت و در آن تصرف کرد و نیازی به اذن حاکم شرع نیست؛ هرچند بدانند که آن ها اصل مال و سود را از او خواهند گرفت. (آیت الله سیستانی)

ربادادن به کفار و بانک های حکومت های غیراسلامی مجاز نیست؛ مگر در صورت ضرورت که نگرفتن وام از آن ها باعث عسرو حرج یا ضعف و ذلت مسلمین در آن گونه کشورها شود. (آیت الله مکارم)

گرفتن وام از بانک های خارجی که مستلزم پرداخت رباست، چه حکمی دارد؟

معامله ای که متضمن دادن ربا به کفار باشد، حرام و باطل است. (آیت الله نوری)

### **10. 6. یکسان بودن مستثنیات ربای معاملی و قرضی**

چند صورت در باب حرمت ربا استثنا شده است: بین زوج و زوجه، بین مسلم با کافر، بین پدر و پسر. آیا این حکم مختص ربای معاملی ای است یا شامل ربای قرضی هم می شود؟(1)

استثنا در ربای قرضی هم ثابت است. (حضرت امام)

در مستثنیات ربا، بین ربای معاملی و ربای قرضی فرقی نیست. (آیت الله سیستانی)

### **10. 7. تکلیفی یا وضعی بودن مستثنیات ربا**

در جایی که ربا اجازه داده شده است، مثل رباگرفتن پدر از فرزند، آیا آن

ص: 115

---

1- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 6، کتاب بیع/ ربا، ص 204، سؤال 7237؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 75، مسئله 232.

مقدار زیادی که شرط شده است، دین آور است یا فقط باعث ایجاد حکم تکلیفی می شود و رباگیرنده با نپرداختن زیادی، فقط گناه می کند، ولی دینی ندارد؟ (1)

مدیون است و باید طبق قراردادی که دارند، عمل کنند. (آیت الله مکارم)

به زیادی هم مدیون می شود. (آیت الله شبیری)

### 11. شرط کردن تخفیف یا زیادی به نفع قرض گیرنده

آیا شرط کردن زیادی در قرض به نفع قرض گیرنده جایز است؟ (2)

شرط زیادی به نفع قرض گیرنده اشکالی ندارد. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی و خویی)

نکته: حکم جایی که شرط به نفع شخص ثالث است، در مسئله بعد می آید.

### 12. شرط کردن زیادی به نفع شخص ثالث

آیا شرطی که هیچ سودی برای قرض دهنده ندارد، بلکه به نفع شخص ثالث است، در قرض جایز است؟ (3)

در حرمت اشتراط زیادی در قرض، فرقی نیست که زیادی به قرض دهنده برگردد یا به غیر او. مثلاً اگر قرض دهنده بگوید: «صد هزار

ص: 116

---

1- ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611140016؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 50121.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 12؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 319، مسئله 1016؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 197، مسئله 800؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 213، مسئله 800.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 444487؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1013؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 196، مسئله 797؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 212، مسئله 797؛ مکارم، سایت، استفتائات، شرط گذاشتن در قرض؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611210053.

تومان به تو قرض می‌دهم به شرط اینکه ده هزار تومان به فقیر صدقه دهی، یا هزار تومان در مسجد یا جلسه امام حسین (علیه السلام) صرف کنی»، جایز نیست. همچنین است اگر بر او شرط کند مسجدی را آباد کند یا مجلس عزاداری یا سوگواری برپا کند یا مانند آن کارهایی انجام دهد که هزینه مالی دارد. (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خوبی)

چنانچه منفعت به کسانی برگردد که به قرض دهنده مربوط است، چنین شرطی جایز نیست؛ چون در واقع نوعی رسیدن نفع به قرض دهنده است؛ ولی اگر شرط زیادی برای قرض دهنده نفعی نداشته باشد، بلکه منفعتی را برای مؤسسه خیریه یا مانند آن می‌طلبد، اشکالی ندارد؛ وگرنه ربا محسوب می‌شود و جایز نیست. (آیت الله مکارم)

از رهبر معظم انقلاب در این زمینه دو استفتاء در دست داریم که هر دو استفتاء با یکدیگر سؤال شده است و منتظر پاسخ هستیم:

1. آیا شرطی که هیچ سودی برای قرض دهنده ندارد، بلکه منفعت مالی آن برای شخص ثالث است، در قرض جایز است؟

جایز نیست. (امام خامنه ای)

شرط زیادی اگر برای قرض دهنده نفعی نداشته باشد، بلکه منفعتی را برای مؤسسه خیریه یا مانند آن می‌طلبد، اشکالی ندارد؛ وگرنه ربا محسوب می‌شود و جایز نیست. (امام خامنه ای)

### 13. جوایز بانک ها و مؤسسه های مالی اعتباری و صندوق ها

جایزه دادن بانک ها به افرادی که حساب قرض الحسنه دارند و دریافت جوایز توسط برندگان چه حکمی دارد؟ (1)

ص: 117

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتاء: 805913؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (9)، جوایز بانک، مسئله 24؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 303، سؤال 1989؛ ص 309، س 2004؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 2، ص 586، سؤال 1695؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص 597، مسئله 2862؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 2، احکام بانک ها، سؤال 467.

در صورتی که سپرده گذاری را به قرعه کشی مشروط نکرده باشند و بانک ها صرفاً برای تشویق آنان چنین کرده باشند، اشکالی ندارد. (آیت الله صافی)

واریزکردن پول به مقدار معین برای قرعه کشی چه حکمی دارد؟

اگر شرط کند، اشکال دارد؛ ولی اگر جنبه داعی داشته باشد، اشکال ندارد. تفاوت این دو از اینجا روشن می شود که شخص سپرده گذار برای خود حق مطالبه از بانک قائل نباشد. (آیت الله مکارم)

در صورتی که سپرده گذاران سپرده گذاری را به قرعه کشی مشروط نکرده باشند و بانک ها صرفاً برای تشویق آنان و افزایش سپرده گذاری و تشویق دیگران به گشودن حساب چنین کرده باشند، این کار جایز است و گرفتن جوایز نیز از سوی برندگان جایز است؛ ولی اگر آن بانک ها دولتی یا مشترک باشند، باید برای قبض و تصرف در آن ها از حاکم شرع اجازه گرفت. در صورتی که بانک خصوصی باشد، گرفتن جایزه و تصرف در آن جایز است و به اذن حاکم شرع نیازی نیست؛ لکن اگر سپرده گذاران سپرده گذاری خود را در ضمن عقد قرض یا مانند آن، به قرعه کشی مشروط کرده باشند و بانک در پی اجرای این شرط، دست به قرعه کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه از سوی کسی که قرعه به نامش درآمده، در صورتی که به عنوان وفای به شرط باشد، جایز نیست و بدون آن جایز است. (آیت الله سیستانی) بازکردن حساب قرض الحسنه در بانک ها به نیت برنده شدن جوایز آن ها چه حکمی دارد؟ پس اندازهای قرض الحسنه و جایزه های آن اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

اگر قرعه کشی بر بانک شرط نشود و فقط برای تشویق باشد، جایز است و می تواند جایزه را بگیرد؛ ولی اگر قرعه کشی شرط شود و بانک به جهت وفای به آن شرط قرعه بکشد، عمل قرعه کشی و گرفتن جایزه

جایز نیست. (آیت الله وحید)

اگر شرط نشده باشد، جایز است و کسی که قرعه به او افتاده، در بانک های دولتی و مشترک با اجازه حاکم شرع و در سایر بانک ها و مؤسسه های مالی اعتباری، بدون آن می تواند در جایزه تصرف کند؛ ولی اگر از روی شرط باشد و بانک در پی اجرای این شرط دست به قرعه کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه، در صورتی که به عنوان وفای به شرط باشد، جایز نیست و بدون آن جایز است. (آیت الله خویی)

گرفتن جوایز بانک ها در دو صورت افتتاح حساب مشروط به شرکت در قرعه کشی و بدون شرط، چه حکمی دارد؟

بانک ها برای افزایش افتتاح کنندگان حساب می خواهند برای جلب و تشویق آن ها، مبلغی را به عنوان هبه به آن ها بدهند؛ ولی چون نمی خواهند یا نمی توانند به همه آن ها هبه کنند، با قرعه کشی به کسانی که قرعه به نام آن ها می افتد، جایزه می دهند. جایزه نوعی هبه است؛ بر این اساس، جوایز بانک ها در هر دو صورت مذکور در فوق، اشکال ندارد. (آیت الله نوری)

## ربای قرضی در غیر مکیل و موزون

### اشاره

آیا ربای قرضی در غیر مکیل و موزون نیز محقق می شود؟<sup>(1)</sup>

در حرمت قرض ربوی، فرقی نیست بین اینکه مال قرض داده شده ربوی (مکیل و موزون) باشد یا غیر ربوی (شمردنی)، مثل گردو و تخم مرغ؛ یعنی در اموال غیر مکیل و موزون هم ربای قرضی محقق می شود. (حضرت امام و آیات عظام مکارم و صافی)

ص: 119

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 639، مسئله 9؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 1، ص 199، سؤال 673.



اگر بدون اینکه قرض دهنده در ضمن قرض شرط زیادی کند، خود بدهکار زیادتراً از آنچه قرض کرده است پس بدهد، چه حکمی دارد؟<sup>(1)</sup>

اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است. (مراجع عظام تقلید)

### قرض دادن بدون شرط زیادی، ولی با انگیزه استفاده و منفعت

اگر انگیزه و نیت قرض دهنده دریافت زیادی باشد، ولی در ضمن عقد قرض، به هیچ نحوی شرط پرداخت زیادی نشود و به پرداخت اصل قرض هم راضی باشد، حکم چنین قرضی و گرفتن زیادی آن چیست؟<sup>(2)</sup>

اگر قرض دهنده شرط زیادی نکند، قرض ربوی نیست؛ هر چند انگیزه و نیتش دریافت زیادی باشد. مثلاً علی به حسین قرض می دهد و به او می گوید: «یک میلیون تومان به تو قرض دادم و هیچ نوع زیادی ای از تو نمی خواهم»؛ اما او می داند که حسین صد هزار تومان هدیه می دهد. این قرض ربوی نیست؛ ولی چون قصد قربت نداشته، پاداش اخروی ندارد و گرفتن زیادی برای قرض دهنده خصوصاً اگر قرض دانش به این منظور باشد، مکروه است؛ بلکه اگر قرض گیرنده چیزی را به عنوان هدیه و مانند آن به او داد، برای قرض دهنده مستحب است آن را عوض طلبش حساب کند؛ به این معنی که به مقدار آن از طلبش کم کند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و صافی)

اگر شرط بهره نکند و خود را طلبکار بهره نداند، اشکالی ندارد. (آیت الله وحید)

ص: 120

---

1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2283؛ سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1758 و 1775.

2- سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 11؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1015؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

تهاتر قهري در قرض ربوي (1)

آيا تهاتر قهري، در پرداخت قرض ربوي محقق مي شود؟

به طور كلي، در صورتي كه قرض دهنده مبلغی معادل یا بیشتر از اصل قرض به عنوان ربا از قرض گیرنده دریافت کرده باشد، ذمه قرض گیرنده از بدی به قرض دهنده به تهاتر بری می شود و مقرض حق مطالبه از مقرض ندارد. (آیت الله صافی)

### حکم گرفتن قرض ربوي در صورت اضطرار

حکم گرفتن قرض ربوي در صورت اضطرار (2)

آيا دریافت وام ربوي در حال ضرورت جایز است؟

صرف توهم اضطرار مجوز شرعی برای گرفتن آن نیست؛ مگر اینکه به حدی مضطر باشد که ارتکاب حرام را مجاز کند. ولی شخص می تواند در این صورت برای اینکه مرتکب حرام نشود، پرداخت مبلغ اضافی را قصد نکند؛ هرچند بداند که آن را از او خواهند گرفت. (امام خامنه ای)

به مقدار اضطرار در فرض اضطرار مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

می تواند با راه ها و حيله های شرعی، از ربا رهایی یابد. (آیت الله بهجت)

ضرورت های متعارفی که مردم آن را ضرورت حساب می کنند، مجوز گرفتن وام ربوي نیست؛ مگر اینکه به حدی مضطر باشد که ارتکاب حرام را مجاز کند. در این صورت به مقدار دفع اضطرار جایز است. (آیت الله صافی)

### ارث بردن مالی که در آن ربا باشد

ارث بردن مالی که در آن ربا باشد (3)

تکلیف کسی که مال ربوي به ارث برده است، چیست؟

ص: 121

1- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 295، سؤال 1963.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتانات، شماره استفتا: 806131؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 295، سؤال 1962؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، حکم ربا در صورت اضطرار؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 361، سؤال 4480.

3- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 164؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 322، مسئله 1027؛ حسین وحید

خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 201، مسئله 816؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 217، مسئله 816.

اگر مالی را ارث ببرد که ربا در آن باشد، اگر مال ربوی با مال حلال مخلوط شده باشد، چیزی بر عهده اش نیست؛ ولی اگر مال ربوی معلوم باشد و صاحبش را بشناسد، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر صاحبش را نشناسد، باید با آن مانند مال مجهول المالک برخورد کند. (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خویی)

آنچه از راه ربا به دست آمده، باید به صاحبان آن برگردد و در صورت شناختن او، به فقیر صدقه داده می شود. (حضرت امام)

### حکم اصل قرضی که در آن شرط زیادی ربوی شده است

حکم اصل قرضی که در آن شرط زیادی ربوی شده است (1)

آیا اصل قرض ربوی صحیح است؟

کسی که قرض ربوی گرفته، کار حرامی کرده و باید توبه کند؛ ولی اصل قرض صحیح است و مالک آن می شود و می تواند در آن تصرف کند. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی، فاضل و خویی) نکته: آیت الله سیستانی در قرض از بانک های دولتی و مشترک، نکته ای فرموده اند که در بخش بررسی راهکارهای رهایی از ربا ذیل عنوان «قرض گرفتن از اموال بانک های دولتی و مشترک از طرف حاکم شرع» بیان شده است.

کسی که قرض ربایی گرفته (آیت الله صافی: به احتیاط واجب) مالک آن نمی شود و تصرف در آن جایز نیست؛ ولی چنانچه قرض دهنده با علم به بطلان قرض و مالک نشدن سود، راضی به تصرف قرض گیرنده باشد، به طوری که رضایت او مبنی بر این معامله باطل نباشد، تصرف قرض گیرنده در آن مال جایز است. (آیات عظام مکارم، شبیری، نوری،

ص: 122

---

1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2284؛ سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1774 و 1778 و 1781؛ محمد تقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 275، سؤال 4282.

اگر معامله ای ربوی صورت بگیرد یا قرضی ربوی انجام شود، حرمت تکلیفی و وضعی هر دو را دارد؛ یعنی از آن معامله، ملکیت حاصل نمی شود. (آیت الله بهجت)

### مطالبه زیادی پرداخت شده

مطالبه زیادی پرداخت شده (1)

آیا قرض گیرنده که اصل قرض را با زیادی به قرض دهنده پس داده است، حق مطالبه زیادی را دارد؟

قرض گیرنده حق دارد زیاده ای را که داده، مطالبه کند (آیت الله صافی: و می تواند هم به او ببخشد.) (حضرت امام و آیت الله صافی)

### حکم زیادی که در قرض ربوی گرفته شده است

حکم زیادی که در قرض ربوی گرفته شده است (2)

قرض دهنده درباره زیاده ای که در قرض ربوی گرفته است، چه تکلیفی دارد؟

باید عین یا عوض زیادی به بدهکار پرداخت شود (حضرت امام: و در صورت یأس از یافتن مالک واقعی، از طرف او به فقرا صدقه داده شود.) (حضرت امام و امام خامنه ای)

قرض دهنده مالک زیاده ای که می گیرد، نمی شود؛ ولی چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نگذاشته بودند، قرض گیرنده راضی بود که قرض دهنده در آن پول تصرف کند، تصرف او جایز است. (آیت الله سیستانی)

نکته

ص: 123

---

1- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 144، سؤال 166؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 298، سؤال 1972.

2- سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 142، سؤال 165؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 1773؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2302.

1. فقها بر حرمت وضعی گرفتن زیادی و لزوم برگرداندن آن به مالکش اجماع دارند و این دیدگاه ها صرفاً برای تصریحی که شده بود، بیان شد.

2. اگر رباگیرنده جاهل بوده است، به عنوان «حکم کسی که جاهل به حکم یا موضوع ربا بوده است» در همین نوشته رجوع شود.

## حکم چیزی که با مال به دست آمده از ربا خریده شود

### اشاره

چیزی که با مال به دست آمده از ربا خریده شود، چه حکمی دارد؟

### الف. چیزی که با عین مال ربوی خریده شود

الف. چیزی که با عین مال ربوی خریده شود (1)

اگر پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید: «این لباس را با این پول می خرم»، پوشیدن آن لباس حرام است. (2) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، فاضل، تبریزی، صافی و نوری)

اگر عوض معامله را پولی معین قرار دهد، به طوری که اگر بخواهد پول دیگری به جای آن بپردازد، حق نداشته باشد، مثل اینکه به فروشنده بگوید: «این لباس را با این پول می خرم» یا به قصد معامله با پول معینی آن را به فروشنده بدهد و فروشنده هم به همین قصد قبول کند، اگر آن پول را به قرض ربایی گرفته یا با ربا مخلوط باشد، پوشیدن آن لباس بدون احراز رضایت مالک، حرام است و به احتیاط مستحب، در آن نماز نخواند. البته غالباً فروشندگان به این راضی هستند که در برابر مالی که می فروشند، پولی به دست آورند که بر حسب ظاهر شرع، تصرف در آن جایز باشد؛ لذا معمولاً با جاهل بودن فروشنده به وضعیت پول داده شده،

ص: 124

---

1- سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 170، مسئله 796؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2286.

2- نظر مراجع عظام درباره حکم نماز خواندن در این لباس: اگر بداند پوشیدن آن حرام است، نماز هم با آن باطل است. (حضرت امام و آیات عظام نوری و صافی) اگر بداند پوشیدن آن حرام است، نماز هم با آن به احتیاط واجب باطل است. (آیت الله فاضل) نماز خواندن در آن به احتیاط مستحب باطل است. (آیت الله شبیری)

به تصرف خریدار در آن راضی هستند. (آیت الله شبیری)

نکته: نظر آیت الله خوئی در مسئله 2294 رساله ایشان و در حاشیه مسئله 2285 رساله مراجع به صورت جواز پوشیدن و نماز خواندن با این لباس آمده است؛ ولی طبق متن جلد دوم منهاج الصالحین ایشان، مسئله 796، تصرف در مالی که با عین زیادی ربوی خریده شده است، جایز نیست.

### **ب. چیزی که به ذمه خریده شود و بهای آن از مال ربوی داده شود**

ب. چیزی که به ذمه خریده شود و بهای آن از مال ربوی داده شود (1)

اگر لباسی بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با ریاست، به صاحب لباس بدهد، چنانچه موقع خرید قصدش بوده است که از این پول بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست. (حضرت امام)

اگر لباسی بخرد و بعداً از پول ربا یا از پول حلال مخلوط به ربا به صاحب لباس بدهد، لباس را مالک می شود و پوشیدن و نماز خواندن با آن اشکال ندارد. (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی، شبیری، نوری و خوئی)

اگر لباسی را به ذمه بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلال مخلوط به ربا به صاحب لباس بدهد، چنانچه موقع خرید قصد داشته از این پول بدهد، بنا بر احتیاط پوشیدن آن لباس جایز نیست و نماز خواندن در آن اشکال دارد. اگر در هنگام خرید، چنین قصدی نداشته باشد، پوشیدن آن لباس جایز و نماز در آن صحیح است (آیت الله مکارم: ولی ذمه او با مال حرام ادا نمی شود.) (آیات عظام مکارم و فاضل)

نکته: این مطلب در دو جا کاربرد دارد:

1. در مقدار مبلغ زیادی ای که قرض دهنده پس گرفته است؛

ص: 125

---

1- سیدابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 170، مسئله 796؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2286،

2. در اصل قرض ربوی از نظر مراجعی که اصل قرض را باطل می دانستند.

ولی در جایی که به هر دلیل، ولو به جهت رضایت مطلق صاحب مال به تصرف دیگری، این تصرفات جایز است، این مطلب کارایی ندارد.

### حکم محصول به دست آمده با بذر ربوی

حکم محصول به دست آمده با بذر ربوی (1)

اگر گندم یا بذر دیگری را به قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند، محصول به دست آمده از آن، مال قرض دهنده است یا قرض گیرنده؟

محصول مال قرض گیرنده است. (2) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خویی)

حاصلی که از آن به دست می آید، مال قرض دهنده است، نه قرض گیرنده. (آیات عظام مکارم، شبیری، فاضل، نوری و بهجت)

احتیاط این است که حاصلی را که از آن به دست می آید، با قرض دهنده مصالحه کنند؛ مگر اینکه قرض دهنده به تصرف قرض گیرنده راضی باشد، بی اینکه رضایت او مبنی بر معامله ربایی باشد. در این صورت، حاصل، مال قرض گیرنده است. (آیت الله صافی)

### حکم کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است

حکم کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است (3)

آیا کسی که به حکم یا موضوع ربا جاهل بوده است، مالک مال ربوی می شود؟

ص: 126

1- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2285.

2- علت این امر این است که اصل قرض ربوی از نظر این فقها در عین حرمت تکلیفی، صحیح است و از نظر وضعی، قرض گیرنده مالک می شود؛ هر چند گناه کرده است.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 777671105؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2250؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 1026؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 201، مسئله 815؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 217، مسئله 815؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 280، سؤال 4302؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معامله ربوی با جهل به موضوع.



نه، نمی شود. (امام خامنه ای)

اگر کسی به علت جهل به حکم یا موضوع ربا یا هر دو، قرض ربوی به شخصی داده و ربا گرفته است، یعنی نمی دانسته رباگرفتن حرام است، اگر چنین کسی توبه کند و تصمیم جدی بگیرد که دیگر چنین کاری انجام ندهد، آنچه را در زمان جهل به عنوان ربا از اشخاص گرفته است، مالک می شود و تصرف در آن ها اشکال ندارد. (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خویی)

اگر معامله ربوی با جهل به موضوع صورت بگیرد و بعد آشکار شود که ربا بوده است، معامله صحیح نیست. (آیت الله مکارم)

اگر با علم و عمد مرتکب ربا در بیع یا قرض شد، باید زیادی را، بلکه مجموع را در بیع ربوی، چه باقی باشد یا تلف شده باشد، به مالک آن رد کند؛ پس باید از صاحبانش تفحص کند و اگر از دسترسی مأیوس شد، از طرف آن ها رد مظالم دهد با اجازه حاکم شرع علی الاحوط. اگر مقدار مال و مالک مجهول بود، احوط و خوب تخمیس است. صورت جهل به حرمت با عذر یا بدون عذر، بنا بر احوط، مثل صورت علم و عمد است. (آیت الله بهجت)

### حکم مشارکت در پرداخت قرض ربوی با کارکردن در بانک ها و...

حکم مشارکت در پرداخت قرض ربوی با کارکردن در بانک ها و... (1)

مشارکت در پرداخت قرض ربوی چه حکمی دارد؟ آیا اگر جایی مثل بانک قرض ربوی بدهد، حقوق کسانی که در دادن این قرض مشارکت دارند و کسانی که مشارکت ندارند، حرام است؟

ص: 127

---

1- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1777؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 611397؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، سؤال 365؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص 602، بعد از مسئله 2869، کارهای بانکی؛ سیدموسی شبیری زنجانی، سایت، استفتائات، سؤال 607؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610140008.

هرکس کاری کند که به نحوی در عقد قرض ربوی یا در انجام و تکمیل آن یا در تحصیل و دریافت ربا از قرض گیرنده دخیل باشد، شرعاً حرام است و انجام دهنده آن کار، مستحق دریافت اجرت نیست. در جایی که هم درآمد حلال دارد و هم درآمد حرام، اگر کسی به کار حرام اشتغال نداشته باشد، کار کردن و دریافت حقوق مانعی ندارد. (امام خامنه ای)

اشتغال در بخش های ربوی بانک جایز نیست و باید یا شغلش را تغییر دهد یا در بخش هایی از بانک فعالیت کند که اصلاً با امور ربوی مثل قبض و اقباض ربا، ثبت و کتابت عقود ربوی و بایگانی پرونده های مشتمل بر ربا ارتباطی ندارد. (آیت الله سیستانی)

با توجه به اینکه بانک ها درآمدهای حلال نیز دارند و کارمندان بانک نمی دانند حقوقشان از کدام قسم است، گرفتن آن ها جایز است؛ مشروط بر اینکه در قسمتی که کار حرام صورت می گیرد، اشتغال نداشته باشند. (آیت الله مکارم)

اشتغال به کارهای بانکی که مربوط به معاملات ربوی است، جایز نیست و کارمندی که در این نوع کارها مشغول است، در مقابل آن نمی تواند اجرت بگیرد؛ ولی اشتغال به کارهایی که ارتباطی با معاملات ربوی ندارد و اجرت گرفتن برای آن ها جایز است. (آیت الله وحید)

اگر متصدی قرض ربوی یا جریمه دیرکرد یا مقدمه نزدیک این امور باشد، حقوق دریافتی اش حرام است. (آیت الله شبیری)

## معیار در قبول و رد راهکارهای فرار از ربای قرضی

معیار در قبول و رد راهکارهای فرار از ربای قرضی (1)

ص: 128

---

1- سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، مسئله 2753؛ ناصر مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ص 109؛ سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 752645؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 277، ص 4288 و 4296؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، ص 842؛ سیدابوالقاسم خویی، ملحقات رساله، با حاشیه آیات عظام تبریزی و نوری، مسئله 11، حاشیه 1.

معیار در قبول یا رد راهکارهای فرار از ربای قرضی چیست؟

ربای قرضی به هیچ شکل حلال نمی شود؛ لذا اگر کسی بخواهد پولی قرض کند و ربا بدهد یا قرض بدهد و ربا بگیرد و به یکی از راه هایی مذکور در بعض رساله های عملیه بخواهد از ربا فرار کند، جایز نیست و زیاده ای که می گیرد، بر او حلال نمی شود؛ پس ربای قرضی به هیچ وجه حلال نیست. (حضرت امام و امام خامنه ای)

نکته: همان طور که در ادامه خواهد آمد، حضرت امام برخی از راهکارها را می پذیرند که ظاهراً موضوعاً از بحث ربا خارج است.

حیله های فرار از ربا اقسام متعددی دارد که بعضی از آن ها جایز و برخی از آن ها غیرجایز و نادرست است:

1. حیله هایی که قصد جدی در آن وجود ندارد؛ مثل ضمیمه کردن یک قوطی کبریت به وام، یا معامله و فروختن آن به صدها برابر قیمت! این نوع حیله ها مشروع نیست.

2. حیله هایی که بر فرض قصد جدی در آن باشد، عقلایی نیست و عقلاً آن را عملی سفیهانه می دانند. این قسم نیز باطل است. 3. حیله هایی که قصد جدی در آن متصور است و سفهی هم نیست؛ اما محتوا و فلسفه حرمت ربا در آن کاملاً موجود است؛ یعنی این حیله، فلسفه تحریم ربا را از بین نبرده است. این قسم نیز باطل است.

4. حیله هایی که صورت عقلایی دارد و صورت سازی نیست؛ مانند دو معامله مستقل که هیچ ارتباطی با هم نداشته باشد. این نوع حیله و هرآنچه مانند آن است، جایز است. در واقع حیله به معنای منفی آن نیست؛ بلکه نوعی چاره جویی است. (آیت الله مکارم)

آسان ترین راه گریز از ربای قرضی به این است که در برابر سود مدنظر، معامله ای انجام دهند و در ضمن آن معامله، قرض شرط شود. نسیه بودن یا نامتعارف بودن این معامله هم اشکالی ندارد؛ مثل معامله یک خودکار

به پنجاه یا صد هزار تومان. (آیت الله بهجت)

هیچ یک از راه های فرار از ربا را که معمول است، حقیر صحیح نمی دانم. (آیت الله نوری)

## معنای فرار از ربا

حضرت امام و امام خامنه ای درباره برخی از معاملات شرعی که مؤمنان برای کسب روزی حلال انجام می دهند، حلیت آن ها را مشروط به این کرده اند که «برای فرار از ربا نباشد». مثلاً در بیع شرط، بیع عینه، بیع نقد و نسیه. در واقع فردی که این معاملات را انجام می دهد، در عین حال که قصد رهایی (فرار) از ربا را دارد، معامله را هم به صورت جدی قصد می کند؛ لذا معنای قصد فرار از ربا چندان در این مواقع واضح نیست. اگر معنای ظاهری این قید را در نظر بگیریم، امر مشکل می شود. آیا مراد همان حرف مشهور مبنی بر قصد جدی داشتن در معامله نیست؟ (1)

اگر انگیزه اش مبتلانشدن به ربا باشد و به منظور آن واقعاً معامله انجام شود و به آثار آن پایبند باشند، به نحوی که هرکس که این عمل را ببیند، بگوید در حال معامله هستید، اشکال ندارد؛ ولی اگر قصد پایبندی به آثار معامله را ندارند، صحیح نیست. تشخیص آن با خود مکلف است. (امام خامنه ای)

درباره برخی از راهکارهایی که برای رهایی از ربا مطرح می شود، می فرمایید: «اگر حیلۀ فرار از ربا باشد، حرام است.» لطفاً بفرمایید که حیلۀ فرار از ربا یعنی چه و راه شناخت آن از راهکارهای صحیح شرعی برای رهایی از ربا چیست؟ (2)

روش هایی که نتیجه اش با قرض گرفتن و پرداخت سود یکی است

ص: 130

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 833147.

2- سید موسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 50515.

و مانند ربا، به لحاظ قرارداد، سود تضمین شده به فرد می رساند، حیلۀ رباست. (آیت الله شبیری)

## بررسی راه های مطرح شده برای خلاصی از ربا در قرض

### 1. قرارداد بیع شرط؛ بیع الخيار

#### 1. قرارداد بیع شرط؛ بیع الخيار (1)

منظور از قرارداد بیع شرط این است که شخص متقاضی وام، منزل یا ماشین یا چیز دیگری را که ملک اوست یا قسمتی از آن را به وام دهنده معمولاً به قیمتی کمتر می فروشد؛ ولی شرط می کند اگر تا مدت معینی، مثلاً تا یک سال یا در تاریخ معینی، پول را برگرداند، می تواند معامله را فسخ کند.

حکم شرعی قرارداد بیع شرط را بیان کنید.

در قرارداد بیع شرط اگر فروشنده و خریدار قصد جدی (2) معامله داشته باشند، این معامله صحیح است. (مراجع عظام تقلید)

اگر بیع شرط، حيله و وسیله ای برای فرار از ربا باشد، حکم ربا را دارد و معامله باطل است. (حضرت امام)

اگر در بیع، طرفین با هم شرط کنند که اگر فروشنده در تاریخ معینی پول مشتری را پس بدهد، جنس فروخته شده مال خودش باشد، صحیح و لازم الوفاست و این را «بیع شرط» می گویند. در معامله ای که به این صورت واقع می شود، جنس فروخته شده تا تاریخ مذکور ملک مشتری است و هر نوع استفاده از آن آزاد است و حتی می تواند به خود فروشنده اجاره دهد و اگر فروشنده رأس تاریخ مقرر پول را پس بدهد، صاحب

ص: 131

---

1- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، مسئله 2126 و 2127؛ سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 71، سؤال 13 و ج 2، ص 137، سؤال 151.

2- نشانه نداشتن قصد جدی این است که او هرگز به واگذاری منزلش به این مبلغ راضی نیست و اگر یک سال سپری شود و نتواند مبلغ مزبور را تهیه کند، صدای اعتراضش بلند خواهد شد که من به واگذاری منزلم راضی نبوده و نیستم (ناصر مکارم شیرازی، بررسی طرق فرار از ربا، ص 49).

ملک خود می شود؛ ولی اگر پول را ندهد، دیگر حق رجوع ندارد و جنس فروخته شده ملک مشتری باقی می ماند. در این نوع معامله هم مثل سایر معاملات باید قصد جدی به بیع وجود داشته باشد؛ لذا معامله صوری به این نحو برای فرار از ربا باطل است و چنانچه فروشنده مطمئن باشد که اگر پول را مقداری دیرتر از موعد مقرر هم بدهد، باز خریدار جنس را به او پس می دهد، می تواند بیع شرط کند و این معنا ضرری به بیع نمی زند. (آیت الله فاضل)

## 2. اجاره به شرط تملیک

### 2. اجاره به شرط تملیک (1)

آیا می توان قرارداد اجاره به شرط تملیک را که در بانک ها یا شرکت ها و اشخاص حقوقی و گاهی بین اشخاص حقیقی صورت می گیرد، راهی شرعی برای تخلص از ربای قرضی دانست؟ اجاره به شرط تملیک عبارت است از واگذاری ملکی به اجاره ماهانه به مبلغ معینی تا مدت مثلاً ده سال یا بیست سال یا کمتر یا بیشتر با شرط ضمنی تملیک آن به مستأجر در پایان مدت اجاره مجاناً یا با دریافت مبلغ مختصری که در ضمن شرط، آن مبلغ را تعیین می کنند. چنین معامله ای شرعاً صحیح و بی اشکال است و مستأجر حق مطالبه تملیک عین مستأجره به خود را در پایان مدت اجاره دارد و اجاره دهنده شرعاً به عمل به چنین شرطی مکلف است. (امام خامنه ای)

ملکی به صورت مشارکت خرید می شود و سپس یکی از شرکا سهم خود را به شریک دیگر، اجاره به شرط تملیک می دهد؛ به طوری که بعد از پرداخت تمامی مال الاجاره که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای

ص: 132

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، آرشیو استفتانات جدید، احکام معاملات، اجاره، قرارداد اجاره به شرط تملیک؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 2، ص 294، ربای قرضی، سؤال 866؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 2، ص 312، شرکت، سؤال 17؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 1، ص 353، سؤال 1194.

آن سهم داده بود، قسمت اجاره داده شده به ملکیت مستأجر درمی آید. این نوع معامله در بانک ها و شرکت ها رایج است و اشخاص حقوقی و گاهی اشخاص حقیقی آن را انجام می دهند. آیا چنین معامله ای را می توان راهی شرعی برای تخلص از ربای قرضی دانست؟

اگر در اجاره به شرط تملیک قصد جدی باشد، مانعی ندارد و ربا محسوب نمی شود؛ ولی اگر جنبه صوری دارد و برای فرار از ربا باشد، جایز نیست. (آیت الله مکارم)

روش مذکور در سؤال مشروع است و بهتر است که به نحو شرط فعل باشد: شرط شود که بعد از پایان اقساط، موضوع اجاره به مستأجر هبه شود. (آیت الله فاضل)

نظر اسلام را درباره مسئله ذیل که در بانک ها و شرکت ها و بین اشخاص حقوقی و گاهی بین اشخاص حقیقی صورت می گیرد، بیان فرمایید: ملکی با مشارکت مدنی خریده می شود و آن را به دیگری اجاره به شرط تملیک می دهند تا پس از پرداخت مبلغ قرارداد که طبعاً بیش از مبلغی است که ملک با آن خریده شده، مال او شود.

معامله مذکور اشکال ندارد و موقعی که مدت اجاره تمام شد، بر موجر واجب است ملک را مجانی به مستأجر بدهد. (آیت الله صافی)

نکته: «تملیک به نحو شرط نتیجه» در اینجا به این معناست که ملک در پایان مدت اجاره، خودبه خود به ملکیت مشتری یا مستأجر درآید. «تملیک به نحو شرط فعل» در اینجا یعنی که مالک ملک را اجاره دهد، مشروط به اینکه در پایان مدت اجاره، مالک ملک را هبه کند یا صلح کند یا به مبلغی، به تملک مستأجر درآورد. از این دو، راه مطمئن و مورد اتفاق تملیک به نحو شرط فعل است.

### 3. بیع عینہ؛ شرط فروش جنس به خود فروشنده

#### 3. بیع عینہ؛ شرط فروش جنس به خود فروشنده (1)

مقصود از «بیع عینہ» چیست؟ حکم شرعی آن را بیان کنید.

برای این مسئله دو فرض بیان می کنیم: الف. بیع عینہ معامله ای است که فروشنده کالایش را نسیه بفروشد و در ضمن معامله، بر مشتری شرط کند که دوباره آن را نقداً به کمتر از قیمت خرید به او بفروشد؛ نیز اگر مشتری کالای فروشنده را نقداً بخرد و در ضمن معامله، بر فروشنده شرط کند که فروشنده دوباره آن را از او نسیه به بیشتر از قیمت خرید بخرد.

بنا بر احتیاط واجب، این بیع باطل است. اگر چنین معامله ای به منظور فرار از ربا باشد، جایز نیست و محکوم به بطلان است. (حضرت امام)

برخی افراد بعضی از املاک خود را به این شرط می فروشند که دوباره آن را از همان مشتری به قیمتی بیشتر از قیمتی بخرند که به او فروخته اند. آیا این بیع صحیح است؟

این نوع بیع صوری و وسیله ای برای دستیابی به قرض ربوی و حرام و باطل است. بله، اگر ملک خود را به طور جدی و به نحو صحیح شرعی بفروشند و سپس آن را به همان قیمت یا بیشتر، از مشتری نقد یا نسیه بخرند، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

معامله مذکور باطل است. (آیات عظام سیستانی، خویی و تبریزی)

در صورتی که در دو معامله جدی و جداگانه باشد، اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم)

اگر فروشنده شرط کند، معامله باطل است؛ ولی اگر مشتری شرط

ص: 134

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب البیع، القول فی النقد و النسیه، مسئله 4؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1539 و 1626؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 1، مسئله 1869 و 1919؛ سیدمحمد رضا گلپایگانی، هدایه العباد، ج 1، مسئله 1870 و 1920؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، ص 467، س 16111؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 258، س 226 و 227 و 230؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 173 و 208؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، مسئله 164 و 195؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، مسئله 164 و 195؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 252، مسئله 1025؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610140008.



کند، به احتیاط واجب باطل است. (آیت الله وحید)

معامله مذکور بنا بر مشهور باطل است. (آیات عظام گلپایگانی و صافی)

بنا بر احتیاط واجب، باطل است. (آیت الله فاضل)

بنا بر احتیاط واجب، نباید در معامله اول، معامله دوم شرط شود. (آیت الله بهجت)

ب. فروشنده کالایش را نسیه بفروشد و شرط نکند که دوباره آن را نقداً به قیمت کمتر از خرید به او بفروشد؛ به طوری که مشتری کاملاً مختار باشد کالایش را به هرکس خواست بفروشد. همچنین مشتری با فروشنده شرط نکند که فروشنده دوباره آن را نقداً به کمتر از قیمت خرید از او بخرد؛ به طوری که فروشنده کاملاً مختار باشد کالای فروخته شده را بخرد یا نخرد و بعد از معامله، خریدار همان کالا را به فروشنده اول نقد بفروشد.

این معامله اشکال ندارد. (آیات عظام سیستانی، مکارم، خویی، فاضل، وحید، صافی، گلپایگانی، تبریزی و بهجت)

این معامله اشکال ندارد؛ ولی اگر چنین معامله ای به منظور فرار از ربا باشد، جایز نیست و هر دو معامله محکوم به بطلان است. (حضرت امام)

اگر ملک خود را به طور جدی و به نحو صحیح شرعی بفروشند و سپس آن را به همان قیمت یا بیشتر، از مشتری نقد یا نسیه بخرند، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

#### 4. فروش نقد و نسیه

#### 4. فروش نقد و نسیه (1)

استفاده از معامله نقد و نسیه طبق این مثال چه حکمی دارد؟: علی به

ص: 135

---

1- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1619؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 252، مسئله 1024؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، احکام وام ها، راه حل فرار از ربا در فروش اقساطی اتومبیل.

خرید کالایی نیاز دارد؛ ولی پول لازم را ندارد و حسن پول دارد و می خواهد از آن، درآمد حلال کسب کند. آیا جایز است حسن آن کالا را نقد بخرد و با قیمت بیشتر به علی نسیه بفروشد یا خود علی را وکیل کند تا از طرف حسن آن را نقد بخرد و به خودش به صورت نسیه بفروشد؟

اگر قصد آنان حيله برای فرار از ربا نباشد و در هر دو معامله قصد جدی خرید و فروش داشته باشند، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

اگر همان طور که وکالت در خرید دارد، وکالت در فروش حتی به خودش داشته باشد، مانعی ندارد و ربا محقق نمی شود. (آیات عظام مکارم و فاضل)

## 5. گرفتن کارمزد در قرض

### اشاره

#### 5. گرفتن کارمزد در قرض (1)

آیا گرفتن کارمزد در قرض جایز است؟

پرداخت کارمزد به بانک یا صندوق قرض الحسنه برای اخذ وام، اگر به عنوان اجرت عمل قرض دادن از قبیل ثبت در دفتر و ثبت سند و سایر مخارج صندوق مانند آب و برق باشد و به سود وام برنگردد، دادن و گرفتن آن و همچنین دریافت وام اشکال ندارد. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیات عظام مکارم، (2) فاضل و شبیری)

گرفتن زیادتر از مقدار قرض داده شده به عنوان کارمزد صحیح نیست. (آیات عظام تبریزی و بهجت)

ص: 136

1- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 2، ص 297، سؤال 39؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1786؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 1، ص 197، سؤال 665؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 301، س 1984، کارمزد صندوق های قرض الحسنه؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج 1، ص 280، سؤال 1266 و 1274؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 362، سؤال 4483؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 272، سؤال 088؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 1، سؤال 576؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، ص 223، سؤال 356 و ص 229، سؤال 361؛ سیدموسی شبیری زنجان، سایت، استفتائات، سؤال 607؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

2- حکم کارمزد درباره بانک ها و معاملات بازاری فرقی نمی کند (ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 1، ص 416، سؤال 382). کارمزدهایی که اضافه بر هزینه های کارکنان و سایر هزینه های جنبی است و به جیب بانک می ریزد، ربا و نامشروع است و تغییر نام هرگز ماهیت آن را تغییر نمی دهد (ربا و بانکداری اسلامی، ص 137).

اگر قرض دهنده صاحبان سهام در صندوق یا مؤسسه یا بانک باشند یا خودِ جهت و عنوان خاص، مثل صندوق یا مؤسسه، قرض دهنده باشد، قرض به شرط دریافت کارمزد و حق الزحمه ربا و حرام است. (آیت الله سیستانی) [\(1\)](#)

افرادی که صندوق قرض الحسنه دارند، می توانند از متقاضی وام بابت کارمزد به اندازه متعارف اجراهالمثل دریافت کنند. (آیت الله نوری)

اگر پولی را که صندوق قرض می دهد، ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد، شرط مذکور ربا و حرام است؛ ولی اگر پولی که قرض داده می شود، ملک اشخاص باشد و صندوق فقط وکیل صاحبان پول و بین طرفین در وقوع معامله واسطه باشد، می تواند آنچه را برای انجام معامله هزینه می کند و همچنین حق العمل واسطه گری خود را برای اداره امور صندوق و استمرار عمل آن از قرض گیرنده دریافت کند. اگر پولی که قرض داده می شود، ملک صندوق باشد و قرض و استقراض بر عملی متوقف باشد که عرفاً مالیت دارد مثل نوشتن سند و نگهداری حساب و صندوق به درخواست قرض گیرنده، و او با شرط و الزام، به این کارها مجبور نشده باشد، قرض گیرنده باید اجره المسمی یا اجره المثل عمل صندوق و بهای اوراق را بپردازد. همچنین می توان از راه های دیگر، از جمله فروش دفترچه حساب به متقاضی وام، به طور مشروع مخارج صندوق قرض الحسنه را تأمین کرد. (آیت الله صافی)

اگر قرض به شرط کارمزد باشد، ربا و حرام است. (آیت الله وحید)

## اضافه آمدن مقداری از کارمزد

اضافه آمدن مقداری از کارمزد [\(2\)](#)

کارمزد برای مخارج صندوق گرفته می شود؛ لذا مسئولان محترم

ص: 137

---

1- درباره کارمزد در فرض بین افراد، ایشان تفصیلات متعددی داده اند (نک: رساله جامع، ج2).

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 601560.

صندوق باید طوری محاسبه کنند که کارمزد به مقدار هزینه های جاری صندوق مانند آب و برق و حقوق کارمندان باشد. حال اگر این محاسبه صورت گرفته و احیاناً مبلغی اضافه آمد، مصرف آن به نظر مسئولان صندوق بستگی دارد. (امام خامنه ای)

### راهکارهای شرعی اخذ کارمزد یا گرفتن قرضی که کارمزد دارد

آیا برای گرفتن کارمزد در قرض یا گرفتن قرض کارمزدار، راهکار شرعی وجود دارد؟<sup>(1)</sup>

اگر صاحبان سهام یا شخصیت های حقوقی مانند بانک ها و مؤسسات و صندوق های مالی، هیچ شرطی در اساسنامه صندوق یا مؤسسه یا بانک برای دریافت کارمزد ندارند و قرض گیرنده به نحو جعاله به کارمندان صندوق یا مؤسسه یا بانک می گوید: «اگر مقدمات گرفتن وامی را فراهم کنید، مبلغی حق الزحمه به شما می دهم»، این صورت اشکالی ندارد. در این فرض حق الزحمه (جُعَل) در مقابل خود قرض واقع نشده؛ بلکه در عوض مقدمات فراهم سازی قرض قرار داده شده است. اما اگر قرض گیرنده بگوید: «اگر به من قرض بدهید، مبلغی به عنوان حق الزحمه به شما می دهم»، به گونه ای که جُعَل در مقابل خود قرض واقع شود، محل اشکال خواهد بود. (آیت الله سیستانی)

نکته: با رعایت این مطلب، هم عمل فرد و هم عمل بانک، چه دولتی و چه خصوصی، جایز و شرعی است؛ ولی اگر فرد بخواهد فقط قرض خودش را تصحیح کند، درباره بانک های دولتی یا نیمه دولتی، می توانید در همین نوشته به بحث «بررسی راهکارهای رهایی از ربا»، در عنوان «قرض گرفتن از اموال بانک های دولتی و مشترک از طرف حاکم شرع» رجوع کنید.

ص: 138

---

1- سیدعلی سیستانی، استفتانات، ج 1، 223، س 356؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 189، سؤال 3987؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 302، سؤال 1985؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج 1، ص 280، سؤال 1266.

اگر معامله شرعی را بین سود و چیزی واقع کنند و ضمن آن شرط کنند که مبلغی به طرف قرض داده شود و همان مبلغ را که قرض گرفته برگرداند، بی اشکال است. (آیت الله بهجت) وام گیرنده قبل از گرفتن وام می تواند مبلغ معینی را به بانک هبه کند؛ به شرط اینکه بانک مبلغ معینی را به او وام بدهد؛ مثلاً یک هزار تومان نقد به صندوق به این شرط هبه کند که صندوق یکصد هزار تومان به او قرض الحسنه بدهد و بعد هم یک هزار تومان را به صندوق بدهد و بعد صندوق یکصد هزار تومان به او قرض بدهد. (آیت الله صافی)

راه مشروع گرفتن زیادی آن است که صاحبان سهام، دفترچه هایی مثلاً به عنوان دفترچه اقساط تهیه کنند که ارزش مالی داشته باشد و هر یک از آن دفترچه ها را به قرض گیرنده به مبلغ آن زیادی ای که می خواهند از او بگیرند، بفروشند و در ضمن این بیع شرط شود که به آن ها فلان مقدار قرض بدون بهره بدهند. دفترچه مزبور هر چند به خودی خود به آن مقدار ارزش ندارد، با شرط قرض به همان مقدار که در مقابل آن قرار داده می شود، ارزش پیدا می کند. (آیات عظام تبریزی و صافی)

## 6. دیرکرد، وجه التزام، جریمه تأخیر و خسارت تأخیر تأدیه

### تفاوت بین این عناوین

1. هر یک از این عناوین تفاوت هایی با یکدیگر دارد که در حکم شرعی آن ها تأثیرگذار است: گرفتن مبلغ اضافی به دلیل تأخیر در پرداخت دین، «دیرکرد» است. اگر دو طرف بر این مبلغ از ابتدا در ضمن عقد توافق کنند، «وجه التزام»<sup>(1)</sup> نامیده می شود. اگر این مبلغ به عنوان تعزیر در

ص: 139

---

1- «وجه التزام» مبلغی است که متعاقدین در حین انعقاد عقد به موجب توافق در ضمن همان قرارداد یا به موجب موافقت مستقلی، به عنوان میزان خسارت (مادی یا معنوی) محتمل الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد یا ناشی از تأخیر در اجرای تعهد، پیش بینی کرده و بر آن توافق کنند (قانون مدنی ایران، ماده 230 و 1889).

برابر تأخیر در پرداخت دین گرفته شود، «جریمه تأخیر» نامیده می شود. اگر کسی تعهد خود را در موعد مقرر انجام ندهد و در نتیجه این تأخیر، متعهدله متضرر شود، متعهد باید خسارات ناشی از تأخیر را جبران کند که آن را «خسارت تأخیر تأدیه» می گویند.

از آنجا که فقها این مطلب را با این شقوق بیان نکرده اند، ما مطالب ایشان را یکجا متذکر می شویم.

2. بحث ما در دیرکرد در ادای دین است که به ذمه فرد تعلق گرفته و بحث دیرکرد درباره تأخیر در انجام کار یا تحویل عین شخصی و... حکم دیگری دارد.

### حکم شرعی دیرکرد و وجه التزام و خسارت تأخیر دین

اگر وام گیرنده پرداخت وام را از مهلت مقرر به تأخیر بیندازد، گرفتن مبلغی اضافه بر اصل قرض بابت دیرکرد یا از باب وجه التزام یا جریمه دیرکرد یا خسارت تأخیر در ادای دین چه حکمی دارد؟ آیا بین بانک و غیربانک در این زمینه فرقی هست؟<sup>(1)</sup>

اگر طلبکار، چه بانک ها و چه غیر آن ها، برای تأخیر بدهکار چیزی از او بگیرد، حرام است؛ اگرچه بدهکار به آن راضی شود. شرط و توافق طرفین بر دیرکرد در ضمن عقد نیز باطل و گرفتن زیادی ربا و حرام است. (حضرت امام)

ص: 140

---

1- سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، مسئله 2706؛ سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 294، س 34؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1772؛ سیستم مدیریت سایت دفتر رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، شماره استفتا: 825812715 و 556888؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، اموربانکی، جریمه دیرکرد، دریافت جریمه و خسارت تأخیر توسط بانک؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 1، ص 196، سؤال 658 و ص 196، س 663؛ ناصر مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، ص 150؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 306، سؤال 1184؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 305، سؤال 1995؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 191، سؤال 3994 و 3995 و ص 360، سؤال 4472 و ص 363، سؤال 4484؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2779 برای رهایی از ربا...، مورد 3؛ سیدعلی سیستانی، استفتانات، ج 1، سؤال 357؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 273، سؤال 1093 و ص 306، سؤال 1184 و 1186؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 1، سؤال 588 و ج 2، سؤال 467؛ سیدموسی شبیری زنجان، سایت، استفتانات، سؤال 628 و استفتای شخصی، سؤال 50145؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

درباره دریافت مبلغ مازاد بر اصل دین و قرض، دو فرض کلی وجود دارد:

1. دریافت مبلغ مازاد، به دلیل تأخیر در ادای دین و قرض است. این مبلغ یا به عنوان دیرکرد یا خسارت (هر نوع خسارت) تأخیر تأدیه دریافت می شود یا به دلیل تقاضای مدیون برای مهلت بیشتر به منظور ادای دین. در این دو صورت، دریافت مبلغ مازاد حکم ربا را دارد و حرام است.

2. دریافت مبلغ (مقدار مبلغ تابع توافق طرفین است) به دلیل تخلف از شرطی است که هنگام انعقاد عقد (قرض، بیع، اجاره یا تسهیلات دیگر) در عقد شرط شده است مبنی بر اینکه اگر مشروطاً علیه در موعد مقرر به شرط عمل نکنند، باید فلان مبلغ را به مشروطاً له پردازد؛ اعم از اینکه «مشروطاً» انجام دادن عمل باشد یا پرداخت مبلغ بابت ثمن معامله، اجاره ماهانه، ادای قرض و... . پرداخت این مبلغ به دلیل دیرکرد در ادای دین نیست؛ لذا مقدار آن تابع مقدار زمان تأخیر نیست و گاهی اساساً به تأخیر ادای دین مربوط نیست و مثلاً به دلیل تحویل ندادن کالا است. در این فرض، شرط صحیح است و عمل به آن لازم. جریمه مصوب در شورای نگهبان درباره عملیات بانکی نیز از این نوع است؛ هرچند ممکن است این قانون به درستی انجام نشود. (امام خامنه ای)

جریمه دیرکرد هرگاه به عنوان یک قانون بانکی، طبق محاسبه سود پول اعمال شود، نوعی رباخواری و حرام است و اگر تعزیر در برابر تأخیر در پرداخت دین باشد (در فرض عدم اعسار)، مبلغ آن جریمه متعلق به بیت المال است نه سیستم بانکی و اگر به صورت شرط ضمن عقد درآید و به وام گیرندگان تفهیم شود و آن ها موافقت کنند، ممکن است مشروع باشد.<sup>(1)</sup> در این صورت نیز سزاوار است انصاف را رعایت کنند. همچنین

ص: 141

---

1- اگر شرط ضمن عقد باشد، اشکالی ندارد؛ ولی نباید به این صورت باشد که در صورت تأخیر، سود پول را بگیرد (ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، شرط جریمه دیرکرد در معاملات).

خسارت دیرکرد، ربا و حرام است؛ مگر اینکه آن را در ضمن عقدی خارج لازم شرط کنند. همچنین اگر فاصله زمانی و تورم خیلی زیاد باشد، به طوری که پرداختن مبلغ مزبور عرفاً ادای دین محسوب نشود، باید به حساب امروز پردازد یا مصالحه کنند. (آیت الله مکارم)

هر نوع جریمه ای در ازای تأخیر در پرداخت دین و بدهکاری که در ذمه مدیون است، جایز نیست. فرقی ندارد که این بدهی بابت قرارداد قرض الحسنه یا تسهیلات یا غیر آن باشد؛ همچنان که فرقی ندارد جریمه مذکور در ضمن قرارداد شرط شده باشد یا شرط نشده باشد. تغییر نام آن به «خسارت تأخیر تأدیه» یا «وجه التزام»، آن را حلال نمی کند. (آیت الله سیستانی)

اگر وام گیرنده پرداخت وام را از مهلت مقرر به تأخیر بیندازد، گرفتن مبلغی اضافه بر اصل قرض بابت دیرکرد یا از باب وجه التزام یا جریمه دیرکرد یا خسارت تأخیر در ادای دین، چه حکمی دارد؟ آیا بین بانک و غیربانک در این زمینه فرقی هست؟

جایز نیست و فرقی نمی کند. (آیت الله وحید)

گرفتن جرایم دیرکرد اقساط جایز نیست؛ مگر اینکه در ضمن عقد شرط شده باشد و برای مهلت و تأخیر در مطالبه نباشد. (آیت الله صافی) دریافت دیرکرد توسط بانک های دولتی و ادارات دولتی چه حکمی دارد؟

گرفتن دیرکرد و خسارت تأخیر ادای دین مطلقاً جایز نیست و بین بانک و غیربانک هم فرقی نیست؛ ولی شرط پرداخت خسارت در ضمن عقد لازم، در صورتی که مقدر طرف باشد و حدود آن تقریباً معین شود، ظاهراً بی اشکال است و اخذ آن در این فرض مانعی ندارد. (آیت الله فاضل)

دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در بانک و غیر آن، حتی در صورتی که در ضمن عقد هم شرط شود، حرام و رباست. (آیت الله بهجت)

گرفتن پول در برابر تأخیر از موعد مشروع نیست؛ ولی در خسارتی



که بانک‌ها در مقابل تأخیر در پرداخت دین می‌گیرند، در صورتی که طبق مقررات مربوط به بانک‌ها عمل شود، باید خسارت پرداخت شود. (آیت الله نوری)

به طور کلی، دریافت هرگونه پول به هر عنوان و اسمی بابت تأخیر در ادای دین، حرام است. بلکه، در صورت کاهش فاحش ارزش پول، طرفین باید مصالحه کنند. (آیت الله شبیری)

### اخذ دیرکرد یا خسارت تأخیر از کفار

آیا اخذ دیرکرد از کفار جایز است؟ (1)

درباره کفاری که اموالشان برای ما حلال است، مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

گرفتن خسارت تأخیر از کفاری که خود به پرداخت آن ملتزم هستند و نیز کفار حربی مانعی ندارد. (آیت الله فاضل)

گرفتن خسارت دیرکرد از کافر حربی، هرچند خسارت تأخیر را شرط نکنند، به لحاظ ربا اشکال ندارد. (آیت الله بهجت)

### راهکار اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد

راهکار شرعی اخذ وامی که شرط دیرکرد دارد چیست؟ (2)

اگر قرض یا تسهیلات اعطایی مثل جعاله، شروط ربوی مثل دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه داشته باشد، دریافت آن از بخش خصوصی در کشورهای اسلامی مطلقاً جایز نیست؛ (3) اما در بخش‌های دولتی یا مشترک در کشورهای اسلامی،

ص: 143

---

1- ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، اخذ خسارت تأخیر از کفار؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 306، س 1185؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 359، مسئله 4467.

2- سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، سؤال 357.

3- در کتاب استفتائات آیت الله سیستانی، جلد 1، سؤال 354، در این زمینه برای تسهیلات راه حلی بیان شده است که ظاهراً شامل بانک‌های خصوصی نیز می‌شود.

چون اموالشان در حکم مجهول المالک است، راه حل اصلاحی برای متقاضی وام به شرح زیر است: فرد فرم های مربوط را به شکل صوری امضا می کند و انعقاد جدی عقد قرض یا تسهیلات مرتبط را با بانک قصد نمی کند و سپس مبلغ مذکور را به عنوان اموالی که در حکم مجهول المالک است، از حاکم شرع بدون هیچ سودی و به صورت قرض الحسنه قبول می کند و به حاکم شرع به همان مبلغ دریافتی، بدهکار می شود. در این صورت، اگر اقساط قرض الحسنه مذکور را به مؤسسه دولتی یا مشترک واریز کنند، در ادای دین کافی است و دادن سود اضافی که بانک یا مؤسسه یا صندوق به اجبار از او می گیرد، برای او جایز است و دریافت آن برای بانک یا مؤسسه یا صندوق نامشروع است. اجازه مذکور مشروط به این است که آن را برخلاف قانون بانک یا مؤسسه یا صندوق مصرف نکند. همچنین اگر کسی از ربوی بودن قرض یا تسهیلاتی که از بخش دولتی یا مشترک دریافت و خرج کرده است مطلع نباشد، می تواند برای تصحیح آن به نمایندگان این جانب مراجعه کند. (آیت الله سیستانی)

## 7. قرض به شرط تخفیف در بیع و اجاره و... و عکس آن

### 7.1. قرض دادن به شرط تخفیف در بیع، اجاره، صلح یا هبه

آیا جایز است فردی مالی را به دیگری قرض بدهد و با او شرط کند که چیزی را به کمتر از قیمت به او بفروشد یا به کمتر از اجرت به او اجاره دهد؟<sup>(1)</sup>

این شرط، داخل در شرط زیادی و رباست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، صافی، تبریزی، خوبی و بهجت)

ص: 144

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، القول فی القرض، مسئله 10؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1014؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 2، ص 297، سؤال 869؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله 1768؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 197، مسئله 798؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 213، مسئله 798؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 300، سؤال 1165؛ سیدعلی خامنه ای، سایت، آرشیو استفتائات جدید، احکام معاملات، اجاره، اجاره به شرط قرض؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1902.

قرض به شرط اجاره و اجاره کامل رباست. همچنین قرض به شرط پرداخت زیادی و سپس مصالحه آن، ربا و حرام است. (امام خامنه ای)

هرگاه در مقابل وامی که داده است، قرارداد تخفیف داشته باشد، ربا و حرام است و همچنین حيله های ربا که قصد جدی در آن نیست؛ مثل آنچه در میان بعضی معمول است که وامی را به کسی می دهند و بعد سود آن را که مبلغ هنگفتی است، با یک سیر نبات مصالحه می کنند. چنین معامله ای باطل و بی اساس است و مبلغ اضافی، ربا محسوب می شود. (آیت الله مکارم)

قرض به شرط تخفیف در اجاره رباست. (آیت الله فاضل)

## 7.2. بیع، هبه، اجاره و صلح به شرط قرض دادن

### 7.2.1. شرط قرض در ضمن بیع

#### اشاره

### 7.2.1. شرط قرض در ضمن بیع (1)

آیا جایز است وام گیرنده به وام دهنده مالی را به کمتر از قیمتش بفروشد و با او شرط کند که مبلغ معینی به او قرض بدهد؟

اشکالی ندارد. (حضرت امام و آیات عظام مکارم، وحید، صافی، تبریزی، خویی، بهجت و فاضل)

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

### نسیه بودن یا غیر متعارف بودن بیعی که در ضمنش شرط قرض شده

نسیه بودن یا غیر متعارف بودن بیعی که در ضمنش شرط قرض شده (2)

اگر برای رهایی از ربا، معامله ای شرعی مثل بیع انجام شود و در ضمن

ص: 145

---

1- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، القول فی القرض، مسئله 10؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 318، مسئله 1014؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 279، سؤال 4296؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2849؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 197، مسئله 798؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 213، مسئله 798.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 777671105؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 279، سؤال 4296؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص 588، مسئله 2849؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج

2، ص 459، المصارف و البنوک؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (1)، سپرده گذاری و قرض گرفتن، بعد از مسئله 2797،  
1؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 302، سؤال 1985؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج 1، ص 280، سؤال  
1266؛ سیدموسی شبیری زنجان، سایت، استفتائات، سؤال 652؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد؛ ناصر  
مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610150011.

آن قرض دادن چیزی شرط شود، آیا این معامله اگر نسیه یا غیر متعارف و غیر معمول باشد، اشکالی ندارد؟ مثل معامله یک خودکار به پنجاه یا صد هزار تومان.

خیر، اشکال ندارد. (آیت الله بهجت)

اگر نسیه باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر سفهی باشد، باطل است. (آیت الله وحید)

اگر قصد جدی در معامله باشد، مانعی ندارد و ربا محسوب نمی شود؛ ولی اگر جنبه صوری دارد و ظاهراً برای فرار از ربا باشد، جایز نیست. (امام خامنه ای و آیت الله مکارم)

می تواند کالایی را به نسبت معینی مثلاً 10 یا 20 درصد گران تر از قیمت بازار بخرد یا به کمتر از قیمت بازار به نسبت معینی بفروشد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی قرض دهد. (آیات عظام وحید و خویی)

اگر کسی در یک معامله مُحاباتی (فروش به کمتر از قیمت یا خرید به گران تر از آن) شرط کند که در ادای دین به او مهلت دهد، خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب، اجتناب از آن است. (آیت الله سیستانی)

جایز است خریدار جنس کم ارزشی به قیمت گران و غیر عادی بخرد؛ به شرطی که فروشنده مبلغی وام به صورت قرض الحسنه در اختیار او بگذارد. (آیت الله شبیری)

آیات عظام تبریزی و صافی در بحث کارمزد می فرمایند: راه مشروع گرفتن زیادی این است که صاحبان سهام مثلاً به عنوان دفترچه اقساط، دفترچه هایی تهیه کنند که ارزش مالی داشته باشد و هریک از آن دفترچه ها را به قرض گیرنده به مبلغ آن زیادی که می خواهند از او بگیرند، بفروشند و در ضمن این بیع، شرط شود که به آن ها فلان مقدار قرض بدون بهره بدهند. دفترچه مزبور هر چند به خودی خود به آن مقدار ارزش ندارد، با شرط قرض به همان مقدار که در مقابل آن قرار داده می شود، ارزش پیدا می کند. (آیات عظام تبریزی و صافی)

## 7. 2. 2. شرط قرض در ضمن اجاره

### 7. 2. 2. شرط قرض در ضمن اجاره (1)

آیا جایز است وام گیرنده به وام دهنده چیزی را به کمتر از قیمتش اجاره دهد و با او شرط کند که مبلغ معینی به او قرض بدهد؟ هر نحو معامله که برای فرار از ربا باشد، محکوم به حکم ربا و باطل است. کم کردن مبلغ اجاره به حساب پول قرض ریاست؛ مگر اینکه شرط قرض در ضمن اجاره باشد که در این صورت اشکال ندارد. (حضرت امام)

اجاره به شرط قرض (آیات عظام مکارم، صافی، فاضل و شبیری: ولو مبلغ اجاره مقدار کمی باشد)، اشکالی ندارد. (آیات عظام مکارم، صافی، فاضل، وحید، تبریزی و شبیری)

در صورتی که در ضمن اجاره، شرط قرض کرده باشد و معامله متعارف باشد، اشکالی ندارد. (آیت الله بهجت)

اجاره به شرط قرض صحیح است، مشروط به اینکه اجاره به اندازه ای کم نباشد که عرفاً اجاره صدق نکند. (امام خامنه ای)

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

## 7. 2. 3. شرط قرض در ضمن صلح

### 7. 2. 3. شرط قرض در ضمن صلح (2)

شخصی که می خواهد وامی با مدت معینی بگیرد، آیا می تواند بر سر مبلغی با وام دهنده صلح کند و در ضمن آن مصالحه، وام مزبور را شرط کند؟ مثلاً بگوید: «50 هزار تومان با تو صلح می کنم، به شرط اینکه 200 هزار

ص: 147

1- سیدعلی خامنه ای، سایت، آرشیو استفتانات جدید، احکام معاملات، اجاره، اجاره به شرط قرض؛ سیدعلی خامنه ای، سایت، پرسش های متداول، رهن، س 290؛ سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج 2، ص 136، س 149؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص 375، مسئله 1975؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج 2، ص 164، سؤال 760؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 277، سؤال 1107؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 1، ص 358، سؤال 1205؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، ص 367، مسئله 1834؛ سیدموسی شبیری زنجانی، سایت، استفتانات، س 20566؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (1)، سپرده گذاری و قرض گرفتن، بعد از مسئله 2797، 1؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله 2849.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 236333779؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 302، س 1169؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 360، سؤال 4474؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (1)، سپرده گذاری و قرض گرفتن، بعد از مسئله 2797، 1؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، 2849؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 1، ص 199، سؤال 672؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 300، سؤال 1977.

تومان ده ماهه به من قرض بدهی» و او هم این صلح را قبول کند؟

اگر قصد اصلی، قرض با سود باشد و برای فرار از ربا صلح یا هبه انجام شود، جایز نیست. (امام خامنه ای)

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیات عظام سیستانی و مکارم)

اشکالی ندارد. (آیات عظام صافی، بهجت، فاضل و وحید)

## **7. 2. 4. شرط قرض در ضمن هبه؛ هبه مشروط به قرض**

شرط قرض در ضمن هبه چه حکمی دارد؟(1)

اگر قصد اصلی، قرض با سود باشد و برای فرار از ربا صلح یا هبه انجام شود، جایز نیست. (امام خامنه ای)

بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

این کار نوعی قرض الحسنه است و مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

هبه به شرط قرض صحیح است. (آیت الله وحید)

## **8. فروش اسکناس نقد به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه**

### **اشاره**

فروش اسکناس های هم جنس یا غیرهم جنس به مبلغ بیشتر به صورت نسیه چه حکمی دارد؟ مثل فروش 100 هزار تومان نقد به 120 هزار تومان نسیه یک ساله، یا فروش 100 دلار نقد به 500 هزار تومان یک ساله.

### **الف. فروش اسکناس های هم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه**

الف. فروش اسکناس های هم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه (2)

ص: 148

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 236333779؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، سؤال 356؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (1)، سپرده گذاری و قرض گرفتن، بعد از مسئله 2797، 1؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، 2849؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610150011.

2- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 367، س 1602؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله

2075 و 2845؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج 1، ص 245، س 1158 و ص 480، سؤال 2105؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (13)، تنزیل برات؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 1، ص 199، سؤال 674؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 1، ص 313، سؤال 1087 و 1090؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج 3، ص 199، س 4022 تا 4026؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 1، ص 574.



چنین معامله ای حرام و باطل است. (حضرت امام و آیت الله خوئی)

در صورتی اشکال ندارد که معامله مذکور به قصد جدی و با غرض عقلایی باشد؛ مثل اینکه اسکناس ها از نظر کهنه و نو بودن با یکدیگر فرق داشته یا علامت های مخصوص داشته باشد یا نرخ آن ها با یکدیگر متفاوت باشد؛ ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است. (امام خامنه ای)

اشکالی ندارد. (آیات عظام بهجت و فاضل (1))

به احتیاط واجب، صحیح نیست. (آیات عظام سیستانی و مکارم)

جایز نیست. (آیات عظام نوری و تبریزی)

خرید و فروش اسکناس به مبلغ بیشتر، با قصد جدی در معامله و با غرض عقلایی، (2) به نقد یا نسیه مانعی دارد. (آیت الله صافی)

### **ب. فروش اسکناس های غیرهم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه**

ب. فروش اسکناس های غیرهم جنس به مبلغ بیشتر، به صورت نسیه (3)

معاوضه نسیه اسکناس با اسکناس به زیاده یا کم، در صورتی بی اشکال است که زیاده و کم به حساب مدت نسیه نباشد. (حضرت امام)

در صورتی اشکال ندارد که معامله مذکور، به قصد جدی و با غرض عقلایی باشد؛ مثل اینکه اسکناس ها از نظر کهنه و نو بودن (4) با یکدیگر فرق داشته یا علامت های مخصوص داشته باشد یا نرخ آن ها با یکدیگر

ص: 149

1- چون اسکناس از معدودات است نه از مکیل و موزون، ربای معاوضی در آن جریان ندارد (محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 257، سؤال 1036).

2- مثال برای غرض عقلایی عرفی: شخصی که اسکناس ده هزار تومانی دارد و پول خرد نیاز دارد، اسکناسش را به کمتر از مبلغش بفروشد یا اگر به یک اسکناس ده هزار تومانی نیاز دارد، آن را به یازده هزار تومان بخرد.

3- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 367 س 1602؛ سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، مسئله 2707؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2075؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص 469، مسئله 2341 و 2864؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (13)، تنزیل برات؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 199، س 4022 تا 4026؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 1، ص 199، سؤال 674.

4- خرید و فروش سکه (پول فلزی) به قیمتی بیشتر از مبلغ آن ها برای استفاده در مکالمات تلفنی و مانند آن، اشکال ندارد. (سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س 1604).

متفاوت باشد؛ ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است. (امام خامنه ای)

اشکالی ندارد. (آیات عظام سیستانی، وحید، خوبی و بهجت)

خرید و فروش ارزهای مختلف، مثل مبادله دلار با تومان، صحیح است؛ ولی اگر برای فرار از ربا مقداری از اسکناس نقد را با مقدار بیشتری به صورت نسیه و مدت دار بفروشند، بی آنکه تفاوت اسکناس ها مدنظر باشد، این کار در واقع نوعی وام ربوی است و به احتیاط واجب، جایز نیست. (آیت الله مکارم)

## 9. محاسبه تورم و کاهش ارزش پول

### اشاره

#### 9. محاسبه تورم و کاهش ارزش پول (1)

درباره مهریه، آیا همان مقدار که موقع ازدواج ذکر شده، معتبر است یا باید به میزان ارزش روز داده شود؟

مقدار مهریه همان است که در عقد قرارداد شده و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید، تغییر پیدا نمی کند. (حضرت امام) (2)

در صورت تورم و کاهش ارزش پول، بنا بر احتیاط واجب باید مصالحه کنند. حتی در صورتی که بدهکار کوتاهی نکرده باشد، باز هم احتیاط در مصالحه است؛ مثل جایی که طلبکار مطالبه نمی کرده یا در دسترس نبوده است. (3) (امام خامنه ای)

در صورتی که کاهش ارزش پول بسیار فاحش بوده است، بنا بر احتیاط

ص: 150

1- لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 296، سؤال 14 1965؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1762 و 1816 و 1873 و 1876 و 2089؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، مسئله 347؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج 2، ص 295، سؤال 868؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، محاسبه تورم در پرداخت دستمزد معوق و محاسبه نرخ تورم در مهریه علی رغم عدم مطالبه قبلی زوجه؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 304، سؤال 1176 و 1177؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 278، س 4291؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج 1، ص 279، سؤال 1263؛ سیدموسی شبیری زنجانی، سایت، استفتائات، سؤال 686؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 49006؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30686.

2- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج 3، ص 183، سؤال 17.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 134360739.

واجب مصالحه کنند. (آیت الله سیستانی)

اگر بدهکار در پرداخت بدهی خود کوتاهی کرده باشد یا مانعی برای دریافت بوده مثل مهریه زن که گرفتنش معمولاً موجب کم ارزشی زن می شود، و به قدری گذشته که تفاوت تورم زیاد است، باید با توجه به نرخ متوسط تورم کل اجناس که هر سال بانک مرکزی اعلام می کند، [\(1\)](#) بدهی را بپردازد. در غیر این صورت، گرفتن زیادی، ربا و حرام است. (آیت الله مکارم)

اگر قرض دهنده مطالبه می کرده و قرض گیرنده با قدرت بر ادا، مسامحه می کرده است، باید ضرر قرض دهنده را از این جهت جبران کند و احتیاط [مستحب] این است که با هم مصالحه کنند؛ وگرنه همان مبلغ سابق پرداخت شود. (آیت الله صافی) [\(2\)](#)

آیا نرخ تورم در دیون و مطالبات ربا در نظر گرفته می شود؟

اگر تفاوت فاحش است، بنا بر احتیاط مصالحه کنند. (آیت الله بهجت)

بدهکار باید در کاهش فاحش ارزش پول با طلبکار مصالحه کند؛ حتی در صورتی که بدهکار کوتاهی نکرده باشد؛ مثل جایی که طلبکار مطالبه نمی کرده یا در دسترس نبوده است. (آیت الله شبیری)

### چند استفتا از آیات عظام نوری، تبریزی و فاضل

اگر فردی چیزی قیمی یا مثلی را قرض کند و در وقت پس دادن، ارزش یا قیمت مال تفاوت فاحشی کرده باشد، در این صورت اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی کرده باشد، آیا باید این اختلاف قیمت و اختلاف ارزش را جبران کند؟ اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی نکرده باشد،

ص: 151

1- در محاسبه تورم، تورم متوسط اجناس مختلف را در نظر می گیرند؛ هرچند تورم آن جنس بیشتر یا کمتر باشد (ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، معیار محاسبه تورم).

2- سؤال این است: شخصی 55 سال پیش از شخص دیگری 200 تومان قرض الحسنه گرفته و تاکنون موفق نشده که قرض را ادا کند. در این مسئله تکلیف این شخص چیست؟ دستور بفرمایید که آیا همان مبلغ دریافت شده را باید داد یا خیر؟

آیا باید این اختلاف قیمت یا اختلاف ارزش را جبران کند؟

اگر شیء قرض شده مثلی باشد، مثل آن پرداخت می شود و اگر قیمی باشد، باید قیمت آن در یوم الاداء پرداخت شود. (1) (آیت الله نوری) مهریه خانمی بیست سال پیش ده هزار تومان بوده است و اکنون شوهر قصد پرداخت مهریه را دارد. آیا پرداخت همان ده هزار تومان کفایت می کند یا باید به نرخ روز حساب شود یا حکم دیگری دارد؟

اگر زن مهریه را سابق مطالبه کرده و مرد با وجود توان، در پرداخت آن کوتاهی کرده است، ضامن کاهش ارزش پول مهریه است. (2) (آیت الله نوری)

پولی سالیان پیش قرض داده شده است. آن زمان با آن مبلغ می شد یک ماشین خرید. اکنون که ارزش ریال کم شده، پول آن اندازه ارزش ندارد. آیا الان همان مبلغ باید برگردانده شود؟

بیش از آن مقدار که قرض کرده، لازم نیست ادا کند. (آیت الله تبریزی)

در حال حاضر که ارزش و قدرت خرید اسکناس هر روز کمتر می شود، نظر خود را در کیفیت ادای دین یا مضمون به بیان فرمایید.

در جایی که ذمه شخص به مثلی مشغول شده، همان مثل را مدیون و ضامن است و در جایی که قیمی به ذمه تعلق گرفته، قیمت را ضامن است و کم و زیاد شدن قدرت خرید، یا گران شدن و ارزان شدن، مغیر تکلیف و ذمه نمی شود. البته در قیمیات لازم است همان قیمت روز ادا را بپردازد.

شخصی که ده سال پیش مبلغی را به دیگری قرض داده، آیا جایز است به دلیل تورم، پول زیادتری بگیرد؟

جایز نیست. (آیت الله فاضل)

ص: 152

---

1- حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30686.

2- حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 31272.

## شرط جبران کاهش ارزش پول، در ضمن عقد

شرط جبران کاهش ارزش پول، در ضمن عقد (1)

در زمان تورم، آیا در ضمن عقد قرض یا در ضمن عقد خارج لازم دیگر، شرط جبران کاهش ارزش پول جایز است؟

مشروعیت شرط به نحو مذکور محرز نیست. (امام خامنه ای)

اگر دائن و مدیون در اول قرض الحسنه شرط کنند که مدیون در بازپرداخت دین، مبلغی را ادا کند که قدرت خریدی معادل مبلغ فعلی قرض الحسنه داشته باشد، شرط مذکور نافذ نیست و همان مبلغی را که قرض گرفته، ضامن است و قدرت خرید پول در این مسئله اثر ندارد. (حضرت امام و آیت الله فاضل)

اگر در عقد خارج لازم دیگری باشد، مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

جایز نیست. (آیات عظام شبیری و نوری)

## 10. قرض به شرط رهن و اجرت نگهداری رهن

بانک یا صندوق یا دو فرد قراردادی می بندند که طبق آن فرد متقاضی وام قرض الحسنه، مقداری طلا یا چیز دیگری نزد بانک یا فرد قرض دهنده گرو بگذارد و وام را بدون هیچ سودی بگیرد؛ ولی در مقابل نگهداری طلا، مقداری اجرت از قرض گیرنده دریافت کند. آیا چنین قراردادی از لحاظ شرعی صحیح است؟ در صورت صحت، آیا لزوماً مقدار اجرت نگهداری طلا یا مال مرهونه باید به مقدار متعارف باشد یا تعیین مقدار بیشتر با تعیین طرفین بی مشکل است؟ (2)

اگر در ضمن قرض شرط شود که قرض دهنده برای نگهداری طلا اجیر

ص: 153

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 134360739؛ سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج6، کتاب دین و قرض، ص502، سؤال 7677؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، معاملات، قرض، شرایط قرض، شرط جبران کاهش ارزش پول در قرض ضمن عقد خارج لازم؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص305، سؤال 1181؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج2، اسکناس، سؤال 446؛ سیدموسی شبیری زنجانی، سایت، استفتانات، سؤال 686.

2- سیستم مدیریت سایت دفتر رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 823899803؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 30963.

شود، در این صورت قرض همراه با نفع می شود و اشکال دارد؛ اما اگر طرف مقابل را برای نگهداری طلا به صورت جدی اجیر کند و در ضمن آن شرط کند که مقدار معینی قرض به او بدهد، مانعی ندارد. البته صورت اجاره باید معقول باشد. (امام خامنه ای)

اشکال دارد. (آیت الله نوری)

بانک کارگشایی مقداری طلا می گیرد و مبلغی پول می دهد و سالانه هم به عنوان حق نگهداری طلا، مبلغی پول می گیرد. آیا این کار حلال است؟<sup>(1)</sup>

هرگاه عقود شرعی را رعایت کنند، مانعی ندارد. (آیت الله مکارم)

## 11. قرض دادن طلا برای حفظ ارزش پول

شخصی مقداری طلا به بنده قرض داده است تا برای رفع حواجی خود، آن را به پول تبدیل کنم و در هنگام پس دادن، به همان مقدار طلا یا معادل آن، پول به او بازگردانم تا او هم ضرر نکند. این کار چه حکمی دارد؟<sup>(2)</sup>

اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم)

مال قرض گرفته شده اگر مثلی باشد، وفا و پرداخت آن به پرداختن مثل آن است؛ هرچند قیمت آن تغییر کرده باشد. این همان وفایی است که متوقف بر رضایت دو طرف نیست. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی،

ص: 154

---

1- ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، معاملات، مشاغل، احکام معامله طلا و نقره، وام با ضمانت طلا و دریافت کارمزد بابت حق نگهداری طلا.

2- ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، معاملات، قرض، شرایط قرض، قرض دادن طلا؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله، ج 2، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 14؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2240؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 195، مسئله 792؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، ج 2، ص 95، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، مسئله 8 و 13؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 211، مسئله 792؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص 488، مسئله 2289؛ محمدفاضل لنکرانی، توضیح المسائل، ص 395، مسئله 1717؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ج 1، ص 304، سؤال 1176؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، مسئله 2275؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، ص 364، مسئله 1819.

وحید، صافی، تبریزی، فاضل، نوری، بهجت، خوبی و شبیری)

## 12. قرض گرفتن به شرط رهن دادن ملک و اجاره مجدد آن

آیا جایز است مکلف مبلغ معینی را تا مدتی از شخصی قرض کند و ملک خود را به سبب قرض، نزد او گرو بگذارد و سپس همان خانه را از مُرتهن به مبلغ معین و برای مدت مشخصی اجاره کند؟(1)

علاوه بر اشکالی که در اجاره کردن ملک توسط مالک آن وجود دارد، این قبیل معاملات، حيله برای دستیابی به قرض ربوی بوده، شرعاً حرام و باطل است. (امام خامنه ای)

## 13. نپذیرفتن شرط زیاده یا سایر شروط ربوی، به طور جدی در قرض

13. نپذیرفتن شرط زیاده یا سایر شروط ربوی، به طور جدی در قرض (2)

آیا گرفتن قرض ربوی با قبول نکردن شرط زیاده به طور جدی و تنها قبول آن به شکل غیرجدی جایز است؟

کسانی که می خواهند از بانک ها یا غیر آن ها قرض بگیرند و دهنده بدون ربا قرض نمی دهد، جایز است اصل قرض را قبول کنند و شرط را در واقع و به طور جدی قبول نکنند (آیت الله صافی: به شرطی که بدانند در این صورت هم متصدیان امر به چنین تصرفی در آن پول راضی هستند) و در این صورت این قرار صوری حرام نیست؛ بنابراین اصل قرض صحیح است و شرط باطل و مرتکب حرام هم نشده اند؛ اگرچه بدانند که بهره را به هر صورت از او خواهند گرفت. (حضرت امام و آیت الله صافی)

قرض ربوی حرمت تکلیفی دارد؛ ولی اصل قرض صحیح است و در

ص: 155

1- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1685.

2- سیدروح الله خمینی، تحریر الوسيله؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الدین و القرض، القول فی القرض، ص 641، مسئله 13؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتانات، امور بانکی، احکام وام ها، گرفتن وام ربوی بدون نیت پرداخت ربا؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج 2، ص 297، سؤال 1970؛ سیدعلی خامنه ای، سایت، پرسش های متداول، دین و قرض، قرض ربوی، سؤال 293.

هنگام اضطرار می تواند برای اجتناب از انجام حرام، هنگام قرض کردن، پرداخت ربا را قصد نکند؛ اگرچه می داند که ربا را از او خواهند گرفت. (امام خامنه ای)

در صورتی که وام مشروط به سود بگیرد، جایز نیست؛ هرچند قصد پرداخت سود را جز به اجبار نداشته باشد. (آیت الله مکارم)

اگر قرض یا تسهیلات اعطایی مثل جعاله، شروط ربوی مثل دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه داشته باشد، دریافت آن از بخش خصوصی در کشورهای اسلامی مطلقاً جایز نیست؛ مگر اینکه بانک یا مؤسسه مالی اعتباری یا صندوق از شروط ربوی خویش به نفع متقاضی وام صرف نظر کند و با او چنین شرطی نکند. (1) همچنین قرض گرفتن از بانک های دولتی و مشترک، به شرط پرداخت سود، جایز نیست؛ زیرا رباست و اگر کسی با این شرط از بانک دولتی قرض کند، قرض و شرط آن، هر دو باطل است؛ زیرا بانک مالک اموال خود نیست تا آن ها را به تملیک قرض گیرنده درآورد. برای رهایی از این اشکال، قرض گیرنده می تواند با اذن حاکم شرع (مرجع تقلید) مبلغ مدنظر را قرض کند به این لحاظ که اموال بانک مجهول المالک و اختیار تصرف در آن ها با حاکم شرع است. این اذن را ما به همه مؤمنان داده ایم و کافی است کسی که پول از بانک می گیرد، هنگام گرفتن پول، پیش خودش بگوید این پول را از طرف حاکم شرع به خودم قرض دادم و در این صورت اشکال ندارد؛ هرچند بدانند طبق قانون، به پرداخت اصل و سود به بانک ملزم است. (آیت الله سیستانی) (2)

ص: 156

---

1- سیدعلی سیستانی، استفتائات، ج 1، سؤال 357.

2- سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله 2798 و 2803. این راهکار، هم در وام های قرض الحسنه بانک ها با شرط دیرکرد و کارمزد به کار می آید و هم در عقود مباحه ای که بانک ها قصد قرض ندارند؛ یعنی در تمام این عقود، راهکار آیت الله العظمی سیستانی، بر اساس قرض از طرف حاکم شرع است.



#### 14. فروختن مبلغی با ضمیمه چیزی به بیشتر به صورت نسیه

14. فروختن مبلغی با ضمیمه چیزی به بیشتر به صورت نسیه (1)

آیا جایز است فردی مبلغی پول را به ضمیمه چیزی دیگر به مبلغی بیشتر به صورت نسیه بفروشد؟ مثلاً قرض دهنده 100 هزار تومان را به ضمیمه یک قوطی کبریت یا یک عدد استکان، به 110 هزار تومان به مدت دو یا سه ماه یا بیشتر بفروشند.

ضمیمه کردن چیزی به مال به قصد فرار از ربا، در جواز قرض ربوی اثری ندارد و با ضمیمه کردن چیزی به آن، حلال نمی شود. (امام خامنه ای)

چنین معامله ای که در واقع نوعی حيله برای فرار از ربای قرضی است، شرعاً حرام و باطل است. (آیت الله خویی)

اگر جنس اضافه شده برای فرار از ربا باشد، جایز نیست؛ مثلاً یک من گندم خوب را به یک ونیم من گندم خوب مثل آن بخواهد نسیه بفروشد و برای فرار از ربا، چیزی بر یک من گندم اضافه کند. (حضرت امام)

نکته: نظر آیت الله بهجت در این زمینه در رساله و استفتائات ایشان ظاهراً متفاوت است؛ لذا ما هر دو را بیان می کنیم:

رساله: فروختن مبلغی به ضمیمه چیزی، به مبلغ بیشتری تا مدت معینی، جایز نیست؛ مانند اینکه 100 تومان را به ضمیمه یک قوطی کبریت یا یک عدد استکان، به 110 تومان به مدت دو یا سه ماه یا بیشتر بفروشند. این عمل در واقع همان وام دادن با سود است که به صورت خرید و فروش انجام می شود و حرام است. (آیت الله بهجت)

استفتائات: آیا جایز است مبلغی را به ضمیمه چیزی دیگر، به مبلغ بیشتری تا مدت معینی بفروشند؟

مانعی ندارد. (آیت الله بهجت) (2)

ص: 157

- 
- 1- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2074 و ج 2، ص 846، مسائل مربوط به بانک ها، مسئله 1 و ج 2، ص 842؛ سید ابوالقاسم خویی، ملحقات رساله، با حاشیه آیات عظام تبریزی و نوری، مسئله 11؛ سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص 374، سؤال 1628؛ محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، ص 459، مسئله 2284.
  - 2- محمد تقی بهجت، استفتائات، ج 3، ص 280، سؤال 4299.

### 15. فروش اوراق قرضه (1)

اوراق قرضه اوراقی است که مراجع قانونی ذی ربط به قیمت اسمی معین و مدت داری صادر می کنند و آن ها را به قیمتی کمتر از قیمت اسمی می فروشند. مثلاً سندی را که قیمت اسمی آن 1000 تومان است، به 950 تومان نقداً می فروشند، مشروط به اینکه آن را سال بعد به 1000 تومان بخرند. خرید و فروش اوراق قرضه چه حکمی دارد؟ (2)

اگر مقصود استقراض دولت از ملت از طریق چاپ و فروش اوراق قرضه ملی باشد، مشارکت مردم در قرض دادن به دولت از طریق خرید این اوراق اشکال ندارد و هنگامی که خریدار، اوراق قرضه ملی را می فروشد تا پول خود را به دست آورد، اگر به همان قیمتی که از شخص دیگر یا از دولت

ص: 158

1- اوراق قرضه: چند نکته برای روشن شدن اوراق قرضه: 1. در اوراق قرضه، چه سودی حاصل شود و چه نشود، باید سود را به صاحب اوراق قرضه داد. به علت ایرادهای اساسی موجود در اوراق قرضه و مطابق نبودن آن با فقه اسلامی، در بورس اوراق قرضه وجود ندارد و جانشین اوراق قرضه، اوراق مالی و بهادار است. 2. به جز اوراق قرضه، اوراق دیگری با اسمی مشابه (اوراق قرض الحسنه) وجود دارد که باید بین آن و اوراق قرضه فرق گذاشت. اوراق قرض الحسنه روش جدیدی است برای استفاده از قرض الحسنه بدون مشکلات قرض الحسنه. مؤسسه هایی مثل کمیته امداد، اوراق قرض الحسنه را تکثیر می کنند و برای طرح عام یا خاص (وام دادن به افراد فقیر، ایجاد اشتغال و...) مصرف می شود. محسنات: 1. این اوراق را می توان در بازار بورس معامله کرد؛ یعنی می توان آن را به کسی دیگر واگذار کرد. به عبارت دیگر، قرض به راحتی جابه جا و نقد می شود. 2. می توان آن را به عنوان وثیقه ای مالی، نزد مؤسسات مالی گذاشت و از آن به جای چک استفاده کرد. 3. به جای ثمن معامله می توان آن را به فروشنده داد؛ چون سند رسمی و معتبری است. 4. نوعی پس انداز و جانشین است برای حساب پس انداز بانکی؛ البته با بهره معنوی که شاید دارندگان این اوراق این بهره معنوی را بهتر درک و لمس می کنند. حال ارگانی مثل کمیته امداد که این قرض را گرفته است، از کجا پول مردم را برگرداند؟ 1. می تواند از فروش اوراق بعدی، پول مردم را برگرداند. 2. بانی خیر در این مدت پیدا شود و این دین را بر عهده بگیرد. 3. از درآمد طرح های عمرانی که با پول قرضی اولی انجام داده است، قرضش را برمی گرداند؛ مثلاً مغازه هایی می سازد و می فروشد یا اجاره می دهد و قرض ابتدایی را برمی گرداند. در نهایت، تذکر دوباره این مسئله لازم است که این اوراق سودی ندارد. در مواقعی، این اوراق به ابتذال کشیده شده است و با شرایط ربوی همراه شده است؛ اما اصل این اوراق اگر به صورتی که تبیین شده است استفاده شود، اشکالی ندارد؛ در حالی که اوراق قرضه از اساس با اشکال مواجه است که توضیح کوتاهی از آن در متن گذشت (برگرفته از جزوه «بورس و بیمه» حجت الاسلام علوی، عضو شورای فقهی بورس کشور و کتاب آشنایی با بازار سرمایه اسلامی (بورس) از سیدعباس موسویان و ابوذر سروش).

2- سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، سؤال 1608؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2845؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج 3، ص 505، سؤال 1359؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات (7)، فروش اوراق قرضه؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

خریده یا به قیمتی کمتر از آن بفروشد، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

خریدوفروش اوراق قرضه اشکال دارد. (آیات عظام مکارم و نوری)

جایز نیست بانک ها و مؤسسه های مالی اعتباری به خریدوفروش اوراق قرضه پردازند و همچنین گرفتن کارمزد برای این کار جایز نیست. (آیت الله سیستانی)

چنانچه این سهام مابازاء ندارد، یعنی با خریدن آن سهمی از سهام یک عین خارجی خریده نمی شود، خریدوفروش آن باطل است و اگر مابازاء دارد، خریدوفروش جایز است. اصل آن، حکم سرمایه را دارد که اگر معاش شخص و عائله او متوقف بر آن باشد، بنا بر احتیاط واجب متعلق خمس است و اگر چنین نباشد، به فتوا، متعلق خمس است. در صورتی که سودی تعلق گرفت، اگر دولتی یا مشترک بین دولت و مردم باشد، بنا بر احتیاط واجب، یک پنجم آن را به قصد مافی الذمه به سید فقیر بدهند و بقیه سود حاصل شده در آمد سال است که اگر در مخارج متعارف سال حصول در آمد مصرف نشود، خمس آن واجب است و اگر کاملاً خصوصی باشد، سود حاصل شده در آمد سال است. (آیت الله وحید)

ص: 159







بسیاری از احکام مرتبط با این صندوق ها، در مباحثی که در این نوشته گذشت، روشن شد؛ مثل شرط کردن انواع زیادی، دیرکرد، کارمزد و تهاتر؛ لذا آن ها را تکرار نمی کنیم.

### الف. حکم صندوق های دوستانه و خانوادگی

الف. حکم صندوق های دوستانه و خانوادگی (1)

در صندوق های قرض الحسنه خانوادگی، معمولاً شروط اعطای تسهیلات به این صورت است که تمام اعضا مبلغی توافق شده را ماهانه به حساب صندوق واریز می کنند و مسئولان صندوق نیز ماهانه با جمع آوری این مبالغ و مبالغ بازپرداخت اقساط وام های داده شده به اعضا، با قرعه کشی به اعضای صندوق وام می دهند. آیا این کار صحیح است؟

اگر با رضایت همه اعضا باشد، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

ایجاد صندوق های خانوادگی و دوستانه چه حکمی دارد؟

در صورتی که اقساط وام همه برابر باشد و سودی گرفته نشود و وام به همه پرداخت شود، مانعی ندارد. البته اگر کارمزدی دریافت شود، بنا بر احتیاط واجب باید با زحمات و هزینه های صندوق متناسب باشد. (آیت الله مکارم)

### ب. حکم قرض مشروط در صندوق های خانوادگی

ب. حکم قرض مشروط در صندوق های خانوادگی (2)

عده ای با هم صندوقی قرض الحسنه تشکیل داده اند؛ به این ترتیب که هرکسی عضو می شود، هم در ابتدا مبلغی مشخص و هم ماهیانه

ص: 163

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتا: 815959؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، اموربانکی، احکام وام ها، حکم صندوق های دوستانه و خانوادگی.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، استفتائات، شماره استفتا: 761558؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، احکام قرض الحسنه، حکم قرض مشروط در صندوق های خانوادگی؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

مبلغی مشخص به حساب صندوق واریز می کند. همچنین در صورت انصراف از صندوق، تمام پول های پرداخت شده عیناً به شخص برگردانده می شود. با این شرط، به کسانی که دو ماه از عضویتشان گذشته باشد، وام قرض الحسنه بدون سود داده می شود. آیا چنین وامی شرعی است؟

اگر سپرده گذاری به صورت قرض به شرط گرفتن وام و قرض نباشد، اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

در بین فامیل ما صندوق قرض الحسنه ای تشکیل شده که عملکرد آن بدین طریق است: هر عضو ماهانه پانصد تومان یا بیشتر پرداخت می کند. هرگاه درخواست وام کند، با توجه به ماهانه هایی که پرداخت کرده است، دو یا سه برابر آن وام به او پرداخت می شود. حال با توجه به اینکه ماهانه ها و وام ها هر دو به صورت قرض مشروط است، آیا حکم ربا بر آن جاری است؟ چنانچه این کار بدون هیچ شرطی و با رضایت کامل طرفین صورت پذیرد، چه حکمی دارد؟ اگر این کار به صورت قرارداد بین آن افراد انجام شود، اشکال ربا دارد. تنها راه صحت آن این است که قصد همه، وام قرض الحسنه باشد؛ ولی همه آن ها اخلاقاً مقررات آن صندوق را رعایت کنند بی آنکه تعهد شرعی یا قانونی داشته باشند. راه دیگر این است که پول ها به صورت وام داده نشود؛ بلکه به صورت هبه باشد؛ ولی در واقع هبه معوضه است که در مقابل این هبه، دیگران هم به موقع هبه خواهند کرد تا دوره کامل تمام شود. (آیت الله مکارم)

قرض دادن به شرط قرض گرفتن، ربا و حرام است؛ لذا قرض این صندوق ها ربوی و حرام است. (آیت الله وحید)

### ج. اختصاص وام اول به مسئول صندوق

اگر وام اول، به صورت شرط و الزام، به مسئول صندوق داده شود، چه



حکمی دارد؟(1)

در فرض شرط، جایز نیست. (امام خامنه ای)

در صورتی که شرط اختصاص اولین وام به مسئول صندوق همراه با رضایت و مطابق توافقی باشد که اعضای صندوق داشته اند، اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم)

## د. شرط قرعه کشی و تخلف از آن

اگر اعضا شرط کنند که مسئول صندوق ملزم است با قرعه کشی مشخص کند وام به چه کسی تعلق می گیرد، آیا چنین شرطی صحیح و لازم است؟ آیا مسئول صندوق حق تخلف از این شرط را دارد؟ در صورت تخلف مسئول صندوق، آیا وام گیرنده حق تصرف در این وام را دارد؟(2)

چون مسئول صندوق وکیل است، باید طبق آنچه موکل شرط می کند، عمل کند و اگر قرض دهندگان به چنین قرضی راضی نباشند، وام گیرنده حق تصرف ندارد. (امام خامنه ای)

باید همه اعضا به مفاد قرارداد و شروطی که می کنند، پایبند باشند. (آیت الله مکارم)

## 2. شک یا اختلاف در میزان بدهکاری

2. شک یا اختلاف در میزان بدهکاری (3)

الف. در صورتی که انسان از بدهکار بودن خویش به کسی مطمئن باشد ولی میزان بدهی را نداند و تعیین بدهی نیز ناممکن باشد، آیا

ص: 165

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 807368354؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611150054.

2- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 807368354؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611150054.

3- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 715478873؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9606310075؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 45758؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 29833؛ حسین وحید خراسانی، استفتای شخصی از سایت، بدون کد.

مدیون مقدار کمتر و قدر متیقن است یا مدیون مقدار بیشتر که فراق ذمه قطعی می آورد؟

ب. در موضوع سؤال، اگر طلبکار مبلغی را ادعا کند که برای بدهکار یقین آور نیست، تکلیف چیست؟

در فرض سؤال، پرداخت مقدار اقل کفایت می کند؛ ولی احتیاط در مصالحه است؛ مگر اینکه طلبکار حجت شرعی بر بدهی مازاد اقامه کند یا از طریق دادگاه، بدهکار به آن محکوم شود. (امام خامنه ای)

پرداخت اقل کافی است و چنانچه طلبکار ادعای مبلغ بیشتر را دارد، باید ادعای خود را با دلیل و مدرک معتبر ثابت کند. اگر طلبکار مدرکی نداشته باشد ولی در معرض اتهام دروغ گویی هم نباشد، خوب است به گونه ای با هم مصالحه کنند. (آیت الله مکارم)

اگر مقدار قطعی را بپردازد، کفایت می کند. بله، اگر به مال موجودش شک کند، باید مقدار قطعی و نصف مقدار مشکوک را بپردازد. (آیت الله شبیری)

الف. واجب است مقدار یقینی را بدهد. ب. اگر شخص راست گویی است و گمان به خلاف گفته او نیست، باید همان را بدهد. (آیت الله وحید)

در فرض سؤال، اگر منازعه ای بین طرفین نباشد، پرداخت مبلغ متیقن (حداقل) بر مدیون واجب است؛ ولی در صورت تنازع، باید به محاکم قضایی ترافع شود. (آیت الله نوری)

### 3. بررسی تشخیص مدیون در چند صورت

#### الف. نقدنشدن چکی که چند دست جابه جا شده است

فردی از دیگری طلبکار است و مثلاً چک یک ماهه از او دارد. این فرد

طلبش را تقدماً به کمتر به فرد سومی می فروشد و چک را به او می دهد. فرد سوم هم طلب را به فرد چهارمی تقدماً به کمتر می فروشد و چک را به او می دهد. حال اگر در سررسید چک، بدهکار اولی حاضر نباشد چک را پاس کند، آخرین خریدار چک، برای گرفتن طلبش به چه کسی می تواند رجوع کند؟(1)

صادرکننده چک ضامن است. (امام خامنه ای)

چک در هر حال حواله است و نفر چهارم می تواند به شخصی که چک را از او خریده، مراجعه کند. (آیت الله مکارم)

فقط می تواند طلبش را از بدهکار اول مطالبه کند و نه شخص دیگر. (آیت الله شبیری)

## ب. ضمان در مقبوض بالسوم

مقبوض بالسوم چیست و ضمان آن به عهده چه کسی است؟(2) مقبوض بالسوم عبارت است از مالی که شخص از دیگری بگیرد یا نزد او قرار داده شود تا با دقت در آن، از خصوصیات آن آگاه شود و در صورت پسندیدن، آن را بخرد.

ضمان آن به عهده مشتری است: اگر مثلی باشد، ضامن مثل و اگر قیمی باشد، ضامن قیمت است. (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، نوری، صافی و تبریزی)

بنا بر احتیاط واجب، ضمان بر عهده مشتری است. (آیت الله سیستانی)

جنس گرفته شده امانت محسوب می شود. چنانچه امین در نگهداری

ص: 167

---

1- سیستم مدیریت سایت رهبر معظم انقلاب، سؤالات نمایندگی ها، کد پیگیری 724487802؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9611200035؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 50121.

2- سیدمحمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، مسئله 2563؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، ص 177، کتاب الغصب، مسئله 14؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 257، مسئله 817؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایه العباد، کتاب الغصب، مسئله 23.

جنس کوتاهی کرده، ضامن است؛ اما اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و در استفاده از آن نیز زیاده روی نکرده باشد و اتفاقاً آن مال تلف شود، ضامن نیست. (آیت الله مکارم) [\(1\)](#)

اگر با اجازه فروشنده باشد و افراط و تفریط نکرده باشد، ضامن نیست. (آیت الله شبیری) [\(2\)](#)

اگر با اجازه فروشنده باشد، در صورتی که آن مال تلف شود، لازم نیست عوض آن را به صاحبش بدهد. (آیت الله بهجت)

### ج. تلف قبل از قبض

مالی را مشتری خریده است و قبل از قبض مشتری، مال در دست بایع تلف شده است. چه کسی ضامن است؟ [\(3\)](#)

در فرض سؤال، از مال بایع رفته است؛ لذا ثمن به مشتری بازمی‌گردد. (آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، خویی، شبیری، نوری و تبریزی)

نکته: آیات عظام سیستانی، وحید، خویی و تبریزی بین علت تلف که آسمانی باشد یا زمینی، فرقی نگذاشته‌اند. ایشان تصریح کرده‌اند که اگر ثمن هم قبل از قبض فروشنده تلف شود، از مال مشتری تلف شده است.

ص: 168

---

1- آیت الله العظمی مکارم در بحث مقبوض بالسوم در رساله (م 2192) احتیاط کرده است؛ ولی در پاسخ به استفتای ما با کد رهگیری 9610080031 فرموده است: «جنس امانت محسوب می‌شود. چنانچه امین در نگهداری جنس کوتاهی کرده، ضامن است؛ اما اگر در نگهداری آن کوتاهی و زیاده روی نکرده باشد و اتفاقاً آن مال تلف شود، ضامن نیست.» با توجه به این اختلاف، در پاسخ به استفتایی با کد رهگیری 9610180054، فرموده است که استفتای اخیر را ملاک قرار دهید؛ یعنی چنانچه در نگهداری کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.

2- آیت الله العظمی شبیری زنجانی در بحث مقبوض بالسوم در رساله احتیاط کرده است؛ ولی در پاسخ به استفتای ما با شماره 49578 فرموده است: «اگر با اجازه فروشنده باشد و افراط و تفریط نکرده باشد، ضامن نیست.» با توجه به این اختلاف، در پاسخ به استفتای شماره 48840، فرموده است که پاسخ استفتا طبق نظر اخیر معظم له است.

3- سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، ص 65، مسئله 191؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج 3، ص 57، مسئله 179؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین ج 2، ص 50، مسئله 179؛ حسین نوری همدانی، استفتای شخصی از سایت، کد 27721؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9511240079؛ سیدموسی شبیری زنجانی، استفتای شخصی از سایت، سؤال 38561.

## د. ضمان در شیء تلف شده به دست بچه نابالغ

اگر بچه غیر ممیز یا بچه ممیز نابالغ، مالی را خراب کند، خودش مدیون است یا پدرش؟ (1)

در هر دو صورت (غیر ممیز و ممیز نابالغ) خود بچه ضامن است. (امام خامنه ای)

در صورتی که ولیّ او مراقبت لازم را نکرده است، او ضامن است. در غیر این صورت، خود بچه ضامن است و باید بعد از بلوغ جبران کند. (آیت الله مکارم) در هر دو صورت، اگر بچه مالی داشته باشد، باید ولیّ او از مال بچه جبران کند و اگر مالی نداشته باشد یا ولیّ او جبران نکرده باشد، بچه باید پس از بلوغش جبران کند و بر ولی واجب نیست از مال خودش جبران کند. (آیت الله شبیری)

## 4. حکم جست و جو از طلبکار و هزینه های آن

اگر بدهکار قصد پرداخت بدهی را داشته باشد و دسترسی به بدهکار هم ممکن باشد یا احتمال عقلایی در پیدا کردنش باشد، ولی تحقیق و جست و جو از طلبکار هزینه ها یا سختی های نامتعارفی داشته باشد، مثل اینکه باید بدهکار چند شهر را دنبال طلبکار بگردد یا به کشور دیگری سفر کند یا از ده ها نفر بپرسد یا چندین جا را بررسی کند، در این حالت، چند سؤال مطرح است:

1. اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی نکرده باشد، آیا انجام این امور بر او واجب است؟

2. اگر بدهکار در پرداخت بدهی کوتاهی کرده باشد، آیا انجام این

ص: 169

---

1- سیدعلی خامنه ای، استفتای شخصی از سایت، کد استفتا: 0beYOUg1M؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9507050112؛ سیدموسی شبیری زنجان، استفتای شخصی از سایت، سؤال 34019.

3. در هریک از دو فرض قبل، اگر میزان بدهی کم باشد یا هزینه جست و جو بیشتر از میزان بدهی باشد، آیا تحقیق واجب است؟ (1)

باید برای دسترسی به طلبکار و پرداخت بدهی تلاش کند و اگر به طلبکار خود دسترسی ندارد و امید هم نداشته باشد او را پیدا کند، احتیاط واجب آن است که مقدار طلب او را با اجازه حاکم شرع به فقیر دهد؛ خواه آن فقیر سید باشد یا غیرسید. ضمناً هزینه های معمولی و متعارف را که برای پرداخت مطالبات در میان مردم رایج است، نمی تواند بگیرد؛ ولی اگر هزینه های فوق العاده ای پردازد، می تواند آن را از طلبکار طلب کند یا از مبلغ بدهی کسر کند. (آیت الله مکارم)

## 5. مسافرت مدیون

5. مسافرت مدیون (2)

اگر فرد برای ترک کار واجبی مسافرت کند، چه غرض دیگری در سفر داشته یا نه، نمازش کامل است؛ پس کسی که شرعاً بدهکار است و سررسید پرداخت بدهی اش فرارسیده است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و برای فرار از دادن قرض، مسافرت کند، باید نماز را کامل بخواند؛ ولی اگر سفرش برای کار دیگری است، هرچند در سفر واجب نیز ترک شود، باید نماز را شکسته بخواند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، بهجت، فاضل، وحید، صافی، خویی، تبریزی و نوری)

اگر شخص برای ترک کار واجبی مسافرت کند، نمازش کامل است؛ پس کسی که بدهکار است و وقت آن رسیده است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و رضایت طلبکار را در تأخیر پرداخت احراز نکرده باشد، چنانچه در

ص: 170

1- ناصر مکارم شیرازی، استفتای شخصی از سایت، کد رهگیری 9610230061.

2- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج 1، مسئله 1297؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، فصل فی صلاه المسافر، الشرط الخامس.

سفر نتواند بدهی خود را بدهد و برای فرار از پرداخت آن مسافرت کند، باید نماز را کامل بخواند. (آیت الله شبیری)

نکته: اگر مسافرت مدیون با کسب و کار و کسب درآمد به منظور پرداخت بدهی منافات داشته باشد، عنوان «کسب و کار و تلاش برای پرداخت بدهی» از همین نوشته را ملاحظه کنید.

## 6. شکستن نماز واجب به اختیار برای پرداخت بدهی طلبکار

6. شکستن نماز واجب به اختیار برای پرداخت بدهی طلبکار (1)

اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او بخواهد، چنانچه بتواند در بین نماز طلبش را بدهد، باید در همان حال پردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد؛ بعد نماز را بخواند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، فاضل، شبیری، خوبی، تبریزی، صافی و نوری)

هرگاه مشغول نماز باشد و طلبکاری طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد و صورت نماز به هم نخورد، بهتر است در همان حال پردازد؛ ولی اگر بدون شکستن نماز ممکن نیست، صبر کند تا نماز تمام شود و این مقدار تأخیر با فوریت ادای دین منافات ندارد؛ مگر اینکه ضرورت خاصی داشته باشد؛ مثل اینکه همراهان و هم سفران طلبکار می روند و او به زحمت می افتد. (آیت الله مکارم)

## 7. پرداخت بدهی افراد فاجر، ضدانقلاب و ...

فردی مبلغ 900 تومان از یک یهودی ضدانقلاب در زمان طاغوت گرفته بود. آیا فعلاً باید مبلغ فوق را به آن یهودی پردازد؟ (2)

بدهی را باید ادا کند. (حضرت امام)

ص: 171

1- سیدمحمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج1، مسئله 1161.

2- سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج6، کتاب دین و قرض، ص494، سؤال 7665.

## 8. وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبکه ای

8. وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبکه ای (1)

صندوق قرض الحسنه ای، با شروط زیر و با هدف پرداخت وام 700 هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است:

1. متقاضی باید برای ثبت نام اولیه مبلغ 3 هزار تومان به صندوق کارمزد بپردازد.

2. هر متقاضی باید سه نفر دیگر را که نیازمند وام هستند، معرفی کند و آن ها نیز هرکدام مبلغ 3 هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازند.

3. این روند باید همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اول به ردیف هفتم ارتقا یابد. در این صورت، وی می تواند برای دریافت وام اقدام کند.

4. صندوق قرض الحسنه به جز کارمزد یادشده، هیچ گونه بهره ای از دریافت کنندگان وام نمی گیرد.

عملیات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لاتاری پیچیده است و متأسفانه از غرب آمده است. نتیجه آن این است که در مرحله اول بیش از 6 میلیون تومان کارمزد دریافت می شود و 700 هزار تومان وام داده می شود که آن هم به کیسه مؤسسه برمی گردد! کارمزد عبارت است از حق الزحمه عادلانه کسانی که در آن مؤسسه کاری انجام می دهند که به مقدار کارشان باید به آن ها مزدی داد. بر درآمد 6 میلیون تومانی در یک مرحله، گذاشتن نام کارمزد نوعی فریب است. (آیت الله مکارم)

ص: 172

---

1- ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، امور بانکی، احکام قرض الحسنه، وام قرض الحسنه به صورت عضوگیری شبکه ای.



1. قرآن کریم.
2. اراکی، محمدعلی، توضیح المسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1372.
3. بهجت، محمدتقی، استفتائات، ج2، چ1، قم: شفق، 1386.
4. بهجت، محمدتقی، توضیح المسائل، چ82، قم: شفق، 1386.
5. بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، ج2 و3 و4، چ2، قم: دفتر آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله)، 1384.
6. بهجت، محمدتقی، وسیله النجاه، ج1، چ2، قم: شفق، 1381.
7. تبریزی، جواد، استفتائات، چ3، قم: سرور، 1385.
8. تبریزی، جواد، توضیح المسائل، چ2، قم: هجرت، 1381.
9. تبریزی، جواد، منهاج الصالحین، چ1، مجمع الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1426، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام)، نسخه 2.
10. توضیح المسائل مراجع، چ12، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1384.
11. جمعی از پژوهشگران، مناسک حج مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید، چ3، تهران: محراب قلم، 1391.
12. حاشیه بر العروه الوثقی (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خوبی، گلپایگانی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، اراکی و مکارم).
13. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، چ1، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1427.
14. حسینی سیستانی، سیدعلی، سایت: <http://www.sistani.org>.
15. خامنه ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتائات، چ63، تهران: شرکت چاپ

16. خامنه ای، سیدعلی، تحریر المسائل.
17. خامنه ای، سیدعلی، رساله آموزشی، ج 1، چ 6، مؤسسه فرهنگی هنری امین، 1390.
18. خامنه ای، سیدعلی، سایت: [www.leader.ir](http://www.leader.ir).
19. خمینی، سیدروح الله، استفتائات، چ 5، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1380.
20. خمینی، سیدروح الله، الرسائل، چ 1، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1420، براساس نرم افزار.
21. خمینی، سیدروح الله، آموزش فقه، چ 27، قم: الهادی، 1385.
22. خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسيله، ج 1 و 2 و 3، چ 23، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1386.
23. خمینی، سیدروح الله، توضیح المسائل، چ 7، قم: نیلوفرانه، 1384.24. خویی، سیدابوالقاسم، استفتائات، چ 1، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، 1381.
25. خویی، سیدابوالقاسم، توضیح المسائل، چ 1، مشهد: رستگار، 1380.
26. خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج 2، چ 6، قم: مدرسه الامام باقر العلوم (علیه السلام)، 1386.
27. راهنمای فتاوا (رهبر معظم انقلاب و حضرت امام)، چ 1، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی، 1392.
28. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل جامع، ج 1.
29. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، چ 8، ولایت، 1389.
30. سیستانی، سیدعلی، رساله جامع، چاپ نشده است.
31. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، ج 1، چ 10، بیروت، 1427.
32. شاهرودی، سید محمود، توضیح المسائل.

33. شاهرودی، سید محمود، منهاج الصالحین، چ2، دفتر معظم له، 1432.
34. شبیری زنجانی، سید موسی، توضیح المسائل، چ22، قم: سلسبیل، 1392.
35. صافی گلپایگانی، لطف الله، توضیح المسائل، چ5، مشهد: هاتف، 1387.
36. صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الاحکام، ج1، چ4، قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (علیها السلام)، 1417، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام)، نسخه 2.
37. صافی گلپایگانی، لطف الله، هدایه العباد، ج1 و2، چ1، قم: دارالقرآن کریم، 1416، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام)، نسخه 2.
38. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، چ1، مطبعه الزیتون، 1427.
39. فاضل لنکرانی، محمد، الاحکام الواضحه، ج1، چ5، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، 1424.
40. فاضل لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، چ130، چاپخانه مهر قم، 1385.
41. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، ج1 و2 و3، چ11، قم: امیرالمؤمنین.
42. گلپایگانی، سید محمد رضا، توضیح المسائل، قم: دارالقرآن کریم.
43. گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، به تصحیح علی کریمی جهرمی و علی ثابتی همدانی و علی نیری همدانی، چ2، قم: دارالقرآن کریم، 1409.
44. گلپایگانی، سید محمد رضا، هدایه العباد، چ1، به تصحیح علی ثابتی

- همدانی و علی نیری همدانی، قم: دار القرآن کریم، 1413؛ به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام) ، نسخه 2.45. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ 1، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، 1408، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام) ، نسخه 2.
46. محمدبن حسن طوسی، عده فی اصول الفقه، چ 1، چاپخانه ستاره، 1417، به نقل از: نرم افزار جامع فقه اهل بیت (علیهم السلام) ، نسخه 2.
47. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات، ج 1 و 2 و 3، چ 5، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ، 1388.
48. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، چ 47، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ، 1391.
49. مکارم شیرازی، ناصر، سایت: [persian.makarem.ir](http://persian.makarem.ir).
50. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، قم: دار الكتاب الاسلامیه، 1384.
51. نوری همدانی، توضیح المسائل، چ 20، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1385.
52. نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج 1، چ 4، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1383.
53. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، چ 8، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم (علیه السلام) .
54. وحید خراسانی، حسین، سایت: [www.vahid-khorasani.ir](http://www.vahid-khorasani.ir).
55. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، ج 2، چ 6، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم (علیه السلام) ، 1386.
56. وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چ 1، چاپخانه قدس، 1383.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

